

# روان شناسی و دین

سال هجدهم، شماره اول، پیاپی ۶۹، بهار ۱۴۰۴



مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

فصلنامه «روان شناسی و دین» به استناد ماده واحده مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی و بر اساس نامه شماره ۱۰۴/الف مورخ ۱۳۹۰/۳/۲۱ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی وابسته به شورای عالی حوزه‌های علمیه، از شماره ۹ حائز رتبه «علمی - پژوهشی» گردید.

مدیر مسئول

رحیم ناروئی نصرتی

سر دبیر

محمدرضا احمدی

مدیر اجرایی

علی آقامحمدی

صفحه آرا

امیرحسین نیک‌پور

ناظر چاپ

حمید خانی

چاپ

نبنوا

سامانه ارسال و پیگیری مقالات:

[www.nashriyat.ir](http://www.nashriyat.ir)

شاپا الکترونیک: ۸۴۷۲ - ۲۹۸۰

## اعضای هیئت تحریریه

محمدرضا احمدی

دانشیار روان شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

غلامعلی افروز

استاد روان شناسی دانشگاه تهران

محمدکریم خداپناهی

استاد روان شناسی تربیتی دانشگاه شهید بهشتی

محمدجواد زارعان

دانشیار علوم تربیتی جامعه المصطفی العالمية

عباسعلی شاملی

دانشیار علوم تربیتی جامعه المصطفی العالمية

سیدمحمد غروی

دانشیار روان شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

علی فتحی آشتیانی

استاد روان شناسی بالینی دانشگاه علوم پزشکی بقیةالله

نشانی: قم، بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، طبقه چهارم، اداره کل نشریات تخصصی  
تحریریه ۳۲۱۱۳۴۷۴ - مشترکان ۳۲۱۱۳۴۷۱ - دورنگار ۳۲۹۳۴۴۸۳ (۰۲۵)  
صندوق پستی ۳۷۱۸۵-۴۳۳۳

[www.iki.ac.ir](http://www.iki.ac.ir)

<http://eshop.iki.ac.ir> فروشگاه اینترنتی:

نمایه در:

[sid.ir](http://sid.ir) & [isc.gov.ir](http://isc.gov.ir) & [magiran.com](http://magiran.com) & [noormags.ir](http://noormags.ir)

## اهداف و رویکرد نشریه روان‌شناسی و دین

روان‌شناسی و دین فصلنامه‌ای علمی - پژوهشی در زمینه روان‌شناسی است که با هدف انتشار مطالعات مرتبط با مناسبات بین روان‌شناسی و دین اسلام در موارد زیر منتشر می‌شود:

۱. نظریه‌پردازی به منظور پایه‌ریزی مکتب روان‌شناسی اسلامی؛
۲. تبیین فلسفه روان‌شناسی اسلامی (مبانی، اصول، ماهیت، روش)؛
۳. نقد فلسفه روان‌شناسی معاصر (مبانی، اصول، ماهیت، روش)، بر اساس مبانی اسلامی؛
۴. نقد رویکردها و دیدگاه‌های موجود در روان‌شناسی معاصر، بر اساس مبانی و منابع اسلامی؛
۵. روش‌شناسی استنباط موضوعات و مسائل روان‌شناختی از منابع اسلامی؛
۶. بومی‌سازی دانش روان‌شناسی با توجه به فرهنگ اسلامی ایرانی.

ضمن استقبال از دستاوردهای تفکرات و تأملات روان‌شناختی، پیشنهادها و انتقادهای شما را در مسیر کمال و بالندگی نشریه پذیراییم. خواهشمندیم مقالات خود را از طریق تارنمای نشریه ارسال فرمایید.

<https://nashriyat.ir>

اشتراک: قیمت هر شماره مجله، ۸۰۰۰۰۰ ریال، و اشتراک چهار شماره آن در یک سال، ۳۲۰۰۰۰۰ ریال است. در صورت تمایل، وجه اشتراک را به حساب شبای IR910600520701102933448010 بانک مهر ایران، واریز، و اصل فیش بانکی یا تصویر آن را همراه با برگ اشتراک به دفتر مجله ارسال نمایید.

## راهنمای تهیه و تنظیم مقالات

### الف) شرایط عمومی

۱. مقالات ارسالی باید بر خوردار از صبغه تحقیقی-تحلیلی، ساختار منطقی، انسجام محتوایی، و مستند و مستدل بوده و با قلمی روان و رسا به زبان فارسی نگارش یافته باشند.
۲. مقالات خود را در محیط WORD از طریق تارنمای نشریه به <https://nashriyat.ir> ارسال نمایید.
۳. حجم مقالات حداکثر در ۲۵ صفحه (۳۰۰ کلمه‌ای) تنظیم شود. از ارسال مقالات دنباله‌دار جدا خودداری شود.
۴. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی / تحصیلات، نشانی کامل پستی، نشانی صندوق الکترونیکی، شماره تلفن تماس، شماره دورنگار، مؤسسه علمی وابسته، همراه مقاله ارسال شود.
۵. مقالات ارسالی نباید قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی و یا به‌عنوان بخشی از یک کتاب چاپ شده باشند. و نیز همزمان برای چاپ به سایر مجلات علمی ارسال نشده باشند.
۶. از ارسال مقالات ترجمه شده خودداری شود. نقد مقالات علمی و یا آثار و کتاب‌های منتشر شده، که حاوی موضوعات بدیع یا نکات علمی ویژه، که با مقتضیات و نیاز جامعه علمی تناسب داشته باشد، امکان چاپ دارند. البته، چاپ مقالات پژوهشی و تألیفی بر این گونه مقالات اولویت خواهد داشت.

### ب) نحوه تنظیم مقالات

مقالات ارسالی باید از ساختار علمی برخوردار باشند؛ یعنی دارای عنوان مشخصات نویسنده، چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، بدنه اصلی، نتیجه و فهرست منابع باشند.

۱. چکیده: چکیده فارسی مقاله (در صورت امکان به همراه چکیده انگلیسی) حداکثر ۲۰۰ کلمه تنظیم گردد و به اختصار شامل: بیان مسئله، هدف پژوهش، روش و چگونگی پژوهش و اجمالی از یافته‌های مهم پژوهش باشد. در چکیده از طرح فهرست مباحث یا مرور بر آنها، ذکر ادله، ارجاع به مأخذ و بیان شعاری خودداری گردد.
۲. کلیدواژه‌ها: شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی مرتبط با محتوا که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.
۳. مقدمه: در مقدمه مقاله، مسئله تعریف، به پیشینه پژوهش اشاره، ضرورت و اهمیت پژوهش طرح، جنبه نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله تعریف گردد.
۴. بدنه اصلی: در سامان‌دهی بدنه اصلی مقاله، یکی از شرایط زیر لازم است:  
الف - ارائه‌کننده نظریه و یافته جدید علمی؛  
ب - ارائه‌کننده تقریر و تبیین جدید از یک نظریه؛  
ج - ارائه‌کننده استدلال جدید برای یک نظریه؛  
د - ارائه نقد جامع علمی یک نظریه.
۵. نتیجه‌گیری: نتیجه بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است که به‌صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌گردد. از ذکر بیان مسئله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود.
۶. فهرست منابع: اطلاعات کتاب‌شناختی کامل منابع و مأخذ تحقیق (اعم از فارسی، عربی، و لاتین) در انتهای مقاله بر اساس شیوه زیر آورده می‌شود:  
نام خانوادگی و نام نویسنده، (سال نشر) نام کتاب، (ترجمه یا تحقیق)، نوبت چاپ، محل نشر، ناشر.  
نام خانوادگی و نام نویسنده، (سال و ماه یا فصل نشر) «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره نشریه، صفحات ابتدا و انتهای مقاله.
۷. آدرس‌دهی باید بین متنی باشد: (نام نویسنده، سال نشر، صفحه)

### ج. یادآوری

۱. حق رد یا قبول و نیز ویرایش مقالات برای مجله محفوظ است.
۲. مجله حداکثر پس از شش ماه از دریافت مقاله، نتیجه پذیرش یا عدم پذیرش را به نویسنده اطلاع خواهد داد.
۳. حق چاپ مقاله پس از پذیرش برای مجله محفوظ و امکان نقل مطالب در جای دیگر با ذکر نشانی نشریه بلامانع است.
۴. مطالب مقالات مبین آراء نویسندگان آنهاست و مسئولیت آن نیز بر عهده آنهاست.
۵. مقالات دریافتی، نرم‌افزارها، و... در صورت تأیید یا عدم تأیید بازگردانده نمی‌شود.



**مدل مفهومی تاب‌آوری در قرآن کریم / ۷**

کلمه سیدحسین مبارز/ محمدصادق شجاعی/ محمد قربان‌زاده

**اصول تحول روان‌شناختی بر اساس حکمت متعالیه / ۲۷**

کلمه سیده‌ادی صبوری/ محمدرضا احمدی محمدآبادی

**مدل انعطاف‌پذیری خانواده بر اساس آیات و روایات / ۴۳**

کلمه امیر مهدیزاده/ محمد مهدی صفورایی پاریزی/ حسن تقیان

**تبیین الگوی برنامه‌روی‌آوری و بازداري (تشویق و تنبیه) بر اساس منابع اسلامی... / ۶۳**

کلمه محمدحسین حق‌شناس/ مسعود جان‌بزرگی/ مصطفی عرب‌پور

**بررسی نقش دلبستگی به خدا در نشانه‌های افسردگی، اضطراب و استرس بیماران فشار خون / ۸۲**

مهسا محمدعلی‌زاده/ کلمه علی خادمی

**نقش میانجیگر دلبستگی به خدا در رابطه‌ی پریشانی روان‌شناختی و سلامت روان‌شناختی با بخشش / ۹۴**

کلمه سیده‌اسماء حسینی/ زینب ابن‌علی

**۱۱۳ / Table of Contents**



 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0> doi 10.22034/ravanshenasi.2024.5000250 dor 20.1001.1.20081782.1404.18.1.1.6

## The Conceptual Model of Resilience in the Holy Quran

 **Seyed Hassan Mobarez** / PhD Student of Quranic Studies and Education, Al-Mustafa International University  
ebaaraat@gmail.com

**Mohammad Sadegh Shojaei** / Assistant Professor at the Department of Ethics and Education, Al-Mustafa International Research Institute  
s\_shojaei@yahoo.com

**Mohammad Ghorbanzadeh** / Assistant Professor at the Department of Quranic Sciences, Al-Mustafa International University  
qorbanzadeh@chmail.ir

**Received:** 2024/07/03 - **Accepted:** 2024/09/29

### Abstract

This qualitative content analysis aimed to develop a conceptual model of resilience in the Holy Quran. To this end, key concepts and propositions related to resilience were identified and reviewed, and analyzed using content analysis. Inferential content related to each proposition was registered, classified, and validated by experts. Ten components with acceptable CVI / CVR scores were confirmed: Awareness of harsh conditions, hopefulness, faith in God's help, flexibility, high tolerance, perseverance, emotional stability, steadfastness, submission to divine decree, and avoiding haste. The final model conceptualized resilience in three axes: indicators, components, and dimensions.

**Keywords:** resilience, conceptual model, the Holy Quran.



## مدل مفهومی تاب‌آوری در قرآن کریم

ebaaraat@gmail.com

s\_shojaei@yahoo.com

qorbanzadeh@chmail.ir

سیدحسین مبارز / دانشجوی دکتری قرآن و علوم تربیتی جامعه المصطفی العالمیه

محمدصادق شجاعی / استادیار گروه اخلاق و تربیت پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی

محمد قربان‌زاده / استادیار گروه قرآن و علوم جامعه المصطفی العالمیه

دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۳ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸

### چکیده

هدف این پژوهش دستیابی به مدل مفهومی تاب‌آوری در قرآن کریم بود و از روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی استفاده شد. برای این منظور، ابتدا مفاهیم و گزاره‌های کلیدی مرتبط با تاب‌آوری در قرآن کریم شناسایی و گردآوری شد؛ در مرحله بعد مفاهیم و گزاره‌های گردآوری‌شده مورد دقت و بازبینی قرار گرفت و مواردی که به نظر می‌رسید بیشترین ارتباط را با موضوع پژوهش دارد، با به‌کارگیری اصول تحلیل متن مورد بررسی قرار گرفت؛ سپس محتواهای استنباطی مربوط به هر گزاره روی فرم ثبت شد و با تحلیل و طبقه‌بندی آنها ۱۰ مؤلفه برای تاب‌آوری در قرآن به‌دست آمد و در قالب یک فرم برای روایی‌سنجی در اختیار کارشناسان قرار گرفت. مؤلفه‌های تأییدشده که نمره CVI و CVR قابل قبول را کسب کردند عبارت بودند از: آگاهی نسبت به شرایط سخت، امیدواری، ایمان به یاری خداوند، انعطاف‌پذیری، سطح تحمل بالا، پایداری، پایداری هیجانی، ثبات قدم، تسلیم بودن در برابر قضای الهی و پرهیز از شتابزدگی. سرانجام مدل مفهومی تاب‌آوری در قرآن کریم در سه محور نشانه‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد به‌دست آمد.

**کلیدواژه‌ها:** تاب‌آوری، مدل مفهومی، قرآن کریم.

افراد در زندگی همواره در معرض ابتلائات، آسیب‌ها و حوادث گوناگونی مانند حوادث و تلفات جاده‌ای و حوادث ناشی از کار، بیماری و بیکاری قرار می‌گیرند. این حوادث و اتفاقات بخش غیرقابل انکار زندگی افراد است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ» (اعراف: ۹۴)؛ و ما در هیچ شهر و آبادی پیامبری نفرستادیم، مگر اینکه اهل آن را به ناراحتی‌ها و خسارت‌ها گرفتار ساختیم؛ شاید (به خود آیند و به‌سوی خدا) بازگردند و تضرع کنند. در جای دیگر می‌فرماید: «وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَمًا مِّنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ ذُوْنَ ذَلِكَ وَبَلَّوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (اعراف: ۱۶۸)؛ و آنها را در روی زمین به‌صورت گروه‌هایی پراکنده کردیم، برخی از آنان نیکوکارند و برخی فروتر از آنها و آنها را با خوشی‌ها و ناخوشی‌ها آزمودیم، باشد که (به‌سوی حق) بازگردند.

در روان‌شناسی مفهومی با عنوان «تاب‌آوری» مطرح شده است. واژه تاب‌آوری از کلمه لاتین *resilire* به‌معنای انعطاف گرفته شده است. در فرهنگ لغت تخصصی انجمن روان‌شناسی آمریکا تاب‌آوری فرایند و نتیجه انطباق موفقیت‌آمیز با تجارب دشوار یا چالش‌برانگیز زندگی، به‌ویژه از طریق انعطاف‌پذیری ذهنی، عاطفی و رفتاری و سازگاری با خواسته‌های بیرونی و درونی تعریف شده است (WanenBos, 2013, p. 469).

مفهوم تاب‌آوری به‌عنوان توانایی فرد در مواجهه با دشواری‌ها و بازبانی وضعیت عادی پس از تجربه شرایط بحرانی، طی دهه‌های گذشته تحولات چشمگیری داشته است. در ابتدا تاب‌آوری به‌طور کلی به‌عنوان یک ویژگی نادر و استثنایی در افرادی که توانسته بودند از شرایط بسیار نامساعد بگذرند، شناخته می‌شد. مطالعات اولیه بیشتر بر کودکان در خطر و چگونگی مقاومت آنها در مقابل آسیب‌های روانی تمرکز داشت. ماستن با مقاله‌ای که در سال ۲۰۰۱ منتشر کرد، این دیدگاه را تغییر داد. او تاب‌آوری را به‌عنوان «جادوی عادی» توصیف کرد و تأکید کرد که این ویژگی، به‌جای یک خصوصیت نادر و استثنایی، یک فرایند رایج و قابل دستیابی است که در اثر تعامل عوامل محیطی و فردی شکل می‌گیرد (Masten, 2001). ماستن به نقش عوامل حمایت‌کننده مانند حمایت اجتماعی، ارتباطات خانوادگی مستحکم، و استقلال فردی در توسعه ظرفیت‌های تاب‌آورانه تأکید کرد. این تغییر نگرش به تاب‌آوری به‌عنوان یک فرایند پویا و چندعاملی، مسیر تحقیقات و مداخلات روان‌شناسانه را تغییر داد و به توسعه برنامه‌هایی برای تقویت ظرفیت‌های تاب‌آوری در جمعیت‌های مختلف انجامید. اکنون تاب‌آوری به‌عنوان یک موضوع مهم در تحقیقات روان‌شناسی و زمینه‌های مداخله شناخته می‌شود، و پژوهش‌ها به بررسی چگونگی افزایش و پرورش این توانمندی در شرایط مختلف می‌پردازند.

تحقیقات تجربی نشان داده است که افراد در صورت عدم تاب‌آوری در مواجهه با حوادث و سختی‌ها دچار آسیب‌هایی جدی همچون افسردگی و سایر اختلالات روانی می‌شوند. شیوع جهانی افسردگی طی سه دهه گذشته در تمام گروه‌های اجتماعی-اقتصادی و مناطق جغرافیایی افزایش یافته است. افسردگی هزینه‌های زیادی بر سلامت، اقتصادی و اجتماعی از جمله کاهش طول عمر و کیفیت زندگی، هزینه‌های پزشکی و کاهش دستاوردهای آموزشی

و بهره‌وری در محل کار، تحمیل می‌کند (Stecher et al., 2024). وانگ و دیگران (۲۰۲۳) در پژوهشی ضمن تأکید بر اینکه عود در بیماران مبتلا به اختلال افسردگی اساسی (MDD) شایع است و تاب‌آوری روانی یک عامل محافظتی در برابر عود افسردگی است، به این نتیجه رسیدند که سطوح تحصیلات، درآمد ماهانه شخصی، حمایت اجتماعی، رفاه و خودکارآمدی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری روانی در بیماران مبتلا به MDD هستند؛ همچنین وانگ و دیگران (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای دیگر دریافتند که دانش‌آموزان تاب‌آور علی‌رغم وجود آسیب‌های مزمن اجتماعی - اقتصادی، به سطوح بالایی از پیشرفت تحصیلی دست می‌یابند. شناسایی عواملی که تاب‌آوری در حوزه تحصیلی را ارتقا می‌دهند، برای دسترسی به آموزش عادلانه علوم و با کیفیت بالا برای همه دانش‌آموزان ضروری است. در مطالعه آنها که ریشه در چارچوب فرصت - گرایش داشت، اهمیت نسبی فرصت‌ها، تمایلات و عوامل پیشین در درک تاب‌آوری تحصیلی بررسی شد. داده‌ها از ۳۳۷۷ دانش‌آموز کلاس هشتم در هنگ‌کنگ به‌دست آمد، از میان آنها ۸۴۴ دانش‌آموز که در ۲۵ درصد پایین SES قرار داشتند، انتخاب شدند. تحلیل‌ها نشان داد که ده متغیر به بهترین وجه تاب‌آوری تحصیلی را پیش‌بینی می‌کنند. این متغیرها به ترتیب قدرت پیش‌بینی عبارت‌اند از: اعتمادبه‌نفس در علم، منابع خانگی، علاقه به یادگیری علم، ارزش‌گذاری علم، وضوح آموزشی، زمان آموزشی، مواجهه محتوایی با موضوعات زیست‌شناسی، حس تعلق به مدرسه، تأکید مدرسه بر موفقیت تحصیلی و مواجهه محتوایی با علم فیزیک. دانش‌آموزان تاب‌آور در این متغیرها امتیاز بیشتری نسبت به دانش‌آموزان غیرتاب‌آور کسب کردند؛ همچنین آمارهای دیگر در حوزه‌های مربوط به سلامت بیانگر این واقعیت است که آسیب‌ها و تبعات مربوط به حوادث و سختی‌ها در حال گسترش و افزایش می‌باشد؛ بنابراین توجه به مفهوم تاب‌آوری امری غیرقابل انکار است.

توجه به مفهوم تاب‌آوری که در روان‌شناسی و علوم تربیتی روزبه‌روز در حال رشد و تکامل می‌باشد، با رویکرد دینی امری مهم است؛ چراکه بسیاری از مفهوم‌پردازی‌های روان‌شناسی ممکن است در بافت‌ها یا فرهنگ‌های خاصی معتبر باشند، و به‌راحتی نمی‌توان آنها را به سایر فرهنگ‌ها یا زمینه‌ها تعمیم داد.

در پژوهش‌های با رویکرد اسلامی، شاهمیری در کتاب *تاب‌آوری در اسلام و روان‌شناسی* به بررسی مفهوم تاب‌آوری از دیدگاه اسلامی پرداخته و در دو فصل کلیات تاب‌آوری و روان‌شناختی و تاب‌آوری از منظر اسلامی را بررسی کرده است. در فصل اول کتاب، مفهوم تاب‌آوری را تعریف و ویژگی‌های افراد تاب‌آور و عوامل تأثیرگذار بر تاب‌آوری همچون خانواده، باورها و امید را بیان کرده است؛ در فصل دوم، تاب‌آوری از دیدگاه اسلامی و مفاهیم مرتبط نظیر صبر و استقامت تحلیل شده است؛ همچنین پژوهشگر، پنج مؤلفه کلیدی تاب‌آوری اسلامی و راهکارهایی برای افزایش آن در سه بعد معنوی، شناختی و رفتاری ارائه داده است (شاهمیری، ۱۴۰۲، ۲۲۵-۱۱). سیدخراسانی و شجاعی (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «مدل مفهومی تاب‌آوری روان‌شناختی بر اساس آیات و روایات» دریافتند که شامل نه مؤلفه تعهد مذهبی، پذیرش، نگرش تکلیف‌مدارانه، جهت‌گیری هدف، قوت اراده، ثبات در سختی‌ها، ظرفیت بالا برای سازگاری، صلابت و نیرومندی و کنترل هیجانی شناسایی است و این

مؤلفه‌ها در چهار بُعد وظیفه‌شناسی، پایداری، انعطاف و رشد شخصی با توجه به تشابه کارکردی دسته‌بندی شدند. ساداتی و مهدوی (۱۴۰۲) در مطالعه‌ای با عنوان «اثربخشی معنویت درمانی با تأکید بر آموزه‌های دین مبین اسلام بر تاب‌آوری، جهت‌گیری مذهبی و رضایت از زندگی زنان مطلقه» به نتیجه رسیدند که معنویت درمانی با تأکید بر آموزه‌های دین مبین اسلام بر تاب‌آوری، رضایت از زندگی، جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی زنان مطلقه مؤثر است؛ همچنین دریافتند که معنویت درمانی با تأکید بر آموزه‌های دین مبین اسلام می‌تواند به‌عنوان روش مداخله‌ای مؤثری برای بهبود تاب‌آوری، جهت‌گیری مذهبی و رضایت از زندگی زنان مطلقه باشد. حبیب‌اللهی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «عوامل و مؤلفه‌های تاب‌آوری از منظر قرآن و روایات» به این نتیجه رسید که تاب‌آوری مقوله‌ای است که در روان‌شناسی به‌عنوان قدرتی ذهنی یا احساسی که به انسان توان مقابله با بحران‌ها را می‌دهد و او را قادر می‌سازد سریع به وضعیت پیش از بحران بازگردد مطرح شده است. با اینکه تفاوت‌هایی میان تاب‌آوری و مفهوم قرآنی صبر و حلم در سنت اسلامی وجود دارد، به نظر می‌رسد این مفاهیم در مؤلفه‌های درونی و عوامل ایجادکننده اشتراکات زیادی داشته باشند. عوامل ایجادکننده تاب‌آوری شامل تلقین مثبت، حفظ آمادگی، حفظ روابط خوب با خانواده، قابل تحمل دیدن مشکلات و بحران‌ها، پذیرش شرایط غیرقابل تغییر، داشتن اهداف واقع‌بینانه و حرکت به سمت آنها و اعتمادبه‌نفس، همگی در سنت اسلامی و در آیات و روایات دارای مفاهیم متناظر هستند و بر آنها تأکید شده است. احمدی (۱۳۹۹) در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که صبر شامل تاب‌آوری و فراتر از آن است. صبر عناصر مانند بازداري از خشم و شکیبایی را شامل می‌شود؛ درحالی که تاب‌آوری شامل انطباق و افزایش ظرفیت است. فرایند رشد صبر شامل مراحل مختلفی است. به این ترتیب، صبر می‌تواند در سبک زندگی اسلامی به‌عنوان روشی برای پیشگیری و مداخلات در بحران‌ها مؤثر باشد. یارمحمدی و دیگران (۱۳۹۹) در پژوهشی بررسی کردند که ویژگی‌های تاب‌آوری از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه شامل خودآگاهی، احساس ارزشمندی، ارتباط اجتماعی، آینده‌نگری، خودکنترلی، معنایی، صبر، بردباری، سعه‌صدر، استقامت و پایداری است. بر اساس این رهنمودها، می‌توان برنامه‌هایی برای تقویت تاب‌آوری و مقابله با شرایط استرس‌زا طراحی کرد تا افراد در برابر رفتارهای خطرزا محافظت شوند.

در قرآن کریم واژگانی که نزدیک تاب‌آوری باشد وجود دارد. ذکر واژگانی همچون صبر، استقامت و حلم بیانگر این حقیقت است که در قرآن کریم به تاب‌آوری پرداخته شده است. یکی از واژه‌های مرتبط با تاب‌آوری کلمه صبر است. خداوند متعال می‌فرماید:

«وَلْتَبْلَوْنَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْتَخُونَ» (بقره: ۱۵۵-۱۵۷)؛ و حتماً شما را به اندکی از ترس و گرسنگی و کاهش از مال‌ها و جان‌ها و محصولات (درختان، یا ثمرات زندگی از زن و فرزند) آزمایش خواهیم نمود، و شکیبایان را مژده ده؛ همان کسانی که چون مصیبتی بر آنها وارد شود گویند: همانا ما از آن خداییم (ملک حقیقی اویم به ملاک آنکه خلق و حفظ و تدبیر امور و اعدام ما به‌دست اوست) و همانا به‌سوی او باز خواهیم گشت. آنها هستند که بر آنها درودها و رحمتی از جانب پروردگارشان می‌رسد، و آنها هستند که رهیافته‌اند.

در جای دیگر می‌فرماید:

«وَأَنَّ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (جن: ۱۶)؛ و (نیز به من وحی شده که) بی‌تردید اگر (انسان و جن)

بر راه (راست اعتقاد و عمل) استقامت ورزند حتماً آنها را از آب فراوان (و برکات مادی و معنوی) سیراب سازیم.

بنابراین با توجه به اینکه در آیات متعددی از قرآن کریم به مفهوم تاب‌آوری اشاره شده است، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که نشانه‌ها و مؤلفه‌های تاب‌آوری در قرآن کریم کدام‌اند و چگونه می‌توان با بررسی این مفاهیم و گزاره‌ها به الگوی مفهومی تاب‌آوری دست یافت.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر، به روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی (شجاعی، ۱۳۹۹) انجام شد. جامعه آماری (جامعه اسنادی) پژوهش، مفاهیم و گزاره‌های مرتبط با تاب‌آوری در قرآن کریم بود. نمونه در پژوهش حاضر عبارت بود از هر واژه، عبارت یا گزاره‌ای که در مفهوم‌شناسی تاب‌آوری کاربرد داشت. روش نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت نظری بود. در نمونه‌گیری نظری، نمونه‌ها (واژه‌ها، مفاهیم و گزاره‌ها) که گاهی از آنها تعبیر به مورد هم می‌شود (شجاعی، ۱۳۹۹)، با توجه به موضوع و هدف پژوهش شناسایی خواهند شد. در مراحل اولیه، هدف اصلی کشف مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با تاب‌آوری و در مراحل بعد عمق و غنا بخشیدن به این مقولات مد نظر قرار می‌گیرند. این پژوهش از ابتدای جمع‌آوری نخستین داده‌ها تا تحلیل نهایی و دستیابی به مؤلفه‌های تاب‌آوری در قرآن در چهار مرحله انجام شد:

**مرحله اول:** در این مرحله، مشاهده نظام‌مند با تعیین محدوده مورد مطالعه و شناسایی و استخراج مفاهیم و گزاره‌های مرتبط با تاب‌آوری که بتواند برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش مورد استفاده قرار گیرد، آغاز شد. اطلاعات با استفاده از دو راهبرد «جست‌وجوی واژگانی» و «متن‌خوانی باز» به دست آمد و بررسی تا آنجا پیش رفت که داده‌ها در تبیین موضوع به اشباع رسید.

**مرحله دوم:** در این مرحله، مجموع گزاره‌های مرتبط با تاب‌آوری کاملاً مورد دقت و بررسی‌های مکرر قرار گرفت و ابعاد مفهومی آن مورد واکاوی قرار گرفت و برداشت‌های روان‌شناختی از آنها شکل گرفت؛ همچنین داده‌هایی که کمتر با تاب‌آوری ارتباط داشتند، کنار گذاشته شد. یکی از فعالیت‌های مهم در این مرحله، «توضیح موردها» بود که از طریق آن معنای واژه‌ها مشخص شده و ابعاد و خصوصیات آن در گزاره‌ها کشف شدند. در این پژوهش، توضیح مورد به صورت توصیفی (معنای ظاهری با مرور ادبیات پژوهشی، لغت‌نامه‌ها و دائرةالمعارف‌ها، شرح‌واره‌ها، گزاره‌های توصیف‌گر در آیات و روایات) و تحلیلی (مفهوم کاوی، ورود به لایه‌های پنهان متن و تفسیر) در دو سطح واژه‌ای و گزاره‌ای انجام شد (شجاعی، ۱۳۹۹). در گام بعد، ارتباط بین محتواهای استنباطی به صورت شبکه‌ای مورد بررسی قرار گرفت. در تحلیل کیفی محتوای متون دینی، پردازش شبکه‌ای به عنوان روشی برای دسته‌بندی مواردی (واژه‌ها، مفاهیم، گزاره‌ها) که از نظر کارکردی شبیه هم هستند، در نظر گرفته شده است (شجاعی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۳)؛ همچنین در این مرحله، ویژگی‌های قانونی و پیرامونی از هم متمایز شدند. در نتیجه اجرای این گام، دو موضوع مشخص شد: محتواهای استنباطی؛ پس از گردآوری

داده‌ها ابتدا مضمون و معنای استنباط‌شده از یک یا چند مورد (واژه، گزاره، عبارت) که به نظر می‌رسید با مؤلفه‌های تاب‌آوری ارتباط دارد، توسط پژوهشگر به صورت یک واژه یا عبارت کوتاه بیان شد؛ مؤلفه‌های مفهومی؛ در مرحله بعد، محتواهای استنباطی بر اساس مضمون‌های مشترک، با هم تلفیق و در نتیجه مؤلفه‌های مفهومی تاب‌آوری به دست آمد. برای دستیابی به مؤلفه‌های تاب‌آوری، محتوای ضمنی و آشکار، هر دو در نظر گرفته شد.

**مرحله سوم:** در این مرحله جنبه‌های روان‌شناختی مؤلفه‌های گردآوری‌شده، مورد وضعیت‌سنجی قرار گرفتند. صورت‌بندی داده‌ها نشان داد که مقوله‌ها و محتواهای استنباطی چگونه می‌توانند بخش‌های مجزا و متعامل مفهوم تاب‌آوری را بازتولید کنند. از این جهت می‌توان گفت این مرحله معطوف به تدوین مدل مفهومی تاب‌آوری بود. در این پژوهش، الگوی مفهومی تاب‌آوری با به کارگیری اصل هم‌ریخت‌بینی کل‌نگر (شجاعی، ۱۳۹۹) استخراج شد.

**مرحله چهارم:** پس از گردآوری داده‌ها و استخراج الگوی مفهومی تاب‌آوری، برای حصول اطمینان از تطابق آنها با محتوای متون دینی از یک سو و کاربرد آن در حوزه روان‌شناسی از سوی دیگر، اعتبار یافته‌ها مورد بررسی قرار گرفت (شجاعی، ۱۳۹۹). برای بررسی اعتبار یافته‌ها و روایی‌سنجی مدل مفهومی تاب‌آوری، علاوه بر دقت و بازنگری توسط خود پژوهشگر، از نظر افراد دیگر (داوران) که در این زمینه تخصص دارند، استفاده شد. جامعه آماری این بخش، ۱۵ نفر از کارشناسان خبره‌ای بودند که دارای تحصیلات مقطع خارج فقه و اصول و همچنین تحصیلات دانشگاهی در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا رشته روان‌شناسی و علوم تربیتی بودند و در حیطه فهم و استنباط در منابع اسلامی و روان‌شناسی و علوم تربیتی تخصص نسبتاً بالایی داشتند. برای جمع‌آوری دیدگاه کارشناسان از فرم روایی‌سنجی شجاعی (۱۳۹۹) استفاده شد. در این فرم، میزان مطابقت هریک از مؤلفه‌ها و محتواهای استنباطی با مستندات (آیات قرآن کریم) و میزان ضرورت آنها در مدل مفهومی تاب‌آوری مورد پرسش قرار می‌گیرد. طبق آنچه که شولتز و دیگران (۲۰۱۴) بیان کرده‌اند برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده طبق نظر کارشناسان از دو ضریب نسبی روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) استفاده می‌شود. جهت بررسی شاخص روایی محتوا از روش والتز و باسل (Waltz & Bausell) استفاده شد. در این روش اگر مقدار حاصل از  $0/79$  بزرگ‌تر بود قابل قبول است (والتز و باسل، ۱۹۸۱)، و برای بررسی ضریب نسبی روایی محتوا (CVR) از شاخص لاوشه استفاده شد. لاوشه، کمترین مقدار میزان روایی محتوای قابل قبول برای ۱۵ کارشناس را  $0/49$  می‌داند (Lawshe, 1975).

### یافته‌های پژوهش

این تحقیق با هدف تدوین مدل مفهومی تاب‌آوری انجام شد. یافته‌های مربوط به جست‌وجوی واژگانی نشان داد که کلمات صبر، وقار، عفو، کَظْمِ غَیْظ، حلم، استقامت، ثبات و جهد در حوزه معنایی مفهوم تاب‌آوری قرار می‌گیرد. با بررسی این موارد و پس از شکل‌گیری محتواهای اساسی، مفاهیم مربوط به تاب‌آوری به تفکیک در سه محور نشانه‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد، کشف و طرح‌واره مفهومی آن به دست آمد. جدول مربوط به مستندات و محتواهای استنباطی

جهت رعایت اختصار در مقاله ذکر نشده است. برای اعتبارسنجی نشانه‌ها و مؤلفه‌های پژوهش از ۱۵ نفر کارشناس دارای تحصیلات روان‌شناسی و علوم اسلامی خواسته شد تا نظرات خود را درباره یافته‌ها ابراز کنند. نتایج مربوط به مستندات، محتوای استنباطی و مؤلفه‌ها در جدول (۱)، نتایج روایی‌سنجی نشانه‌های تاب‌آوری در قرآن کریم در جدول (۲) و نتایج روایی‌سنجی مؤلفه‌های تاب‌آوری در قرآن کریم در جدول (۳) آمده است.

جدول ۱: نتایج مستندات، محتوای استنباطی و مؤلفه‌ها

| مؤلفه ۱: آگاهی نسبت به شرایط سخت |                                                                                                                                                                                                                                                                  |                                                         |
|----------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------|
| ردیف                             | شواهد و مستندات                                                                                                                                                                                                                                                  | محتوای استنباطی (مضمون و معنای برداشت‌شده توسط پژوهشگر) |
| ۱                                | «وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا» (کهف: ۶۸)                                                                                                                                                                                                | بردباری با شناخت و آگاهی                                |
| ۲                                | «تِلْكَ مِنۡ آتِیَهِ الْغَیْبِ نُوْحِیْهَا إِلَیْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنۡ قَبْلِ هَٰذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِیْنَ» (هود: ۴۹)                                                                                       | شناخت و آگاهی بخشی برای بردباری                         |
| مؤلفه ۲: امیدواری                |                                                                                                                                                                                                                                                                  |                                                         |
|                                  | شواهد و مستندات                                                                                                                                                                                                                                                  |                                                         |
| ۱                                | «أُولَٰئِكَ یَجْزُونَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَیُلْقُونَ فِیْهَا تَحِیَّةً وَسَلَامًا» (فرقان: ۷۵)                                                                                                                                                           | پاداش گرفتن به خاطر بردباری                             |
| ۲                                | «مَا عِنْدَكُمْ یَنْقُذُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِیَنَّ الَّذِیْنَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا یَعْمَلُونَ» (حج: ۹۶)                                                                                                                  | پاداش بهتر از عمل برای بردباری                          |
| ۳                                | «قُلْ یَا عِبَادَ الَّذِیْنَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِیْنَ أَحْسَنُوا فِی هَٰذِهِ الدُّنْیَا حَسَنَةً وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا یُوفِی الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَیْرِ حِسَابٍ» (زمر: ۱۰)                                                    | پاداش بی حساب برای بردباری                              |
| مؤلفه ۳: ایمان به یاری خداوند    |                                                                                                                                                                                                                                                                  |                                                         |
|                                  | شواهد و مستندات                                                                                                                                                                                                                                                  | محتوای استنباطی (مضمون و معنای برداشت‌شده توسط پژوهشگر) |
| ۱                                | «... فَصَبِرْ جَمِیْلٌ عَسَىٰ اللَّهُ أَن یَأْتِیَنِی بِهِمْ جَمِیْعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِیْمُ الْحَكِیْمُ» (یوسف: ۸۳)                                                                                                                                          | شکلبایی با ایمان به یاری خداوند                         |
| ۲                                | «فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا یَسْتَخِفُّكَ الَّذِیْنَ لَا یُوقِنُونَ» (روم: ۶۰)                                                                                                                                                                   | تحمل سختی‌ها با ایمان به تحقق وعده خداوند               |
| مؤلفه ۴: انعطاف‌پذیری            |                                                                                                                                                                                                                                                                  |                                                         |
|                                  | شواهد و مستندات                                                                                                                                                                                                                                                  | محتوای استنباطی (مضمون و معنای برداشت‌شده توسط پژوهشگر) |
| ۱                                | «أُولَٰئِكَ یُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَیْنِ بِمَا صَبَرُوا وَیَذَرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّیِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ یُنْفِقُونَ» (قصص: ۵۴)                                                                                                                 | انعطاف‌پذیری با کنترل خشم و هیجان                       |
| ۲                                | «وَلَا تَسْتَوِی الْحَسَنَةُ وَلَا السَّیِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِی هِیَ أَخْسَنُ فَإِذَا الَّذِی بَیْنَكَ وَبَیْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِیٌّ حَمِیمٌ * وَمَا یُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِیْنَ صَبَرُوا وَمَا یُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِیمٍ» (فصلت: ۳۴ و ۳۵) | انعطاف‌پذیری با کنترل خشم و دفع بدی‌ها به خوبی‌ها       |
| ۳                                | «وَالْكَاطِمِیْنَ الْغَیْظِ وَالْعَافِیْنَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ یُحِبُّ الْمُحْسِنِیْنَ» (آل عمران: ۱۳۴)                                                                                                                                                      | انعطاف‌پذیری با کنترل خشم و بخشش دیگران                 |
| مؤلفه ۵: سطح تحمل بالا           |                                                                                                                                                                                                                                                                  |                                                         |
|                                  | شواهد و مستندات                                                                                                                                                                                                                                                  | محتوای استنباطی (مضمون و معنای برداشت‌شده توسط پژوهشگر) |
| ۱                                | «الَّذِیْنَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِیْنَ عَلَی مَا أَصَابَهُمُ الصَّلَآةُ وَالْمُحِیْمِی الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ یُنْفِقُونَ» (حج: ۳۵)                                                                                   | شکلبایی در برابر هر اتفاق و حادثه                       |

|                                        |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            |                                                         |
|----------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------|
| ۲                                      | «رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا اِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا اَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (بقره: ۲۸۶)                                                                   | تحمل شرایط سخت                                          |
| مؤلفه ۶: پایداری                       |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            |                                                         |
|                                        | شواهد و مستندات                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            | محتوای استنباطی (مضمون و معنای برداشت‌شده توسط پژوهشگر) |
| ۱                                      | «وَاصْبِرْ نَفْسُكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ...» (کهف: ۲۸)                                                                                                                                                                                         | پایداری با همراهی با مؤمنان                             |
| ۲                                      | «ثُمَّ اِنْ رَكَتَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فَتَقْنَا ثَمَّ جَاهِدُوا وَصَبِرُوا اِنَّ رَكَتَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (نحل: ۱۱۰)                                                                                                                                                                                     | استقامت و پایداری کردن در شرایط سخت                     |
| ۳                                      | «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَاِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت: ۶۹)                                                                                                                                                                                                                              | تلاش و کوشش مداوم در هر شرایطی                          |
| مؤلفه ۷: پایداری هیجانی                |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            |                                                         |
|                                        | شواهد و مستندات                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            | محتوای استنباطی (مضمون و معنای برداشت‌شده توسط پژوهشگر) |
| ۱                                      | «فَبَشِّرْ نَاهُ بِغَلَامٍ حَلِيمٍ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ اِنِّى اَرٰى فِى الْمَنَامِ اَنِّى اُذْيَحْكُ فَانظُرْ مَا ذَا تَرٰى قَالَ يَا اَبْتَ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِى اِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ» (صافات: ۱۰۱ و ۱۰۲)                                                                     | حفظ آرامش با حلم و رزیدن در شرایط سخت                   |
| ۲                                      | «وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ اِبْرَاهِيمَ لِابْنِهِ اِلَّا عَنْ مُوعِدَةٍ وَعَدَهَا اِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ اَنَّهُ عَذُوٌّ لِّهِ تَبَرَّ اِنَّ اِبْرَاهِيمَ لَآوَاهٌ حَلِيمٌ» (توبه: ۱۱۴)                                                                                                                                           | عدم دلسوزی افراطی به سبب حلم و رزیدن                    |
| ۳                                      | «هُوَ الَّذِى اَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِى قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُزَادُوا اِيْمَانًا مَعَ اِيْمَانِهِمْ» (فتح: ۴)                                                                                                                                                                                                                         | حفظ آرامش با سکینه                                      |
| مؤلفه ۸: ثبات قدم                      |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            |                                                         |
|                                        | شواهد و مستندات                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            | محتوای استنباطی (مضمون و معنای برداشت‌شده توسط پژوهشگر) |
| ۱                                      | «اِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (احقاف: ۱۳).                                                                                                                                                                                                                  | استمرار در انجام وظیفه                                  |
| ۲                                      | «فَلِذَلِكَ فَادَعُ وَاَسْتَقِمْ كَمَا اَمَرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ اَمَنْتُ بِمَا اَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَ اَمَرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا اَعْمَالُكُمْ لَكُمْ اَعْمَالُكُمْ لَا حِجَّةَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَاِلَيْهِ الْمَصِيرُ» (شوری: ۱۸) | استقامت بالا در انجام وظیفه                             |
| ۳                                      | «فَاصْبِرْ اِنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَلَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ» (روم: ۶۰)                                                                                                                                                                                                                                              | استقامت و نهراسیدن از سبک شمرده شدن                     |
| ۴                                      | «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (انفال: ۴۵)                                                                                                                                                                                                       | ثابت و استوار بودن در مواجهه با سختی‌ها                 |
| مؤلفه ۹: تسلیم بودن در برابر قضای الهی |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            |                                                         |
|                                        | شواهد و مستندات                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            | محتوای استنباطی (مضمون و معنای برداشت‌شده توسط پژوهشگر) |
| ۱                                      | «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ (۱۵۵) الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶)                                                                                                                                                                                                    | تسلیم خداوند بودن در شرایط دشوار                        |
| ۲                                      | «قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا اِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (توبه: ۵۱)                                                                                                                                                                                                           | استاد اتفاقات و مصیبت‌ها به قضا و قدر الهی              |
| مؤلفه ۱۰: پرهیز از شتابزدگی            |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            |                                                         |
|                                        | شواهد و مستندات                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            | محتوای استنباطی (مضمون و معنای برداشت‌شده توسط پژوهشگر) |
| ۱                                      | «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ اَوَّلُوا الْعِزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ...» (احقاف: ۳۵)                                                                                                                                                                                                                                       | عدم شتابزدگی در انجام کارها                             |

نتایج نشان می‌دهد که محتوای استنباطی (نشانه‌های تاب‌آوری) از آیات شریفه قرآن کریم مورد توجه محقق به‌صورت کامل نمره تطابق لازم در CVI و نمره ضرورت مؤلفه در CVR را کسب نموده‌اند.

جدول ۲: نتایج روایی‌سنجی نشانه‌های تاب‌آوری در قرآن کریم

| مؤلفه                         | محتوای استنباطی<br>(نشانه‌های تاب‌آوری)          | تعداد کارشناسان | مطابقت                              |                                |                             |                                |              | CVI  |
|-------------------------------|--------------------------------------------------|-----------------|-------------------------------------|--------------------------------|-----------------------------|--------------------------------|--------------|------|
|                               |                                                  |                 | خیلی زیاد<br>(بدون نیاز به بازبینی) | زیاد<br>(نیاز به بازبینی مجدد) | کم<br>(نیاز به بازبینی جدی) | خیلی کم<br>(حذف و کنار گذاشتن) | سطح معناداری |      |
| آگاهی نسبت به شرایط سخت       | بررداری با شناخت و آگاهی                         | ۱۵              | ۱۲                                  | ۳                              | ۰                           | ۰                              | ۰/۷۹         | ۱    |
|                               | شناخت و آگاهی بخشی برای بردباری                  | ۱۵              | ۸                                   | ۵                              | ۲                           | ۰                              | ۰/۷۹         | ۰/۸۶ |
| امیدواری                      | پاداش گرفتن به خاطر پایداری                      | ۱۵              | ۱۳                                  | ۲                              | ۰                           | ۰                              | ۰/۷۹         | ۱    |
|                               | پاداش بهتر از عمل برای بردباری                   | ۱۵              | ۱۳                                  | ۲                              | ۰                           | ۰                              | ۰/۷۹         | ۱    |
|                               | پاداش بی حساب برای بردباری                       | ۱۵              | ۱۳                                  | ۲                              | ۰                           | ۰                              | ۰/۷۹         | ۱    |
| ایمان به یاری خداوند          | شکبیایی با ایمان به یاری خداوند                  | ۱۵              | ۱۲                                  | ۲                              | ۱                           | ۰                              | ۰/۷۹         | ۰/۹۳ |
|                               | تحمل سختی‌ها با ایمان به تحقق وعده خداوند        | ۱۵              | ۱۳                                  | ۲                              | ۰                           | ۰                              | ۰/۷۹         | ۱    |
| انعطاف‌پذیری                  | انعطاف‌پذیری با کنترل خشم و هیجان                | ۱۵              | ۱۰                                  | ۴                              | ۰                           | ۱                              | ۰/۷۹         | ۰/۹۳ |
|                               | تعطاف‌پذیری با کنترل خشم و دفع بدی‌ها به خوبی‌ها | ۱۵              | ۱۰                                  | ۳                              | ۲                           | ۰                              | ۰/۷۹         | ۰/۸۷ |
|                               | انعطاف‌پذیری با کنترل خشم و بخشش دیگران          | ۱۵              | ۱۰                                  | ۳                              | ۲                           | ۰                              | ۰/۷۹         | ۰/۸۷ |
| سطح تحمل بالا                 | شکبیایی در برابر هر اتفاق و حادثه                | ۱۵              | ۸                                   | ۳                              | ۱                           | ۲                              | ۰/۷۹         | ۰/۷۳ |
|                               | پایداری با همراهی یا مؤمنان                      | ۱۵              | ۹                                   | ۴                              | ۱                           | ۰                              | ۰/۷۹         | ۰/۹۳ |
| پایداری                       | استقامت و پایداری کردن در شرایط سخت              | ۱۵              | ۱۲                                  | ۲                              | ۰                           | ۱                              | ۰/۷۹         | ۰/۹۳ |
|                               | تلاش و کوشش مداوم در هر شرایطی                   | ۱۵              | ۸                                   | ۳                              | ۱                           | ۲                              | ۰/۷۹         | ۰/۷۳ |
| پایداری هیجانی                | حفظ آرامش با حلم ورزیدن در شرایط سخت             | ۱۵              | ۱۱                                  | ۳                              | ۱                           | ۰                              | ۰/۷۹         | ۰/۹۳ |
|                               | عدم دلسوزی افراتی به سبب حلم ورزیدن              | ۱۵              | ۷                                   | ۳                              | ۳                           | ۲                              | ۰/۷۹         | ۰/۶  |
|                               | حفظ آرامش با نزول سکینه                          | ۱۵              | ۷                                   | ۳                              | ۳                           | ۲                              | ۰/۷۹         | ۰/۶  |
| ثبات قدم                      | استمرار در انجام وظیفه                           | ۱۵              | ۱۲                                  | ۱                              | ۰                           | ۲                              | ۰/۷۹         | ۰/۸۶ |
|                               | استقامت بالا در انجام وظیفه                      | ۱۵              | ۱۳                                  | ۱                              | ۱                           | ۰                              | ۰/۷۹         | ۰/۹۳ |
|                               | استقامت و نهراسیدن از سبک شمرده شدن              | ۱۵              | ۱۳                                  | ۱                              | ۱                           | ۰                              | ۰/۷۹         | ۰/۹۳ |
|                               | ثابت و استوار بودن در مواجهه با سختی‌ها          | ۱۵              | ۱۳                                  | ۱                              | ۱                           | ۰                              | ۰/۷۹         | ۰/۹۳ |
| تسلیم بودن در برابر قضای الهی | تسلیم خداوند بودن در شرایط دشوار                 | ۱۵              | ۱۲                                  | ۳                              | ۰                           | ۰                              | ۰/۷۹         | ۱    |
|                               | اسناد اتفاقات و مصیبت‌ها به قضا و قدر الهی       | ۱۵              | ۱۲                                  | ۳                              | ۰                           | ۰                              | ۰/۷۹         | ۱    |
| پرهیز از شتابزدگی             | عدم شتابزدگی در انجام کارها                      | ۱۵              | ۱۲                                  | ۲                              | ۰                           | ۱                              | ۰/۷۹         | ۰/۹۳ |

همچنین روایی‌سنجی محتواهای استنباطی مربوط به هر مؤلفه نیز انجام شد. نتایج نشان می‌دهد که محتوای استنباطی (مؤلفه‌ها) از آیات شریفه قرآن کریم مورد توجه محقق به‌صورت کامل نمره تطابق لازم در CVI و نمره ضرورت مؤلفه در CVR را کسب کرده‌اند که نتایج ارزیابی‌ها در جدول (۳) نشان داده شده است:

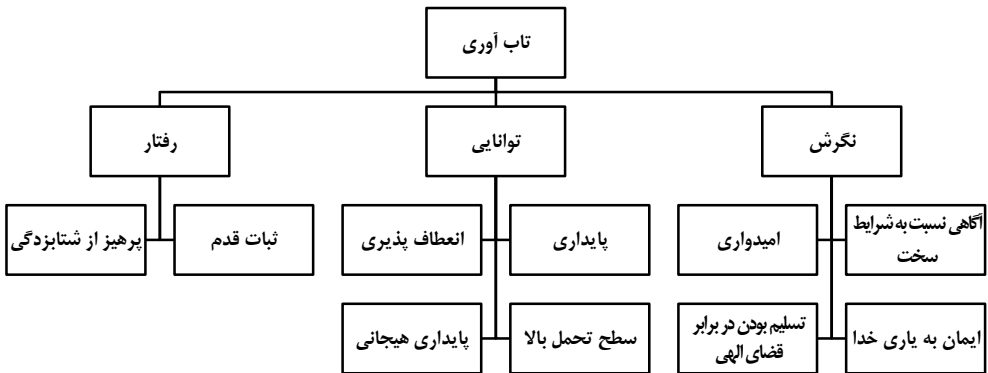
جدول ۳: نتایج روایی‌سنجی مؤلفه‌های تاب‌آوری در قرآن کریم

| مؤلفه                         | تعداد کارشناسان | مطابقت مؤلفه با مضمون و محتوای استنباطی |                             |                          |                             |              | CVI   |                                  | مطابقت مؤلفه با موضوع پژوهش |                          |                             |              | CVI   |       | ضرورت مؤلفه برای موضوع پژوهش |           |              | CVR   |  |
|-------------------------------|-----------------|-----------------------------------------|-----------------------------|--------------------------|-----------------------------|--------------|-------|----------------------------------|-----------------------------|--------------------------|-----------------------------|--------------|-------|-------|------------------------------|-----------|--------------|-------|--|
|                               |                 | خیلی زیاد (بدون نیاز به بازبینی)        | زیاد (نیاز به بازبینی مجدد) | کم (نیاز به بازبینی جدی) | خیلی کم (حذف و کنار گذاشتن) | سطح معناداری | مؤلفه | خیلی زیاد (بدون نیاز به بازبینی) | زیاد (نیاز به بازبینی مجدد) | کم (نیاز به بازبینی جدی) | خیلی کم (حذف و کنار گذاشتن) | سطح معناداری | مؤلفه | ضروری | مفید ولی غیر ضروری           | غیر ضروری | سطح معناداری | مؤلفه |  |
| آگاهی نسبت به شرایط سخت       | ۱۵              | ۹                                       | ۵                           | ۱                        | ۰                           | ۰/۷۹         | ۰/۹۳  | ۹                                | ۵                           | ۱                        | ۰                           | ۰/۷۹         | ۰/۹۳  | ۱۳    | ۲                            | ۰         | ۰/۴۹         | ۰/۷۳  |  |
| امیدواری                      | ۱۵              | ۱۰                                      | ۳                           | ۲                        | ۰                           | ۰/۷۹         | ۰/۸۶  | ۸                                | ۴                           | ۳                        | ۰                           | ۰/۷۹         | ۰/۸۱  | ۱۳    | ۲                            | ۰         | ۰/۴۹         | ۰/۷۳  |  |
| ایمان به یاری خداوند          | ۱۵              | ۹                                       | ۵                           | ۱                        | ۰                           | ۰/۷۹         | ۰/۹۳  | ۱۰                               | ۲                           | ۳                        | ۰                           | ۰/۷۹         | ۰/۸   | ۱۳    | ۲                            | ۰         | ۰/۴۹         | ۰/۷۳  |  |
| انعطاف‌پذیری                  | ۱۵              | ۸                                       | ۵                           | ۲                        | ۰                           | ۰/۷۹         | ۰/۸۶  | ۸                                | ۵                           | ۲                        | ۰                           | ۰/۷۹         | ۰/۸۶  | ۱۳    | ۲                            | ۰         | ۰/۴۹         | ۰/۷۳  |  |
| سطح تحمل بالا                 | ۱۵              | ۷                                       | ۲                           | ۲                        | ۰                           | ۰/۷۹         | ۰/۶   | ۵                                | ۴                           | ۲                        | ۳                           | ۰/۷۹         | ۰/۶   | ۱۳    | ۲                            | ۰         | ۰/۴۹         | ۰/۷۳  |  |
| پایداری                       | ۱۵              | ۸                                       | ۵                           | ۱                        | ۱                           | ۰/۷۹         | ۰/۸۶  | ۹                                | ۴                           | ۱                        | ۱                           | ۰/۷۹         | ۰/۸۶  | ۱۴    | ۱                            | ۰         | ۰/۴۹         | ۰/۸۶  |  |
| پایداری هیجانی                | ۱۵              | ۵                                       | ۵                           | ۵                        | ۰                           | ۰/۷۹         | ۰/۶۶  | ۵                                | ۴                           | ۳                        | ۳                           | ۰/۷۹         | ۰/۶   | ۷     | ۶                            | ۲         | ۰/۴۹         | ۰/۰۶  |  |
| ثبات قدم                      | ۱۵              | ۹                                       | ۵                           | ۴                        | ۰                           | ۰/۷۹         | ۰/۹۳  | ۱۰                               | ۳                           | ۰                        | ۲                           | ۰/۷۹         | ۰/۸   | ۱۴    | ۰                            | ۱         | ۰/۴۹         | ۰/۸۶  |  |
| تسلیم بودن در برابر قضای الهی | ۱۵              | ۹                                       | ۴                           | ۲                        | ۰                           | ۰/۷۹         | ۰/۸۶  | ۱۰                               | ۴                           | ۰                        | ۱                           | ۰/۷۹         | ۰/۹۳  | ۱۵    | ۰                            | ۰         | ۰/۴۹         | ۱     |  |
| پرهیز از شتابزدگی             | ۱۵              | ۱۰                                      | ۳                           | ۱                        | ۱                           | ۰/۷۹         | ۰/۸۶  | ۹                                | ۳                           | ۲                        | ۱                           | ۰/۷۹         | ۰/۷۵  | ۱۲    | ۲                            | ۱         | ۰/۴۹         | ۰/۰۶  |  |

مدل مفهومی تاب‌آوری دارای ۲۴ نشانه است که عبارت‌اند از: بردباری با شناخت و آگاهی، شناخت و آگاهی‌بخشی برای بردباری، پاداش گرفتن به خاطر پایداری، پاداش بهتر از عمل برای بردباری، پاداش بی‌حساب برای بردباری، شکیبایی با ایمان به یاری خداوند، تحمل سختی‌ها با ایمان به تحقق وعده خداوند، انعطاف‌پذیری با کنترل خشم و هیجان، انعطاف‌پذیری با کنترل خشم و دفع بدی‌ها به خوبی‌ها، انعطاف‌پذیری با کنترل خشم و بخشش دیگران، شکیبایی در برابر هر اتفاق و حادثه، پایداری با همراهی با مؤمنان، استقامت و پایداری کردن در شرایط سخت، تلاش

و کوشش مداوم در هر شرایطی، حفظ آرامش با حلم ورزیدن در شرایط سخت، عدم دلسوزی افراطی به سبب حلم ورزیدن، حفظ آرامش با نزول سکینه، استمرار در انجام وظیفه، استقامت بالا در انجام وظیفه، ثابت و استوار بودن در مواجهه با سختی‌ها، استقامت و نهراسیدن از سبک شمرده شدن، تسلیم خداوند بودن در شرایط دشوار، اسناد اتفاقات و مصیبت‌ها به قضا و قدر الهی و عدم شتابزدگی در انجام کارها. این نشانه‌ها در ده مؤلفه جمع‌بندی می‌شوند که عبارت‌اند از: آگاهی نسبت به شرایط سخت، امیدواری، ایمان به یاری خداوند، انعطاف‌پذیری، سطح تحمل بالا، پایداری، پایداری هیجانی، ثبات قدم، تسلیم بودن در برابر قضای الهی و پرهیز از شتابزدگی، و در نهایت این ده مؤلفه در سه بُعد نگرش، توانایی و رفتار قرار می‌گیرند. با توجه به نشانه‌ها و مؤلفه‌های به‌دست‌آمده از آیات قرآن کریم، می‌توان مدل مفهومی تاب‌آوری در قرآن کریم را به‌صورت شکل (۱) ارائه نمود.

شکل ۱: مدل مفهومی تاب‌آوری



## نتیجه‌گیری

مدل مفهومی تاب‌آوری با ارائه ۲۴ نشانه مشخص، به بررسی ابعاد مختلف این مفهوم از منظر قرآن کریم می‌پردازد. این مدل به وضوح بر اهمیت آگاهی از شرایط سخت تأکید دارد و نشان می‌دهد که درک و تحلیل دشواری‌ها می‌تواند به افراد در مواجهه مؤثر با چالش‌ها یاری رساند. مؤلفه‌هایی از جمله امیدواری و ایمان به یاری خداوند به تقویت منابع درونی فرد کمک می‌کنند، و موجب ایجاد نیروی لازم برای ایستادگی در برابر مشکلات می‌گردند. انعطاف‌پذیری و کنترل هیجانات نیز نقش اساسی در مدیریت استرس و تنش‌های ناشی از بحران‌ها ایفا می‌کنند، به گونه‌ای که افراد را قادر می‌سازند با تغییرات محیطی سازگار شوند. پایداری و ثبات قدم به عنوان جنبه‌های کلیدی تاب‌آوری، از فرد در برابر سختی‌ها حمایت می‌کنند. این مدل به سه بُعد اصلی نگرش، توانایی و رفتار تقسیم می‌شود که هر کدام به نوعی در تقویت تاب‌آوری مؤثرند. در نهایت، این مدل به عنوان یک چارچوب مفهومی درک بهتر تاب‌آوری را به همراه دارد و می‌تواند راهکارهایی عملی برای تقویت این ویژگی در زندگی ارائه دهد. یافته‌های این پژوهش در برخی مؤلفه‌ها

مانند انعطاف‌پذیری با پژوهش سیدخراسانی و شجاعی (۱۴۰۲) همخوانی دارد. مدل مفهومی تاب‌آوری سیدخراسانی و شجاعی بر روی ابعاد روان‌شناختی تاب‌آوری با کارکردهای مشخص تمرکز دارد؛ درحالی‌که پژوهش حاضر ابعاد دینی و مذهبی را در کنار ابعاد روانی تأسیس می‌کند.

همچنین اولین مؤلفه این مدل با پژوهش سیفعلی‌ئی و دیگران (۱۳۹۹) همخوانی دارد. آگاهی نسبت به شرایط سخت یکی از مؤلفه‌های مدل تاب‌آوری است. این مؤلفه به معنای درک و شناخت واقع‌بینانه از مشکلات و سختی‌های زندگی است. افراد آگاه می‌دانند که مشکلات و سختی‌ها بخشی از زندگی هستند و باید برای مقابله با آنها آماده باشند. این آگاهی می‌تواند به افراد در زمینه‌های مختلف کمک کند، از جمله تقویت امید و خوش‌بینی، افراد آگاه با وجود شناخت مشکلات و سختی‌ها، امید خود را از دست نمی‌دهند و به توانایی خود برای مقابله با آنها ایمان دارند. در مجموع می‌توان گفت که آگاهی نسبت به شرایط سخت، نقش مهمی در تاب‌آوری افراد دارد. این آگاهی به افراد کمک می‌کند تا با دیدگاه مثبت‌تری به مشکلات نگاه کنند، برای مقابله با آنها آماده باشند و در شرایط دشوار، عملکرد بهتری داشته باشند. مؤلفه دیگر مدل تاب‌آوری، امیدواری است. این مؤلفه با پژوهش‌های صالحی و دیگران (۱۴۰۲)، سیفعلی‌ئی و دیگران (۱۳۹۹)، عباسی و دیگران (۱۳۹۸) و گودینگ و دیگران (۲۰۱۲) همخوانی دارد.

مؤلفه دیگر تاب‌آوری، ایمان به یاری خداوند است. در پژوهش‌های انجام‌شده به این مؤلفه اشاره‌ای نشده است. ایمان به یاری خدا به معنای اعتقاد و اطمینان به یاری و حمایت قدرتی بزرگ و برتر است که او همه چیز را خلق کرده است. این اعتقاد به فرد قوت و الهام می‌بخشد و در لحظات سخت زندگی، تسلی و آرامش روحی را فراهم می‌کند. ایمان به یاری خدا به عنوان باور به اینکه خداوند در مواقع سخت به انسان کمک خواهد کرد، تعریف می‌شود. افراد با ایمان به یاری خدا معتقدند که خداوند آنها را تنها نخواهد گذاشت و در سختی‌ها یاری‌شان خواهد کرد. تاب‌آوری به عنوان توانایی فرد در سازگاری با شرایط دشوار و بازگشت به حالت عادی پس از یک تجربه استرس‌زا تعریف می‌شود. افراد تاب‌آور قادر به مقابله با چالش‌ها و سختی‌ها به طور مؤثر هستند و از آنها درس می‌آموزند. افراد با ایمان به یاری خدا تمایل به تاب‌آوری بیشتری دارند و افراد تاب‌آور تمایل به ایمان قوی‌تری به یاری خدا دارند. ارتباط میان ایمان به یاری خداوند و تاب‌آوری دلایل متعددی دارد؛ با تقویت ایمان به یاری خدا و تاب‌آوری، می‌توانیم توانایی خود را در مقابله با چالش‌ها و سختی‌های زندگی افزایش دهیم و زندگی شادتر و رضایت‌بخش‌تری داشته باشیم.

انعطاف‌پذیری مؤلفه دیگر تاب‌آوری است. این مؤلفه با پژوهش‌های بونانو و دیگران (۲۰۰۷)، آنگ و دیگران (۲۰۱۰)، جنتیلی و دیگران (۲۰۱۹) و کاتوماس و دیگران (۲۰۱۹) همخوانی دارد. افراد تاب‌آور انعطاف‌پذیری دارند؛ یعنی این افراد سازگاری و انطباق مثبت در شرایط ناگوار دارند. انعطاف‌پذیری به معنای توانایی یک فرد برای سازگاری و مقابله با تغییرات و مشکلات است. فرد با داشتن این خصوصیت، قادر است به روش‌های جدید پاسخ دهد، منابع خود را بهبود بخشد و با تغییرات ایجادشده همخوان شود و در مقابل فشارهای نامساعد، بحران‌ها و حوادث طبیعی، عملکردهای خود را حفظ و بهبود بخشد.

سطح تحمل بالا نیز یکی از مؤلفه‌های تاب‌آوری است. این مؤلفه با پژوهش‌های امینی تهرانی و علی اکبری (۱۴۰۲)، حبیب‌اللهی (۱۴۰۰) احمدی (۱۳۹۹)، عباسی و دیگران (۱۳۹۸) همخوانی دارد. سطح تحمل بالا به‌عنوان توانایی فرد در تحمل شرایط سخت و دشوار بدون واکنش منفی تعریف می‌شود. افراد با سطح تحمل بالا قادرند در شرایطی که افراد دیگر مضطرب، عصبانی یا ناامید می‌شوند، آرامش خود را حفظ کنند و به‌طور مؤثر عمل کنند. سطح تحمل بالا و تاب‌آوری با یکدیگر مرتبط هستند. افراد با سطح تحمل بالا تمایل به تاب‌آوری بیشتری دارند و افراد تاب‌آور تمایل به سطح تحمل بالاتری دارند. هنگامی که افراد سطح تحمل بالایی دارند، تحت فشار و استرس به سرعت مضطرب یا عصبانی نمی‌شوند؛ آنها قادرند آرامش خود را حفظ کنند و به‌طور منطقی فکر کنند. این امر به آنها کمک می‌کند تا در شرایط سخت بهتر عمل کنند؛ همچنین افراد با سطح تحمل بالا در شرایط سخت انرژی خود را به‌جای واکنش‌های منفی، صرف حل مشکل و مقابله با چالش‌ها می‌کنند.

پایداری دیگر مؤلفه تاب‌آوری است. این مؤلفه با پژوهش‌های یارمحمدی واصل و دیگران (۱۳۹۹)، میرحسینی و دیگران (۱۳۹۰) و بنزیس و میکیزیک (۲۰۰۹) همخوانی دارد. پایداری به‌معنای ثبات و حفظ تعادل در شرایط سخت و چالش‌برانگیز است. پایداری به فرد کمک می‌کند تا در شرایط سخت، آرامش و خونسردی خود را حفظ کند. این امر به‌نوبه خود باعث می‌شود تا فرد بتواند به‌طور مؤثرتری با چالش‌ها مقابله کند و راه‌حل‌های مناسب را پیدا کند. پایداری به فرد کمک می‌کند تا از منابع خود به‌طور مؤثرتری استفاده کند. فردی که پایدار است، انرژی خود را هدر نمی‌دهد و به‌جای تمرکز بر روی افکار منفی، بر روی یافتن راه‌حل تمرکز می‌کند. پایداری به فرد کمک می‌کند تا دیدگاه مثبت خود را حفظ کند. فردی که پایدار است، معتقد است که می‌تواند بر چالش‌ها غلبه کند و به اهداف خود برسد.

پایداری هیجانی مؤلفه دیگر تاب‌آوری است. تاب‌آوری به توانایی فرد در سازگاری با شرایط دشوار و چالش‌برانگیز گفته می‌شود. این توانایی شامل طیف وسیعی از مهارت‌ها و ویژگی‌های روان‌شناختی است که به فرد کمک می‌کند تا با موفقیت از عهده مشکلات و چالش‌های زندگی برآید. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تاب‌آوری، پایداری هیجانی است. پایداری هیجانی به توانایی فرد در کنترل و مدیریت هیجانات خود گفته می‌شود. افراد با پایداری هیجانی بالا می‌توانند در شرایط پر استرس و چالش‌برانگیز، احساسات خود را به‌طور مؤثر مدیریت کنند و از بروز واکنش‌های هیجانی نامناسب جلوگیری کنند. پایداری هیجانی نقش مهمی در تاب‌آوری ایفا می‌کند. افرادی که پایداری هیجانی بالایی دارند، در مواجهه با مشکلات و چالش‌های زندگی، کمتر دچار احساسات منفی؛ مانند اضطراب، استرس، خشم و افسردگی می‌شوند. این امر به آنها کمک می‌کند تا دیدگاه مثبت‌تری نسبت به شرایط داشته باشند و با تمرکز و انگیزه بیشتری بر روی حل مشکلات تلاش کنند. درواقع، پایداری هیجانی به‌عنوان یک عامل محافظتی عمل می‌کند و از افراد در برابر آسیب‌های روانی ناشی از شرایط دشوار محافظت می‌کند. برخی از فواید پایداری هیجانی در تاب‌آوری عبارت‌اند از: افزایش توانایی مقابله با استرس، کاهش خطر ابتلا به اختلالات روانی، بهبود عملکرد تحصیلی و شغلی و افزایش رضایت از زندگی. بنابراین می‌توان گفت که پایداری هیجانی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تاب‌آوری است که به افراد کمک می‌کند تا در مواجهه با مشکلات و چالش‌های زندگی، با موفقیت از عهده آنها برآیند.

ثبات قدم یکی از مؤلفه‌های تاب‌آوری است. این مؤلفه با پژوهش میرحسینی و دیگران (۱۳۹۰) همخوانی دارد. ثبات قدم به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی تاب‌آوری، نقشی اساسی در توانایی فرد برای مقابله با چالش‌ها و دشواری‌های زندگی ایفا می‌کند. ثبات قدم به‌معنای تعهد و تلاش مداوم برای رسیدن به اهداف، علی‌رغم موانع و شکست‌های احتمالی است. ثبات قدم به فرد انگیزه می‌دهد تا در مواجهه با مشکلات تسلیم نشود و به تلاش خود ادامه دهد؛ همچنین به فرد کمک می‌کند تا به توانایی‌های خود ایمان داشته باشد و باور کند که می‌تواند بر چالش‌ها غلبه کند؛ به‌عنوان مثال فردی که در حال یادگیری زبان جدیدی است، در ابتدا، یادگیری زبان می‌تواند چالش‌برانگیز باشد و فرد ممکن است با مشکلاتی مانند عدم تسلط کافی بر گرامر یا دایره لغات محدود مواجه شود. با این حال، اگر فرد ثبات قدم داشته باشد و به تلاش خود ادامه دهد، به تدریج مهارت‌های زبانی خود را ارتقا خواهد داد. ثبات قدم یک ویژگی اکتسابی است که می‌توان آن را با تمرین و تلاش ارتقا داد. با افزایش ثبات قدم، تاب‌آوری نیز افزایش خواهد یافت.

مؤلفه دیگر تاب‌آوری، تسلیم بودن در برابر قضای الهی است. تسلیم بودن در برابر قضای الهی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های تاب‌آوری، نقشی اساسی در ارتقای توانایی فرد در مواجهه با سختی‌ها و ناملایمات زندگی ایفا می‌کند. این مؤلفه با ایجاد آرامش درونی، صبر و شکیبایی، و امید به آینده، به فرد کمک می‌کند تا با چالش‌ها به‌طور موثرتری مقابله کند. تسلیم بودن به‌معنای پذیرش آنچه که خارج از کنترل ماست می‌باشد. این امر باعث می‌شود تا فرد از اضطراب و نگرانی در مورد رویدادهای ناخوشایند رها شده و آرامش درونی بیشتری را تجربه کند؛ همچنین تسلیم بودن به فرد کمک می‌کند تا در مواجهه با مشکلات صبر و شکیبایی بیشتری داشته باشد. این امر به فرد اجازه می‌دهد تا به‌جای واکنش‌های عجولانه و ناگهانی، به دنبال راه‌حل‌های مناسب و منطقی باشد. تسلیم بودن به فرد کمک می‌کند تا ارتباط خود را با خداوند قوی‌تر کند. این امر به فرد احساس امنیت و آرامش خاطر بیشتری می‌دهد و به او کمک می‌کند تا در سختی‌ها یاری خداوند را طلب کند. در مجموع، تسلیم بودن در برابر قضای الهی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های تاب‌آوری، نقشی کلیدی در ارتقای توانایی فرد در مواجهه با سختی‌ها و ناملایمات زندگی ایفا می‌کند. تسلیم بودن به‌معنای انفعال و عدم تلاش برای حل مشکلات نیست، بلکه به‌معنای پذیرش واقعیت‌ها و تلاش برای یافتن راه‌حل‌های مناسب در چارچوب شرایط موجود می‌باشد.

مؤلفه دیگر تاب‌آوری، پرهیز از شتابزدگی است. این مؤلفه با پژوهش‌های خرقانی و معافی (۱۳۹۵) همخوانی دارد. تاب‌آوری، توانایی سازگاری و غلبه بر چالش‌ها و استرس‌هاست. این یک ویژگی مهم برای داشتن یک زندگی سالم و رضایت‌بخش است. شتابزدگی باعث می‌شود که افراد نتوانند به درستی فکر کنند و تصمیم بگیرند، و این می‌تواند منجر به اشتباهاتی شود که وضعیت را بدتر کند. هنگامی که افراد با یک چالش یا استرس روبه‌رو می‌شوند، مهم است که ابتدا به خود زمان بدهند تا وضعیت را ارزیابی کنند. آنها باید تمام اطلاعات موجود را جمع‌آوری کنند و سپس یک راه‌حل منطقی و واقع‌بینانه پیدا کنند. شتابزدگی می‌تواند باعث شود که افراد از این مراحل مهم غافل شوند. آنها ممکن است تصمیمات عجولانه بگیرند که در نهایت به ضرر آنها تمام شود؛ برای مثال فرض کنید فردی در یک تصادف رانندگی

قرار می‌گیرد، اگر این فرد عجله کند و بدون فکر کردن از ماشین خارج شود، ممکن است به خود یا دیگران آسیب برساند، اما اگر این فرد چند دقیقه صبر کند و وضعیت را ارزیابی کند، می‌تواند تصمیم بگیرد که چگونه به ایمن‌ترین شکل ممکن از ماشین خارج شود. پرهیز از شتابزدگی همچنین به افراد کمک می‌کند تا احساس کنترل بیشتری بر زندگی خود داشته باشند. وقتی افراد احساس می‌کنند که کنترل امور را در دست دارند، احساس قدرت و اطمینان بیشتری می‌کنند، و این می‌تواند به آنها کمک کند تا با چالش‌ها و استرس‌ها به‌طور مؤثرتری کنار بیایند. بنابراین پرهیز از شتابزدگی یک مؤلفه مهم تاب‌آوری است، و این به افراد کمک می‌کند تا تصمیمات منطقی و واقع‌بینانه بگیرند، احساس کنترل بیشتری بر زندگی خود داشته باشند و با چالش‌ها و استرس‌ها به‌طور مؤثرتری کنار بیایند.

به‌صورت کلی آگاهی نسبت به شرایط سخت به ما کمک می‌کند تا با آنها برخورد مناسب داشته باشیم و پایداری و امیدواری به ما اجازه می‌دهد تا در حالات دشوار ثبات قدم داشته باشیم و پابرجا بمانیم. اعتقاد به یاری خدا و تسلیم بودن در برابر او، قدرت و اعتماد به نفس را در مقابل چالش‌های زندگی تقویت می‌کند؛ همچنین انعطاف‌پذیری بودن، سطح تحمل بالا، پایداری هیجانی و پرهیز از شتابزدگی نقش مثبت در ساماندهی و کنترل رفتار و عکس‌العمل‌های مناسب در شرایط دشوار دارند.

همچنین نتایج نشان داد، تاب‌آوری یک مفهوم چندبعدی است که شامل نگرش، توانایی و رفتار می‌شود، و این سه بعد، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با یکدیگر ارتباط دارند. نگرش، به‌معنای باورها و ارزش‌های فرد است. نگرش‌های مثبت به افراد کمک می‌کند تا در برابر مشکلات، دیدگاه مثبتی داشته باشند و انگیزه بیشتری برای مقابله با آنها داشته باشند. توانایی، به‌معنای مهارت‌ها و دانش فرد است. توانایی‌های مقابله با مشکلات، به افراد کمک می‌کند تا در برابر مشکلات، استراتژی‌های مناسبی اتخاذ کنند و از پس آنها برآیند. رفتار، به‌معنای عملکرد فرد است. رفتارهای مقابله با مشکلات، به افراد کمک می‌کند تا در برابر مشکلات، واکنش مناسبی نشان دهند و آنها را حل کنند.

هریک از سه بعد تاب‌آوری، به‌نحوی به تقویت تاب‌آوری کمک می‌کند. نگرش مثبت به افراد کمک می‌کند تا در برابر مشکلات، امید و انگیزه خود را حفظ کنند. امید و انگیزه، دو عامل مهم در مقابله با مشکلات هستند. توانایی‌ها به افراد کمک می‌کند تا در برابر مشکلات، استراتژی‌های مناسبی اتخاذ کنند و از پس آنها برآیند. این توانایی‌ها، شامل مهارت‌های حل مسئله، مهارت‌های مدیریت استرس و مهارت‌های ارتباطی است. رفتارها، به افراد کمک می‌کند تا در برابر مشکلات، واکنش مناسبی نشان دهند و آنها را حل کنند. این رفتارها، شامل رفتارهای سازگانه و رفتارهای مقابله‌ای است.

در مدل مفهومی تاب‌آوری در قرآن کریم، ۲۴ نشانه برای تاب‌آوری ذکر شده است. این نشانه‌ها به ده مؤلفه تقسیم شدند که عبارت‌اند از: آگاهی نسبت به شرایط سخت، امیدواری، ایمان به یاری خداوند، انعطاف‌پذیری، سطح تحمل بالا، پایداری، پایداری هیجانی، ثبات قدم، تسلیم بودن در برابر قضای الهی و پرهیز از شتابزدگی، و در نهایت این ده مؤلفه در سه بُعد نگرش، توانایی و رفتار قرار می‌گیرند. مدل مفهومی تاب‌آوری در قرآن کریم، یک مدل جامع و کارآمد است که می‌تواند به افراد کمک کند تا در برابر مشکلات و سختی‌های زندگی، تاب‌آور باشند. برای ارزیابی و اعتباریابی یافته‌ها

از روش CVI و CVR استفاده شد. داده‌های استخراج‌شده به ۱۵ داور تحویل داده شد و بر اساس نتایج حاصل ۱۰ مؤلفه نمره لازم را کسب نمودند. نتایج این پژوهش در جدول‌های (۲ و ۳) آورده شده که بر این اساس مؤلفه‌های آگاهی نسبت به شرایط سخت، امیدواری، ایمان به یاری خداوند، انعطاف‌پذیری، سطح تحمل بالا، پایداری، پایداری هیجانی، ثبات قدم، تسلیم بودن در برابر قضای الهی و پرهیز از شتابزدگی نمرات CVI لازم را کسب نمودند.

### محدودیت‌ها و پیشنهادات

هر تحقیق و پژوهشی با توجه به شرایط و زمینه مطالعه و نیز موضوع مورد بررسی، همواره دارای محدودیت‌هایی است. پژوهش حاضر نیز مانند سایر تحقیقات انجام‌شده در حوزه علوم انسانی با محدودیت‌هایی مواجه است که عبارت‌اند از:

۱. در این تحقیق مدل تاب‌آوری صرفاً بر اساس قرآن کریم انجام شده است.
۲. در این تحقیق برای گردآوری واژه‌ها و گزاره‌های مربوط به تاب‌آوری بیشتر از اصل هم‌معنایی و حوزه واژگانی استفاده شده و اصول دیگر مانند چندمعنایی و تقابل معنایی کمتر مورد استفاده قرار گرفته است.
۳. برای روایی سنجی به خودبازبینی محقق، بسندگی در نمونه‌گیری، بهره‌مندی از پشتوانه نظری و ارزیابی توسط همکاران اکتفا شده است.

### پیشنهادهات

- با توجه به محدودیت‌های یادشده، موارد ذیل را به عنوان پیشنهادات پژوهشی می‌توان بیان کرد:
۱. پیشنهاد می‌شود بررسی مؤلفه‌های تاب‌آوری بر اساس سایر منابع اسلامی نیز انجام شود.
  ۲. برای گردآوری مفاهیم و گزاره‌های تاب‌آوری از دیگر اصول روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی؛ مانند اصل تقابل معنایی، تحلیل مؤلفه‌ای، هم‌ریخت‌بینی کل نگر و تبدیل کنشی نیز استفاده شود.
  ۳. برای روایی سنجی علاوه بر مواردی که در این تحقیق به کار گرفته شده، از نظر کارشناسان بیرونی و غیر از همکاران پژوهش نیز استفاده شود.

## منابع

قرآن کریم.

- احمدی، خدابخش (۱۳۹۹). آیا صبر همان تاب‌آوری است؟ مفهوم‌سازی کاربردی صبر برای شرایط بحرانی. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۱۴ (۲۷)، ۱۶۳-۱۸۷.
- امینی تهرانی، زهرا و علی‌اکبری، ایرج (۱۴۰۲). تبیین بر تاب‌آوری با استفاده از آموزه‌های امام سجاد<sup>علیه السلام</sup>. *رویکرد فلسفه در مدارس و سازمان‌ها*، ۳ (۳)، ۱۵-۱.
- حبیب‌اللهی، حبیب (۱۴۰۰). عوامل و مؤلفه‌های تاب‌آوری از منظر قرآن و روایات. *مطالعات اخلاقی کاربردی (اخلاق)*، ۱۱ (۴۳)، ۴۳-۱۱.
- خرقانی، حسن و معافی، مرتضی (۱۳۹۵). گستره معنایی حلم در لغت و حدیث. *همایش ملی واژه‌پژوهی در علوم اسلامی*.
- ساداتی، سیده زهرا و مهدوی، فاطمه (۱۴۰۲). اثربخشی معنویت درمانی با تأکید بر آموزه‌های دین مبین اسلام بر تاب‌آوری، جهت‌گیری مذهبی و رضایت از زندگی زنان مطلقه. *خانواده درمانی کاربردی*، ۴ (۴)، ۳۱۷-۳۳۰.
- سیدخراسانی، راضیه‌سادات و شجاعی، محمدصادق (۱۴۰۲). مدل مفهومی تاب‌آوری روان‌شناختی بر اساس آیات و روایات. *قرآن و روان‌شناسی*، ۱۲ (۱)، ۲۳-۳۵.
- سیفعلی‌ئی، فاطمه و دیگران (۱۳۹۹). تاب‌آوری، کارکردها و راهبردهای ارتقای آن در فرایند تربیت اجتماعی از منظر قرآن کریم. *آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث*، ۶ (۲)، ۱۸-۱.
- شاهمیری، سیدمهدی (۱۴۰۲). *تاب‌آوری در اسلام و روان‌شناسی*. قم: اخلاق و تربیت.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۹). روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی: مبانی نظری و مراحل اجرا. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۱۴ (۲۷)، ۴۱-۳۳.
- شجاعی، محمدصادق و دیگران (۱۳۹۳). کاربرد نظریه حوزه‌های معنایی در مطالعات واژگانی ساختار شخصیت بر پایه منابع اسلامی. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۸ (۱۵)، ۳۸۷-۳۸.
- صالحی، مبین و دیگران (۱۴۰۲). رابطه ابعاد دین‌داری و تاب‌آوری با میانجیگری امید و سبک‌های مقابله‌ای. *پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی*، ۹ (۱۸)، ۹۹-۱۱۷.
- عباسی، سلیمان و دیگران (۱۳۹۸). تاب‌آوری در رهیافت گفتمانی قرآن کریم. *پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی*، ۲ (۳)، ۷۷-۵۵.
- میرحسینی، سیدمحمد و دیگران (۱۳۹۰). استقامت و پایداری در قرآن، ادبیات پایداری (ادب و زبان). *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان*، ۲ (۳ و ۴)، ۵۸۹-۶۱۰.
- یارمحمدی واصل، مسیب و دیگران (۱۳۹۹). مهارت تاب‌آوری و ویژگی‌های آن از دیدگاه امام علی<sup>علیه السلام</sup> در نهج البلاغه. *پژوهش‌نامه نهج البلاغه*، ۱۸ (۳)، ۱۲۹-۱۵۰.

- Benzies, K. & Mychasiuk, R. (2009). Fostering family resiliency: A review of the key protective factors. *Child & Family Social Work*, 14(1), 103-114.
- Bonanno, G. A., Galea, S., Bucciarelli, A. & Vlahov, D. (2007). What predicts psychological resilience after disaster? The role of demographics, resources, and life stress. *Journal of consulting and clinical psychology*, 75(5), 671.
- Cary R, wanenBos (2013). APA Dictionary of clinical psychology. Washington: American Psychological Association.

- Cathomas, F., Murrough, J. W., Nestler, E. J., Han, M. H. & Russo, S. J. (2019). Neurobiology of resilience: interface between mind and body. *Biological psychiatry*, 86(6), 410-420.
- Gentili, C., Rickardsson, J., Zetterqvist, V., Simons, L. E., Lekander, M. & Wicksell, R. K. (2019). Psychological flexibility as a resilience factor in individuals with chronic pain. *Frontiers in psychology*, 10, 2016.
- Gooding, P. A., Hurst, A., Johnson, J. & Tarrier, N. (2012). Psychological resilience in young and older adults. *International journal of geriatric psychiatry*, 27(3), 262-270.
- Lawshe, C. H. (1975). A quantitative approach to content validity. *Personnel psychology*, 28(4), 563-575.
- Masten, A. S. (2001). Ordinary magic: Resilience processes in development. *American Psychologist*, 56(3), 227-238.
- Ong, A. D., Zautra, A. J. & Reid, M. C. (2010). Psychological resilience predicts decreases in pain catastrophizing through positive emotions. *Psychology and aging*, 25(3), 516-523.
- Shultz, K. S., Whitney, D. J. & Zickar, M. J. (2014). Measurement theory in action: Case studies and exercises (2nd ed.). Routledge/Taylor & Francis Group.
- Stecher, C., Cloonan, S. & Domino, M. E. (2024). The Economics of Treatment for Depression. *Annual Review of Public Health*, 45(1), 527-551.
- Waltz, C. F. & Bausell, B. R. (1981). *Nursing research: design statistics and computer analysis*. Davis Fa.
- Wang, F., King, R. B., Fu, L., Chai, C. S. & Leung, S. O. (2023). Overcoming adversity: exploring the key predictors of academic resilience in science. *International Journal of Science Education*, 46(4), 313-337.
- Wang, Q., Gong, L., Huang, H., Wang, Y., Xu, T. & Dong, X. (2023). Psychological resilience and related influencing factors in patients diagnosed with major depressive disorder in remission: A cross-sectional study. *Journal of Psychiatric and Mental Health Nursing*, 30(3), 492-500.



 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0> 10.22034/ravanshenasi.2024.5000121 20.1001.1.20081782.1404.18.1.2.7

## The Principles of Psychological Development Based on Transcendent Wisdom (Ḥikmat al-Muta‘āliyah)

✉ **Seyyed Hadi Sabouri**  / PhD in General Psychology, The Imam Khomeini Institute for Education and Research  
saborisyyd110@gmail.com

**Mohammad Reza Ahmadi Mohammadabadi** / Associate Professor at the Department of Psychology, The Imam Khomeini Institute for Education and Research  
m.r.ahmadi313@gmail.com

**Received:** 2024/08/07 - **Accepted:** 2024/10/10

### Abstract

This qualitative content analysis explored the principles of psychological development based on Transcendent Wisdom (Mulla Sadra's philosophy). Data from books, articles, and e-libraries were categorized. The research results indicate that, based on transcendental wisdom, three sets of principles of psychological transformation are identified: 1. The principles governing psychological development process, including gradualness, hierarchical stages, progression from simple to complex, continuity, differential onset/extension, bodily dependence, role of hazards, pattern and predictability, multidimensionality. 2. The principles governing psychological development orientations, including divine origin/destination, perfection-orientation, Inverse correlation with bodily development. 3. The principles governing psychological development rate, including Individual differences, variable speed across hierarchical levels. Accepting these principles reshapes researchers' perspectives on human development, transforming their methodologies and research resources and expanding the scope/goals of developmental psychology in different areas.

**Keywords:** principle, psychological development, Transcendent Wisdom (Ḥikmat al-Muta‘āliyah), content analysis.



## اصول تحول روان شناختی بر اساس حکمت متعالیه

saborisyyd110@gmail.com

m.r.ahmadi@iki.ac.ir

✉ سیده‌ادی صبوری / ID / دکتری روان‌شناسی عمومی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی \*

محمد رضا احمدی محمدآبادی / دانشیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی \*

دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۷ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۹

### چکیده

هدف از این پژوهش، دستیابی به اصول تحول روان‌شناختی بر اساس حکمت متعالیه است. پژوهش حاضر با روش کیفی از نوع تحلیل محتوا می‌باشد؛ همچنین داده‌ها از طریق مطالعه و فیش‌برداری از کتب، مقالات و نیز استفاده از کتابخانه‌های الکترونیک جمع‌آوری و طبقه‌بندی گردیده است. نتایج پژوهش حاکی از این است که بر اساس حکمت متعالیه می‌توان به سه دسته از اصول تحول روان‌شناختی دست یافت: دسته اول اصول حاکم بر روند تحول روان‌شناختی شامل تدریجی بودن، مراتبی بودن، سیر از ساده به پیچیده، پیوستگی، تفاوت در آغاز و امتداد، وابستگی به بدن، نقش مخاطرات، الگومندی و قابل پیش‌بینی، دارای ابعاد متنوع؛ دسته دوم اصول حاکم بر جهات تحول روان‌شناختی شامل مبدأ و مقصدی الهی، کمال‌محوری و همبستگی منفی با تحول بدنی؛ دسته سوم اصول حاکم بر میزان تحول روان‌شناختی شامل وجود تفاوت‌های فردی و اختلاف سرعت میزان تحول در مراتب مختلف. پذیرش اصول تحول روان‌شناختی مبتنی بر حکمت متعالیه، علاوه بر تغییر در نوع نگاه پژوهشگر به تحول انسانی، روش و منابع مطالعاتی وی را در پژوهش‌های تحولی دگرگون ساخته به تبع آن گستره، اهداف و روش دانش روان‌شناسی تحولی نیز در قلمروهای گوناگون متأثر خواهد کرد.

**کلیدواژه‌ها:** اصل، تحول روان‌شناختی، حکمت متعالیه، تحلیل محتوا.

اصل (principle) پایین‌ترین بخش هر چیزی و جمع آن اصول است (فراهِیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۱۵۶؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۱۵۶). اصل به معانی ریشه، بیخ، بن، بنیاد، تبار، نژاد و جمع آن اصول آمده است (معین، ۱۳۸۸، ص ۱۲۷). بنابراین به نظر می‌رسد که در معنای لغوی آن اختلافی نیست، اما هنگامی که اصل در علوم به کار می‌رود، معنایی متناسب با قلمرو آن علم دارد (باقری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۸۶). درواقع اصل مانند شاغل یا نخ بنایی است که کلیه آجرها باید بر اساس آن شاخص، روی هم گذاشته شوند (حسینی‌زاده، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۵-۲۶). اصول عبارت است از تکیه‌گاه‌های نظری که از عوامل موجود در حیات استخراج شده است و هم آن را به‌عنوان ملاک عمل باید در نظر گرفت (هوشیاری، ۱۳۳۱، ص ۵۶). ویژگی‌های حاکم بر اصول را می‌توان بدین شرح برشمرد: الف) اصل امری ابداعی و اختراعی نیست؛ ب) اصل مفهومی کلی است و ملاک و معیار واقع می‌شود؛ بنابراین نمی‌تواند امری جزئی و دارای یک مصداق معین باشد (شاتو، ۱۳۶۹، ص ۱۹۴). اصل ماهیتی هنجاری دارد، به این معنا که درصدد ارائه واقعیتی مطابق مدلول خود و هنجاری متناسب با خاستگاه خود است (مشایخی، ۱۳۸۱).

وجود اصول و قواعد کلی در مناسبات انسانی و مرجعیت آن برای تفسیر رفتارها آنچنان آشکار است که غالباً نیازی به بیان تشریحی آن وجود ندارد. بدیهی است که هیچ کنش و واکنش انسانی نمی‌تواند در خلأ و بدون ضابطه‌ای مشخص آغاز و بی‌هدف پایان پذیرد (مشایخی، ۱۳۸۱). تحول روان‌شناختی انسان نیز که مورد توجه روان‌شناسان تحولی است، یکی از زمینه‌های مهمی در مناسبات انسانی است که از این قاعده مستثنا نیست. معادل لاتین تحول، واژه «Development» است و واژه نزدیک به آن واژه «Growth» است. واژه دوم عمدتاً به تغییرات فیزیکی مانند تغییر در قد و وزن اشاره دارد، اما واژه «Development» عام‌تر است و به تغییر کلی انسان در طول عمر که عمدتاً روان‌شناختی هستند شامل درک چگونگی و چرایی تغییر افراد از نظر فیزیکی، فکری، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی اشاره دارد (Pratima, 2012; Walker & Bobola, 2017, p. 4; Good & Brophy, 1990, p. 34).

بررسی تحول روانی در نیمه دوم قرن بیستم، رونق چشمگیری یافت که منجر به شکل‌گیری نظام‌های مهم بزرگی همچون نظام بوهرلر (Buhler, C.)، نظام اریکسون (Erikson, E.)، نظام گزل (Gesell, A.)، نظام والن (Wallon, H.)، نظام روان‌تحلیل‌گری فروید (Freud, S.) و نظام پیاژه (Piaget, J.) شد. در این نظام‌ها به تبیین مراحل تحول روانی بر اساس اصول حاکم بر تحول روانی پرداخته شده است (منصور، ۱۳۸۶، ص ۵۲-۱۶۰). اگرچه هدف عمده روان‌شناسان تحولی تبیین فرایند تحول روانی بوده است؛ اما آنها برای دستیابی به این هدف، هیچ‌گاه خود را فارغ از اصول تحولی ندانسته‌اند؛ چراکه شناخت اصول تحولی برای تبیین فرایند تحول روانی ضروری است (سیف و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۰). از سوی دیگر، پذیرش همین اصول کلی سبب امتیاز نظام‌های تحولی از یکدیگر می‌شود (منصور، ۱۳۸۶، ص ۳۳-۴۲). این اصول کلی، تحول روانی را با وجود تفاوت‌های فردی در شخصیت، نگرش، رفتار و زمان تحول کودکان به‌عنوان یک فرایند قابل پیش‌بینی و منظم توصیف می‌کنند. اصول تحول روانی،

الگوهای همگانی هستند (Pratima, 2012, p. 9: سیف و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۰). درحقیقت از منظر روان‌شناسان تحولی، اصول تحولی به آن دسته از قواعدی اطلاق می‌شود که از آغاز باروری تا توقف تمامی مظاهر حیاتی فرد، چتر خویش را بر تغییرات تحولی گسترانده است (مصباح و دیگران، ۱۳۷۴، ص ۱۰۶).

بر اساس اندیشه‌های اسلامی، انسان مخلوقی دو ساحتی است: ساحت فیزیکی و ساحت روحانی (غیرمادی) که ساحت روحانی نسبت به ساحت جسم اصالت دارد (ابن سینا، ۱۴۰۴ق، ص ۴۰۸؛ صدرالمآلهین، ۱۹۸۱، ص ۳۲۸ و ۳۲۹؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۷۳). روان از دیدگاه منابع اسلامی و فلسفه اسلامی به واقعیت روحانی (غیرمادی) انسان اشاره دارد (کاردان، ۱۳۸۱، ص ۱۶۵-۱۶۷؛ رضایی هفتادر و دیگران، ۱۳۹۷). واژه Psycho به معنای نفس در عربی و روان در فارسی می‌باشد و در مجموع روان‌شناسی به معنای نفس‌شناسی است (عبدالسلام زهران، ۱۹۷۱، ص ۲۲؛ عوده الریمانی، ۱۴۳۲ق، ص ۲۷؛ ناروئی و عبدی، ۱۴۰۱، ص ۷)؛ بنابراین روان معادل نفس است که شامل همه احوالات روانی اعم از شناختی، عاطفی، رفتاری، اخلاقی و معنوی می‌باشد (آذربایجانی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۶). همچنین صدرالمآلهین بیان می‌دارد برخی از فلاسفه مانند ابن‌سینا تصریح کرده‌اند که روح بخاری را جان و نفس ناطقه را روان گویند (صدرالمآلهین، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۲۵۱). درنتیجه در آثار اندیشمندان اسلامی، بحث از تحول روان‌شناختی انسان را حول مباحث تحول نفس در علم‌النفس می‌توان دنبال کرد؛ مانند «دیدگاه فارابی و ارسطو» (فارابی، ۱۴۰۵ق، ص ۲۴-۳۰؛ مصباح و دیگران، ۱۳۷۴، ص ۱۰)، «دیدگاه ابن‌سینا و غزالی» (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ق، ص ۳۷-۴۱؛ رفیعی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۶۳-۶۵)، «دیدگاه فیض کاشانی» (فیض کاشانی، ۱۳۳۹ق، ج ۸، ص ۳۳-۳۵)، «دیدگاه نراقی» پیرامون تحول اخلاقی (نراقی، ۱۳۸۳ق، ج ۱، ص ۲۲-۲۵).

اما جایگاه علم‌النفس در حکمت متعالیه که بنیان‌گذار آن صدرالدین شیرازی معروف به ملاصدرا است، به‌گونه متفاوت از سایر اندیشمندان مسلمان است؛ زیرا ملاصدرا حکمت متعالیه را در قالب چهار سفر ترتیب داده که سفر پایانی (چهارم) آن به مباحث نفس و احوال آن اختصاص یافته که در آن از مبدأ پیدایی نفس تا پایان سیر آن و کمالات ممکن‌الحصول برای آن در سیر صعودی‌اش بحث می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۷۵، ص ۲۷). امتیاز اساسی حکمت متعالیه از سایر علوم الهی مانند عرفان نظری، حکمت اشراق، حکمت مشاء، کلام و حدیث با اشتراکاتی که بین آنهاست، در این می‌باشد که هریک از آن علوم به یک جهت از جهات عرفان، برهان، قرآن و وحی اکتفا می‌نمایند و اگر به جهات دیگر دسترسی یافت، آن را مؤید فن خود می‌شمارد نه دلیل، اما حکمت متعالیه کمال خود را در جمع بین ادله یادشده جست‌وجو می‌کند و هرکدام را در عین لزوم و استقلال، با دیگری می‌طلبد و با اطمینان به هماهنگی و جزم به عدم اختلاف، همه آنها را گرد هم می‌بیند. در مقام سنجش درونی، اصالت را از آن قرآن می‌داند و عرفان و برهان را در محور وحی غیر قابل انفکاک مشاهده می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۶). آیت‌الله مصباح یزدی فیلسوف معاصر، «حکمت متعالیه» را مهم‌ترین نظام فلسفی در عصر اسلامی دانسته که جامع عناصری از فلسفه مشائیین، فلسفه اشراقیین، مکاشفات عرفانی و آرای عرفا و متألهین است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۶).

از سرنخ‌های پیرامون اصول تحول روان‌شناختی در حکمت متعالیه می‌توان به این موارد اشاره کرد: نفس به تدریج راه استکمال را طی می‌کند، از سوی دیگر، نفس تا مرتبه‌ای اخس از آن استکمال پیدا نکند، به مرتبه‌ای کامل‌تر نخواهد رسید؛ به عنوان مثال اگر نفس به مرحله‌ای ناطقیّت رسید، حتماً شرایط مرحله قبل (نفس حیوانی) را به اتمام رسانده است (صدرالمآلهین، ۱۳۹۲، ص ۱۳۵-۱۳۸). تمام نفوس از جمله نفس انسانی در آغاز تکوین از کمالات و صفات وجودی خالی‌اند و آنها را امکان تحصیل این کمالات جز با به کارگیری آلات و قوای نفسانی نمی‌باشد (صدرالمآلهین، ۱۳۹۲، ص ۳۰۷).

مطالعات صورت گرفته پیرامون تحول روان‌شناختی در اندیشه‌های اسلامی را می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: پژوهش نوذری (۱۳۸۹) در قالب رساله دکتری تحت عنوان «بررسی تحول ایمان به خدا در دوره کودکی و نوجوانی و آغاز جوانی: رویکردی روان‌شناختی - دینی»، با تمرکز روی ایمان، تحول آن را در سنین متفاوت مورد بررسی قرار داده است؛ پژوهش دیگر مقاله «بررسی مراحل تحول مؤلفه عاطفی ایمان به خدا در کودکی و نوجوانی» (احمدی و دیگران، ۱۳۹۵)، که با روش مقطعی روی ۱۹۸ دانش آموز شهر قم مطالعه صورت گرفت که روند تحول مؤلفه عاطفی ایمان به خدا در کودکان و نوجوانان را احساس خدا به عنوان موجودی مهربان، درد دل کردن با خدا، داشتن رابطه نزدیک و صمیمانه با خدا، داشتن حس شکرگزاری یا شرمندگی در مقابل خدا، معرفی می‌کند؛ در مقاله «رشد دین داری در اوائل کودکی: رویکردی روان‌شناختی اسلامی» (نوذری، ۱۳۹۵) محقق با تمرکز روی دین داری، تحول آن را در سنین مختلف مورد بررسی قرار داده است؛ در مقاله دیگر «بررسی مراحل تحول بر اساس منابع اسلامی» (قائمی مقدم و دیگران، ۱۳۹۴)، عمر انسان را به سه مرحله کلی و نه زیر مرحله تقسیم می‌کند: دوران ضعف اولیه شامل مراحل حمل، رضاع، قبل از تمیز و مرحله تمیز است؛ دوران قوت شامل مراحل نوجوانی، شباب و کهولت؛ دوران ضعف ثانویه شامل مراحل شیخوخیت و ارذل العمر می‌باشد؛ شجاعی (۱۳۹۹) در مقاله «نظام تحول روانی از تولد تا مرگ بر پایه منابع اسلامی» با تمرکز روی دوره‌ها و مراحل تحول تلاش کرده است ضمن بیان دوره‌ها و مراحل تحول از منابع اسلامی به طور متمایز همچنین ابعاد تحول را در هر دوره و مراحل تبیین کند؛ همچنین علم‌الهدی (۱۳۹۸) در کتاب *نظریه‌ای/اسلامی رشد انسان* به مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، مسئله حرکت، ماهیت، عوامل و نیز معیارهای رشد انسان پرداخته است. مرور اجمالی پیشینه بحث حاکی از این است که مطالعات صورت گرفته در اندیشه‌های اسلامی پیرامون تحول روان‌شناختی، بیشتر با تمرکز روی آیات و روایات صورت گرفته و کمتر به رویکرد فلسفی توجه شده است و یا بررسی تحول روان‌شناختی در بعدی خاص (مانند ایمان و دین داری) در منابع اسلامی (آیات و روایات) دنبال شده است. در بین پژوهش‌های مذکور، پژوهشی که به اصول تحول روان‌شناختی بر اساس اندیشه‌های اسلامی پرداخته شده باشد وجود ندارد. اکنون با توجه به وجود مباحثی پیرامون تحول روان‌شناختی در حکمت متعالیه در گستره‌ای از مبدأ پیدایی نفس تا پایان سیر آن و کمالات ممکن‌الحصول برای آن در سیر صعودی‌اش و ابتکار صدرالمآلهین در بررسی مسائل پیرامون نفس انسانی، این فرض قابل طرح است که می‌توان بر اساس حکمت متعالیه به بازشناسی اصول تحول روان‌شناختی

دست یافت. تدوین این پژوهش مشتمل بر یافته‌های خواهد بود که بر پایه آنها می‌توان یک نظام تحولی که در آن به مراحل تحول بر اساس اندیشه‌های اسلامی پرداخته می‌شود، بنا کرد. بنابراین پژوهش حاضر درصدد است تا با روش تحلیل محتوا در منابع حکمت متعالیه، داده‌هایی که مربوط به تحول روان‌شناختی است را جمع‌آوری کرده و با چند مرحله کدگذاری به اصول تحول روان‌شناختی رسیده و این اصول به‌دست‌آمده در اختیار کارشناسان قرار می‌گیرد تا با کاربست نظرات کارشناسان به اصول نهایی تحول روان‌شناختی بر اساس حکمت متعالیه دست یافت. این فرایند پژوهشی در پژوهش‌های مذکور در پیشینه یافت نشد و محقق در این مسئله، اهداف مذکور را دنبال خواهد کرد.

### روش پژوهش

روش این پژوهش، کیفی (qualitative research) با رویکرد استقرایی (Inductive Approach) از نوع «تحلیل محتوا» است. این روش شامل تحلیل یک سخنرانی، پیام، مقاله، عقاید، احساسات و نظرات است (جعفری هرنی و دیگران، ۱۳۸۷). از این روش برای تحلیل متون حکمت متعالیه و روان‌شناسی استفاده شده است. در این پژوهش، جامعه آماری شامل کلیه آثار مکتوب صدرالمتألهین است و نمونه آماری شامل گزاره‌های مشتمل بر مفاهیم مرتبط با تحول روان‌شناختی است که از شیوه نمونه‌گیری هدفمند (purposeful sampling) به‌دست آمده است؛ همچنین اطلاعات و داده‌ها از طریق مطالعه و فیش‌برداری از کتاب‌ها، مقالات و نیز استفاده از کتابخانه‌های الکترونیکی جمع‌آوری و طبقه‌بندی گردیده و سپس برای به‌دست آوردن اصول تحول روان‌شناختی از فرایند رمزگذاری استفاده شده است.

در «رمزگذاری باز» (Open coding) به‌طور تحلیلی داده‌ها شکسته و دسته‌بندی می‌شوند و برای هر دسته مفهومی انتخاب می‌شود (مهرابی و دیگران، ۱۳۹۰). در این پژوهش، در «رمزگذاری باز» از داده‌هایی که درصدد تبیین مفاهیم تحول روان‌شناختی بودند، مفاهیمی استخراج گردید. در «رمزگذاری محوری» (Axial coding) مؤلفه‌ها از طریق دسته‌بندی و مقایسه عناوین استخراج‌شده در مرحله «رمزگذاری باز» شکل می‌گیرند (مهرابی و دیگران، ۱۳۹۰). در این پژوهش، در رمزگذاری محوری ۱۴ اصل تحول روان‌شناختی شناسایی گردید که برای ارزیابی، این اصول و مستندانشان در قالب یک فرم در اختیار پنج کارشناس قرار گرفت. برای به‌دست آوردن روایی محتوا از شاخص «روایی محتوا» (CVI Content Validity Index) استفاده شد. در مرحله «رمزگذاری گزینشی» (Selective coding) وجوه مشترک مؤلفه‌های به‌دست‌آمده از مراحل قبلی شناسایی و با توجه به اشتراکات، مؤلفه‌ها در دسته‌بندی کلی‌تر و محدودتری سامان‌دهی می‌شوند (مهرابی و دیگران، ۱۳۹۰). در این پژوهش، در «رمزگذاری گزینشی» اصول به‌دست‌آمده به سه دسته اصول حاکم بر روند، جهات و میزان تحول روان‌شناختی تقسیم شده‌اند. اقدامات صورت‌گرفته برای اطمینان‌پذیری این پژوهش مواردی از این قبیل بود: ۱. از آثار دست اول حکمت متعالیه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است؛ ۲. مقایسه‌های مکرر اصول به‌دست‌آمده با یکدیگر و تطبیق آنها با داده‌ها؛ ۳. استفاده از نظرات پنج کارشناس معارف اسلامی و روان‌شناسی (با تحصیلات فلسفه اسلامی و تحصیلات روان‌شناسی دکترا یا اشتغال در مقطع دکترا) در بخش یافته‌های به‌دست‌آمده.

## یافته‌های پژوهش

هدف این پژوهش دستیابی به اصول تحول روان‌شناختی بر اساس حکمت متعالیه است. برای پاسخ به این سؤال، ابتدا داده‌های که مربوط به تحول و تغییر در نفس انسانی است، جمع‌آوری گردید. از میان آنها، داده‌های که ناظر بر تبیین یک اصلی بود، تفکیک و از آنها اصول تحول روان‌شناختی استخراج شد. برای ارزیابی اطمینان‌پذیری از اصول به‌دست‌آمده، فرمی که حاوی اصول تحول روان‌شناختی و مستندات آنها بود، تهیه و بین پنج نفر از کارشناسان توزیع گردید و از آنها خواسته شد میزان تطابق اصول با مستنداتشان را با یکی از چهار گزینه (کاملاً مرتبط، مرتبط اما نیاز به بازبینی، نیاز به بازبینی جدی، غیرمرتبط) مشخص کنند. اصول به‌دست‌آمده و نظرات کارشناسان و نتایج آنها پیرامون این اصول در جدول (۱) ارائه گردید.

جدول ۱: اصول تحول روان‌شناختی و نظرات کارشناسان پیرامون آنها

| نوع اصول                                | اصول تحول روان‌شناختی                    | نظرات کارشناسان | نمره CVI | تأیید یا رد |
|-----------------------------------------|------------------------------------------|-----------------|----------|-------------|
| الف) اصول حاکم بر روند تحول روان‌شناختی | ۱. تدریجی بودن                           | الف ب ب ب       | ۱        | تأیید       |
|                                         | ۲. مراتبی بودن                           | الف الف الف ب   | ۱        | تأیید       |
|                                         | ۳. سیر از ساده به پیچیده                 | ب الف ب الف     | ۱        | تأیید       |
|                                         | ۴. پیوستگی                               | الف ب ب ج       | ۰/۸۰     | تأیید       |
|                                         | ۵. تفاوت در آغاز و امتداد                | الف الف ب ب     | ۱        | تأیید       |
|                                         | ۶. وابستگی به بدن                        | الف الف الف ب   | ۱        | تأیید       |
|                                         | ۷. نقش مخاطرات                           | ب الف الف الف   | ۱        | تأیید       |
|                                         | ۸. الگومندی و قابل پیش‌بینی              | الف ب ب الف     | ۱        | تأیید       |
| ب) اصول حاکم بر جهات تحول روان‌شناختی   | ۹. دارای ابعاد متنوع                     | ب الف ب الف     | ۱        | تأیید       |
|                                         | ۱. مبدأ و مقصدی الهی                     | الف الف الف ب   | ۰/۸۰     | تأیید       |
|                                         | ۲. کمال‌محوری                            | ب ج ب الف       | ۰/۸۰     | تأیید       |
| ج) اصول حاکم بر میزان تحول روان‌شناختی  | ۳. همبستگی منفی با تحول بدنی             | الف الف الف ب   | ۱        | تأیید       |
|                                         | ۱. وجود تفاوت‌های فردی                   | الف الف الف ب   | ۱        | تأیید       |
|                                         | ۲. اختلاف سرعت میزان تحول در مراتب مختلف | الف ب الف ج     | ۰/۸۰     | تأیید       |

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از نظرات کارشناسان، همه اصول به‌دست‌آمده مورد تأیید کارشناسان قرار گرفته است؛ زیرا در صورتی که نمره CVI از ۷۹ درصد بالاتر باشد، میزان توافق و روایی محتوا مورد تأیید خواهد بود (حاجی‌زاده و اصغری، ۱۳۹۰). همان‌طور که در جدول (۱) قابل مشاهده است، کمترین نمره CVI از نظرات کارشناسان ۸۰ صدم بوده است.

## الف) اصول حاکم بر روند تحول روان‌شناختی

### ۱. تدریجی بودن

تحول روان‌شناختی تدریجی است؛ چراکه بر اساس حکمت متعالیه تحول نفس به‌صورت تدریجی است (صدرالمآلهین، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۱۹۴ و ۱۹۰). تبیین تحول تدریجی مبتنی بر قاعده حرکت جوهری اشدادی است که بر اساس این

قاعده، حرکت هر چیز از جمله نفس در جوهر ذاتش، به صورت تدریجی، اما بدون انقطاع روبه کمال است (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۳۱، ص ۳۶۱ و ۳۶۲). مقصود از حرکت جوهری و تغییر تدریجی در ضمن آن را این گونه می شود بیان کرد: مثلاً نطفه از هنگام تکون تا هنگام تبدیل شدنش به انسان در طول چهار ماه، واقعیتهایی است که کل آن در یک «آن» موجود نیست، بلکه کل آن در طول چهار ماه موجود است و در هر آنی مقطعی از آن یافت می شود غیر از مقطعی که قبل یا بعد از آن، «آن» یافت می شود، ولی هر مقطعی که یافت می شود از مقطعی که معدوم شده کامل تر است (عبودیت، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۴۹). معنای اشتداد در یک وجود به معنای ترتب آثار بیشتر نسبت به آنات قبلی است، پس هر چه آثار چیزی بیشتر باشد از وجودی قوی تر و کامل تری برخوردار است؛ بنابراین هر چه قوا و مراتب نفس بیشتر باشند، وجود نفس قوی تر و کامل تر است (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۳۲۰؛ عبودیت، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۲۲۶).

## ۲. مراتبی بودن

تحول روان شناختی دارای مراتبی است. از دیدگاه صدرالمآلهین نفس دارای مراتب وجودی است که به ترتیب از درجات پایین تر به سمت درجات شریف تر پیش می رود (صدرالمآلهین، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۲۲۳). وی برای نفس مراتبی چون: مرتبه طبیعی، نباتیه، حیوانیه و انسانیّه برمی شمارد (صدرالمآلهین، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۳۸). این مراتب حدوث و بقای آنها با ترتیب خاصی است؛ یعنی ابتدا مرتبه نباتی، سپس مرتبه حیوانی و نهایتاً مرتبه انسانی ظاهر خواهد شد (صدرالمآلهین، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۱۲۹). نفس حقیقی است دارای مراتب متغایر که مرتبه ذات، مرتبه اعلای آن است و قوای آن مراتب نازل تر آن اند، تا آنجا که بدن نیز مرتبه تجسم و تجسد آن، یعنی نازل ترین مرتبه اش است (عبودیت، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۲۵۴).

مراد از مرتبه دار بودن نفس این است که واقعیتهایی که با واژه «من» به آن اشاره می کنیم، در هر مرحله ای از مراحل بقای مراتب متکثری دارد که تفاوت آنها تشکیکی است و از همین رو جایز است هر مرتبه ای حکمی داشته باشد غیر از حکم مرتبه دیگر، بر این اساس ممکن است برخی از این مراتب جسمانی بوده، بقیایشان مشروط به وجود بدن باشد و برخی دیگر مجرد و روحانی باشد، بدون بدن نیز قابل بقا باشند (عبودیت، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۳۴۵). مراتب پایین تحول روان شناختی پایه برای مراتب بالاتر تحول می باشد؛ یعنی دستیابی به مراتب بالای تحول مشروط به گذر از مراتب پایین تر است؛ چرا که هر طبیعت نوعی تا شرایط نوع اخس که پایین تر از آن نوع است، استکمال نبخشد به نوع اشرف و تمام تر نمی پردازد؛ بنابراین طبیعتی که به حد نفس ناطقه رسیده، حتماً شرایط نباتیت و حیوانیت را به اتمام رسانده است (صدرالمآلهین، ۱۳۹۲، ج ۴، ص ۱۳۷ و ۱۳۸). مراتب وجودی مختلف نفس، در عین آنکه با یکدیگر متفاوت اند، کاملاً متباین نیستند، بلکه بین آنها رابطه طولی وجودی برقرار است، به گونه ای که پایان هر مرتبه وجودی بعینه آغاز مرتبه وجودی بالاتری است. بر این اساس وقتی سخن از خروج نفس از مرتبه تعلق به طبیعت و ورود آن به عالم تجرد می آید، نباید گمان کرد که نفس از عالمی خارج و به عالم کاملاً جدای دیگری وارد می شود، بلکه مقصود اصلی آن است که نفس به بالاترین مرتبه وجود طبیعی خود نائل می گردد و از آن پس، وجودش در اولین مرتبه از مراتب وجود تجردی قرار می گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۴۲۱-۴۲۲).

### ۳. سیر از ساده به پیچیده

سیر تحول روان‌شناختی از ساده به پیچیده است. همان‌گونه که در اصل دوم گذشت، مراتب نفس در حکمت متعالیه متناظر بر فرایند تحقق قوای نفس است که بر اساس اصل سوم، از ساده به پیچیده‌تر پیش می‌رود؛ چراکه نفس قوای خودش را با گونه‌ای تقدم و تأخر در زمان به کار می‌گیرد. بر اساس آن می‌توان گفت بعضی از قوای نفسانی زودتر و برخی دیرتر پدیدار می‌شوند. هر قوه نفسانی که مقدم است، به حسب زمان مرتبه وجودی پایین‌تری دارد؛ این بدان معناست که تقدم و تأخر به حسب زمان در پیدایش قوای نفسانی با تقدم و تأخر به حسب رتبه وجودی، نسبت معکوس دارد (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۵). برای نمونه مجموعه قوای نباتی از مجموعه قوای حیوانی زودتر پدید می‌آیند؛ پس قوای حیوانی از نظر وجودشناسانه بالاتر از قوای نباتی است. همچنین در میان قوای نفسانی ادراکی، قوه لامسه زودتر از قوه عقلی پدید می‌آید، بر این اساس رتبه وجودی قوه عقلی عالی‌تر از قوه لامسه است (جوادی آملی، ۱۳۹۹، ج ۳۲، ص ۱۱۳).

### ۴. پیوستگی

تحول روان‌شناختی به‌طور پیوسته است؛ چراکه نفس انسان حقیقتی دارد که دائم در حال تحول و تجدد است (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۲۴۷). تحولات نفس در یک نظام سیال واحد و تدریجی رخ می‌دهد (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۱۹۰؛ رضانژاد، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۰۳۰). بنابراین بین مراتب نفس، پیوستاری است که از یک سو به بدن و قوای آن ختم می‌شوند و از سوی دیگر، به بالاترین مرتبه مجرد وجود انسان، و در این میان مراتب واسطه‌ای یافت می‌شوند که هرچه به بدن نزدیک‌تر باشند، مادیت آنها قوی‌تر و تجردشان ضعیف‌تر است و هرچه به مراتب مجرد نزدیک‌تر باشند، مادیتشان ضعیف‌تر و تجردشان قوی‌تر است. به اصطلاح مراتب وجود انسان مشمول نوعی اتصال غیرجسمانی‌اند. پس نباید تصور کرد که در میان مراتب مادی و مجرد وجود انسان، مرز یا خلأی وجود دارد (عبودیت، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۳۰۸). بر این اساس می‌توان گفت مراتب نفس لایه‌های جداگانه چسبیده به هم نیستند، بلکه نفس یک حقیقت واحد دارای مراتب وجودی است و در هر مرتبه نفس عین آن مرتبه است. به عبارت دیگر، انسان سه مرحله جداگانه نباتی، حیوانی و انسانی نیست، بلکه حقیقت واحدی است که در سه مرحله خودش را نشان می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۹۹، ج ۳۲، ص ۸۷؛ ج ۳۳، ص ۳۳۳).

### ۵. تفاوت در آغاز و امتداد

از آنجاکه نفس از حیث حدوث و تصرف جسمانی و از جهت بقا و تعقل روحانی است، آغاز تحول روان‌شناختی جسمانی و امتداد آن روحانی است (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۳۴۷ و ۳۷۷). نفس در مراحل پیش از حدوث، جسمانی است؛ یعنی ابتدا واقعیتی جسمانی است و سپس با حرکت جوهری اشتدادی به واقعیتی مجرد و روحانی تبدیل می‌شود و به اصطلاح جسمانیة الحدوث و روحانیة البقا است (عبودیت، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۳۰۷). مراد از جسمانی بودن حدوث نفس این است که هر جسمی دارای آثاری ویژه خود می‌باشد و هر اثری را مبدائی است که در عین قوت مربوط به جسم

بوده، ولی عین جسم نیست و این قوت چیزی به جز نفس نمی‌باشد که از فیض الهی سرمنشأ گرفته و کینونیت سابق نفس بر بدن به همین معناست (رضائزاد، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۹۳۴ و ۹۹۸). نسبت نفس به عالم عقول محضه و ملکوت اعلی (عالم روحانیت) همانند نسبت بذر به میوه است؛ زیرا بذر عبارت از بذر بالفعل و میوه بالقوه، بذر مزبور بعد از تبدیل شدن به درخت یا گیاه، میوه و ثمره خواهد داد. بر این اساس نفس هم صورت هر قوه‌ای در این عالم و نیز ماده هر صورتی در عالم روحانیت می‌باشد. سرانجام شبیه به بذر باید مبدل به صوری عقلی گردیده و با طی مراتب استکمالی خود همچون بذر مبدل به میوه از قوه به فعل (عالم تجرد) گراید (رضائزاد، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۹۳۵).

بر اساس این اصل است که می‌توان مبحث اتحاد نفس و بدن را مطرح کرد. معنای اتحاد نفس و بدن این است که نفس و بدن مابین نیستند، نه اینکه متغایر نیستند؛ یعنی بدن از آن حیث که بدن است خود مرتبه‌ای از مراتب نفس، بلکه پایین‌ترین مرتبه آن است. بدن بماهو بدن، در مرتبه تجسم و تجسد همان نفس است (عبودیت، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۲۴۰).

#### ۶. وابستگی به بدن

تکامل تحول روان‌شناختی وابسته به بدن است، نوعی از اقسام تعلق یک شیء به شیء دیگر، تعلق از جهت به‌دست آوردن کمالات است که تعلق نفس به بدن از این نوع تعلق است. این نیاز و تعلق استکمالی نفس به بدن مانند تعلق و نیاز شخص صنعتگر به ابزار و آلات کار خویش است. این تعلق نفس به بدن از آن روست که نفوس در مبادی تکونشان خالی از کمالات‌اند و به‌دست آوردن این کمالات بالقوه نفس امکان ندارد، مگر با استفاده ابزاری نفس از بدن. قوای بدنی هم مختلف‌اند؛ برخی حرکتی مانند قوای شهوانی و غضبی و برخی مانند حواس ظاهری و باطنی ادراکی‌اند. بر اساس همین نیاز نفس به بدن، گفته شده است که اگر حس مفقود شود علم نیز مفقود خواهد شد (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۳۲۷ و ۳۲۸).

درواقع نفس از جهت تکامل و بالفعل شدن کمالات بالقوه‌اش (کمالات علمی و غیرعلمی) مشروط است به اینکه اندام‌های ادراکی و تحریکی بدن را به‌کار گیرد (عبودیت، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۲۸۳؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۲۰۵-۲۰۳)، اما ملاصدرا معتقد است نفس به‌طور مستقیم در اعضای بدن تصرف نمی‌کند، بلکه از طریق واسطه که مناسب با نفس و بدن است در اعضای بدن تصرف می‌کند، این واسطه جسم لطیف نورانی (روح) است که از طریق اعصاب مغز در اعضای بدن نفوذ پیدا کرده است (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۷۴).

#### ۷. نقش خروج تحول از مسیر طبیعی

فرایند تحول روان‌شناختی توسط عواملی در معرض خروج از مسیر طبیعی است. ملاصدرا معتقد است حرکت نفس بالذات در جهت تکامل است و هرگز به‌طور طبیعی به سمت جهتی که برای او مضر باشد توجه نخواهد کرد، مگر اینکه عاملی خارج از ذات نفس این حرکت روبه کمال نفس را تحت تأثیر قرار دهد (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۳۸). بنابراین در هر برهه از فرایند تحول انسان، امکان وقوع حوادثی است که مسیر طبیعی تحول را با مانع مواجه سازد و

تأثیر منفی روی روند طبیعی و تکامل تحول انسان گذارد. صدرالمতألهین معتقد است کمال نفس و سعادت آن به صدور افعالی است که نفس را در این مسیر قرار می‌دهد و این افعال صادر نمی‌شود، مگر اینکه بین قوای نفس و اخلاق متضاد حالت تعادل برقرار شود (صدرالمতألهین، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۱۲۵-۱۲۷). در مقابل، شقاوت اخروی نفس یا جنبه بدنی دارد مانند معاصی حسی شهویه و غضبیه، یا جنبه نفسانی دارد مانند حسد، ریا، انکار حق. این امور می‌توانند به‌عنوان مخاطراتی محسوب شوند که مانع سیر طبیعی تکاملی نفس می‌شوند (صدرالمতألهین، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۱۳۴).

از منظر ملاصدرا نفس برای اینکه روند طبیعی و تکاملی خود را طی کند، لازم است حقایق را درک کند، اما درک حقایق ممکن است در برخی افراد با موانعی روبه‌رو شود؛ از جمله ظلمت ذات نفس که با کثرت معاصی اتفاق می‌افتد و اعتقاد به آنچه مقبول مردم است از باب تقلید یا حسن ظن (صدرالمতألهین، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۱۳۶-۱۳۸؛ جوادی آملی، ۱۳۹۹، ج ۳۳، ص ۴۹۸).

## ۸. الگومندی و قابل پیش‌بینی

تحول روان‌شناختی دارای الگوی معین و قابل پیش‌بینی است. این اصل به این معناست که فرایند طبیعی تحول انسان الگویی قطعی و ازپیش تعیین‌شده دارد؛ چراکه بر اساس مبنای جسمانیة‌الحدوث و روحانیة‌البقا بودن نفس (صدرالمতألهین، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۳۴۷) می‌توان گفت نفس در مرتبه حدوث جسمانی است؛ یعنی ابتدا واقعیتی جسمانی است و سپس با حرکت جوهری اشتدادی به واقعیتی مجرد و روحانی تبدیل می‌شود (عبودیت، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۳۰۷)، و نفس در این سیر جسمانی تا روحانی مراتب طبیعی، نباتی، حیوانی و بشری را طی می‌کند (صدرالمতألهین، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۳۸).

از سوی دیگر مراتب مذکور نفس به ترتیب از مرتبه طبیعی آغاز و تا مرتبه بشری ادامه خواهد یافت؛ چراکه هر طبیعت نوعی از جمله نفس تا شرایط نوع اخس که پایین‌تر از آن نوع است، استکمال نبخشد به نوع اشرف و تمام‌تر نمی‌پردازد؛ بنابراین طبیعتی که به حد نفس ناطقه رسیده حتماً شرایط نباتیت و حیوانیت را به اتمام رسانده است (صدرالمতألهین، ۱۳۹۲، ج ۴، ص ۱۳۷ و ۱۳۸). مراتب وجودی مختلف نفس در عین آنکه با یکدیگر متفاوت‌اند، کاملاً متباین نیستند، بلکه بین آنها رابطه طولی وجودی برقرار است، به‌گونه‌ای که پایان هر مرتبه وجودی بعینه آغاز مرتبه وجودی بالاتری است (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۴۲۱ و ۴۲۲). بر این اساس می‌توان گفت تحول انسان از منظر حکمت متعالیه دارای الگوی معین و قابل پیش‌بینی است.

## ۹. دارای ابعاد متنوع

تحول روان‌شناختی دارای ابعاد متنوع است. تحول در انسان دارای جنبه‌های گوناگونی است که به‌تدریج در انسان حاصل خواهد شد. بعضی از آنها جنبه بدنی دارند، اما در بدن انسان به‌واسطه نفس ایجاد می‌شود؛ مثل خندیدن، گریه، و بعضی از جنبه‌های دیگر تحول انسان جنبه نفسی و عقلی دارند؛ مانند ترس، امید، خجالت کشیدن، ناراحتی، درک مفاهیم کلی و تفکر (صدرالمতألهین، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۸۲).

## (ب) اصول حاکم بر جهات تحول روان‌شناختی

### ۱. مبدأ و مقصدی الهی

مبدأ تحول روان‌شناختی از سوی حق تعالی و مقصد نیز به سوی اوست. حرکت همگانی موجودات از جمله نفس به سوی حق تعالی است (صدرالمതالہین، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۲۸۴)؛ این بدان معناست که بازگشت به همان مبدائی است که از آن صادر شده‌اند؛ یعنی حقیقت وجود همچون دایره است که از آغازش در بالاترین مرتبه به پایین‌ترین مرتبه سیر می‌کند و دوباره به بالاترین مرتبه باز می‌گردد (صدرالمതالہین، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۱۹۵). بنابراین در مورد صدور و رجوع موجودات دو اصل کلی به موازات یکدیگر در کار است: ۱. هیچ موجودی در عالم نیست، مگر اینکه از جانب خدا صادر شده است؛ ۲. هیچ موجودی در عالم نیست، مگر به جانب خدا باز خواهد گشت. هرچند دو اصل مذکور بر همه موجودات صادق است؛ اما نظام هستی دارای مراتب است و این مراتب بر نحوه صدور و رجوع موجودات تأثیر دارد؛ از این رو موجودات در نحوه صدورشان و رجوعشان با یکدیگر متفاوت‌اند. در جانب صعود موجودات هرچند همه به سوی حق تعالی در شتاب‌اند؛ اما هر موجود به حسب ظرفیت وجودی‌اش در مرتبه‌ای معین متوقف می‌ماند (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۳۱، ص ۳۶۳-۳۶۴).

یکی از مبانی در بحث نفس از منظر ملاصدرا، اتحاد مبدأ و مقصد حرکت اشتدادی نفس می‌باشد؛ یعنی سرانجام نفس به آنجا منتهی می‌شود که از آنجا آغاز کرده است و قوس صعود نفس به جایی منتهی می‌شود که مبدأ قوس نزول بوده است. بر اساس این مبنا می‌توان پذیرفت که نفوس انسانی از عالم عقول تنزل می‌کنند و سپس به همان عالم عروج می‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۲۲۸ و ۲۸۶). نفوس انسانی پیش از ظهور در عالم طبیعت، به وصف بساطت و وحدت در عالم عقول و متحد با مبدأ مجرد فاعلی خود موجودند. پس از حصول استعداد تام در ابدان، نفوس جزئی به مثابه صوری جسمانی و طبیعی از مبادی عالی افاضه گردیده و در عالم طبیعت حادث می‌گردند. به تدریج نفس انسانی با تصرف در بدن استکمال وجودی می‌یابد و بر اساس حرکت جوهری اشتدادی خود به مرحله تجرد مثالی؛ سپس به مرتبه تجرد عقلی دست می‌یابد و به این ترتیب نفس در قوس صعودی خود به مبدأ فاعلی‌اش برمی‌گردد (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۴۲۲ و ۴۲۳؛ عبودیت، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۳۱۶).

### ۲. کمال محوری

تحول روان‌شناختی رو به کمال است. از منظر حکمت متعالیه بر اساس حرکت جوهری، حرکت نفس در جوهر ذاتش روبه کمال است (صدرالمതالہین، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۲۴۹). هر طبیعتی از طبایع از جمله نفس انسان به نحو فطری به سوی غایت وجودی خویش در حرکت است (صدرالمതالہین، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۳۸؛ ج ۹، ص ۱۵۹). اگر گفته شود در صورتی که تمام نفوس به سمت کمال وجودی خود در حرکت‌اند حتی نفوس فاسقان، جاهلان و اراذل، پس وجه شقاوت اخروی چیست؟ صدرالمതالہین در پاسخ می‌گوید منشأ شقاوت نیز بخشی از کمال است؛ چراکه نفس اگرچه در این دنیا به اعمال قبیحه یا عقاید فاسد عادت کرده است؛ اما نفس بعد از خروج از دنیا و رفع حجاب‌ها به خاطر تبعیت از عادات پست دنیوی و عقاید فاسد عذاب خواهد شد، و این خود قرار گرفتن در مسیر کمال است (صدرالمതالہین، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۱۷-۱۸).

حرکت به ظاهر نزولی و تضعیفی تصویرپذیر است، اما با تحلیل دقیق مشخص می‌شود این حرکت محال است نزولی باشد. در مواردی که به نظر می‌رسد حرکت در جهت تضعف است، درواقع مواردی از حرکت بالعرض رخ داده است؛ زیرا نه‌تنها ممکن نیست کامل در جهت نقص حرکت کند، بلکه حتی محال است حرکت بی‌هیچ استکمال به‌گونه مساوی ادامه یابد. در مشاهدات روزمره در دفاع از وقوع حرکت نزولی معمولاً با نوعی خطا در استدلال همراه است؛ مثلاً وقتی سبب می‌پوسد و چندی بعد به خاک تبدیل می‌شود، تحلیل دقیق نشان می‌دهد در اینجا دو حرکت در کار است: یکی حرکت بالذات و دیگری حرکت بالعرض. حرکت بالذات مثلاً مربوط به کرم درون سبب می‌باشد که با جذب این ماده غذایی از نقص به سوی کمال در حرکت است، اما حرکت بالعرض پوسیدن تدریجی سبب است که با از دست دادن اجزایش از کمال به سوی نقص در حرکت است. پس هرچند حرکت‌های بالعرض در جهان طبیعت رخ می‌دهند؛ اما به موازات هر حرکت بالعرض باید دید کدام حرکت بالذات در جریان است که مسیر اصلی موجود جهان طبیعی را رقم می‌زند (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۳۱، ص ۳۶۱-۳۶۲؛ رضانزاد، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۸۷۴).

### ۳. همبستگی منفی با تحول بدنی

رابطه تحول بدنی و تحول روان‌شناختی تعاکس است. حالات بدنی انسان از کودکی تا موت تابع حالات نفس در قوه و فعلیت و شدت و ضعف است، اما به‌صورت معکوس؛ یعنی هرگاه قوه برای نفس به فعلیت برسد، برای بدن یک سستی و عجزی حاصل می‌شود، تا جایی که نفس به ذات خودش قائم است و بدن هلاک می‌شود؛ بنابراین ارتحال نفس موجب تخریب خانه (بدن) می‌شود، نه اینکه خرابی خانه موجب ارتحال نفس شود (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۵۱-۵۲).

## ج) اصول حاکم بر میزان تحول روان‌شناختی

### ۱. وجود تفاوت‌های فردی

میزان تحول روان‌شناختی همراه با تفاوت‌های فردی است. میزان تحول در ابعاد مختلف در افراد گوناگون متفاوت است، بر همین اساس نفوس انسانی به بر اساس میزان تحولی که می‌یابند، تفاوت عظیمی در کمال و نقص و شرافت و پستی پیدا می‌کنند. نفس قوی افعال بزرگی از آن صادر می‌شود و این به خاطر جامعیت در نشئات وجودی آن است و نفس ضعیف در مقابل نفس قوی است (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۸۶).

### ۲. اختلاف سرعت میزان تحول در مراتب مختلف

سرعت میزان تحول روان‌شناختی لازم در هر مرتبه به‌صورت یکنواخت نیست. صدرالمتألهین معتقد است نفس در فرایند تحول خود مراتب نباتی، حیوانی و بشری را طی می‌کند (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۳۸)، اما میزان تحول لازم در هر مرتبه از تحول نفس برای گذر از آن مرتبه و ورود به مرتبه دیگر، به‌صورت یکنواخت در هر مرتبه نیست، بلکه برخی از مراتب سریع‌تر و برخی از مراتب نیاز به زمان بیشتری دارند؛ چراکه مرتبه نباتی که مربوط به دوران جنینی است، حدود ۹ ماه زمان می‌برد، مرتبه حیوانی که مربوط به تولد تا اوایل بلوغ است، حدود ۱۵ سال زمان می‌برد و برای رسیدن به مرتبه انسانی تا حدود ۴۰ سالگی زمان لازم است (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۱۳۶-۱۳۷).

## نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی اصول تحول روان‌شناختی بر اساس حکمت متعالیه انجام گرفت. درحقیقت «اصول تحولی» به آن دسته از قواعدی اطلاق می‌شود که از آغاز باروری تا توقف تمامی مظاهر حیاتی فرد، چتر خویش را بر تغییرات تحولی گسترانده است (مصباح و دیگران، ۱۳۷۴، ص ۱۰۶). بر این اساس، روان‌شناسان تحولی با هر مکتبی در تبیین تحول انسانی به‌عنوان هدف عمده روان‌شناسی تحولی، فارغ از این اصول تحولی نخواهند بود و این اصول نقش مهمی در یافته‌های علمی پیرامون فرایند تحول روانی انسان دارند.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد، اصول تحول روان‌شناختی بر اساس حکمت متعالیه را می‌توان در سه دسته بیان کرد: دسته اول اصول حاکم بر روند تحول روان‌شناختی شامل تدریجی بودن، مراتبی بودن، سیر از ساده به پیچیده، پیوستگی، تفاوت در آغاز و امتداد، وابستگی به بدن، نقش مخاطرات، الگومندی و قابل پیش‌بینی، دارای ابعاد متنوع؛ دسته دوم اصول حاکم بر جهات تحول روان‌شناختی شامل مبدأ و مقصدی الهی، کمال‌محوری و همبستگی منفی با تحول بدنی؛ دسته سوم اصول حاکم بر میزان تحول روان‌شناختی شامل وجود تفاوت‌های فردی و اختلاف سرعت میزان تحول در مراتب مختلف. پذیرش اصول تحول روان‌شناختی مبتنی بر حکمت متعالیه، علاوه بر تغییر در نوع نگاه پژوهشگر به انسان، اهداف انسان، روش و منابع مطالعاتی، وی را در پژوهش‌های تحولی دگرگون ساخته و به تبع آن گستره، اهداف و روش دانش روان‌شناسی تحولی را نیز در قلمروهای گوناگون متأثر خواهد کرد؛ به‌عنوان نمونه، پذیرش دو اصل مبدأ و مقصدی الهی و تفاوت در آغاز و امتداد می‌تواند بر نگاه پژوهشگر به تحول روانی انسان تأثیر بگذارد و با پذیرش اینکه تحول روانی انسان محدود به حیات دنیوی نیست و در مقطعی روحانی است و همچنین غایت آن الهی است، لازم است پژوهشگر ابزار و روش‌های متناسبی برای مطالعه تحول روانی انسان برگزیند و به روش تجربی صرف اکتفا نکند؛ همچنین در تبیین تحول روانی انسان به محدوده‌ای تولد تا مرگ اکتفا نکند و به تبیین تحول پس از مرگ نیز بپردازد.

## منابع

- آذربایجانی، مسعود (۱۳۹۹). *فلسفه علم روان‌شناسی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار الفکر.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۴ق). *الشفاء (الهیات)*. قم: مکتبه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- باقری، خسرو (۱۳۸۷). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش.
- جعفری هرندی، رضا و دیگران (۱۳۸۷). تحلیل محتوا روشی پرکاربرد در مطالعات علوم اجتماعی، رفتاری و انسانی با تأکید بر تحلیل محتوای کتاب‌های درسی. *روش‌شناسی علوم انسانی*، ۵۵، ۵۸-۳۳.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *رحیق مختوم شرح حکمت متعالیه*. تحقیق و تدوین منصور شمس علیپور. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۹). *رحیق مختوم شرح حکمت متعالیه*. تحقیق و تدوین منصور شمس علیپور. قم: اسراء.
- حاجی‌زاده، ابراهیم و اصغری، محمد (۱۳۹۰). *روش‌ها و تحلیل‌های آماری با نگاه به روش تحقیق در علوم زیستی و بهداشتی*. تهران: جهاد دانشگاهی.
- حسینی‌زاده، سیدعلی (۱۳۹۰). *سیره تربیتی پیامبر و اهل‌بیت (نگرشی بر آموزش با تأکید بر آموزش دینی)*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حیدری، مجتبی و دیگران (۱۳۹۵). بررسی مراحل تحول مؤلفه عاطفی ایمان به خدا در کودکی و نوجوانی. *روان‌شناسی و دین*، ۹(۳۵)، ۲۸۵.
- رضانژاد، غلامحسین (۱۳۸۷). *مشاهد الاوهیه یا شرح کبیر بر شواهد الربوبیه صدرالمآلهین شیرازی*. قم: آیت اشراق.
- رضایی هفتادر، حسن و دیگران (۱۳۹۷). بررسی تحول روانی انسان از منظر معارف اسلامی با تأکید بر نهج‌البلاغه. *پژوهش‌نامه نهج‌البلاغه*، ۲۲(۲)، ۳۷-۱۹.
- رفیعی، بهروز (۱۳۸۱). *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*. تهران: سمت.
- سیف، سوسن و دیگران (۱۳۹۳). *روان‌شناسی رشد (۱)*. تهران: سمت.
- شاتو، ژان (۱۳۶۹). *مربیان بزرگ*. ترجمه غلامحسین شکوهی. تهران: دانشگاه تهران.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۹). نظام تحول روانی از تولد تا مرگ بر پایه منابع اسلامی. *روان‌شناسی فرهنگی*، ۴(۲)، ۱۳۴-۱۶۰.
- شکوهی، غلامحسین (۱۳۶۷). *تعلیم و تربیت و مراحل آن*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- صدرالمآلهین (۱۳۹۲). *حکمت متعالیه در اسفار عقلی اربعه (سفر چهارم از خلق به خلق)*. ترجمه محمد خواجه‌وی. تهران: مولی.
- صدرالمآلهین (۱۹۸۱م). *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عبدالسلام زهران، حامد (۱۹۷۱م). *قاموس علم النفس (دیکشنری روان‌شناسی)*. بیروت: عالم الکتب.
- عبودیت، عبدالرسول (۱۳۸۵). *درآمدی به نظام حکمت صدرائی*. تهران: سمت.
- عبودیت، عبدالرسول (۱۳۹۲). *درآمدی به نظام حکمت صدرایی*. تهران: سمت.
- علم‌الهدی، جمیل (۱۳۹۸). *نظریه اسلامی رشد انسان*. تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- عوده الریمانی، محمد (۱۴۳۲ق). *علم النفس العام*. بیروت: دار المیسره.
- فارابی، ابونصر (۱۴۰۵ق). *فصول متنتزعه*. تهران: الزهرا.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*. تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای. قم: دار الهجره.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۳۹ق). *المحجة البیضاء*. تهران: مکتبه الصدوق.
- قائمی مقدم، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۴). بررسی مراحل تحول بر اساس منابع اسلامی. *روان‌شناسی و دین*، ۸(۳۲)، ۴۲-۲۳.
- کاردان، علی محمد (۱۳۸۱). *سیر آرای تربیتی در غرب*. تهران: سمت.

- مشایخی، شهاب‌الدین (۱۳۸۱). اصول تربیت از دیدگاه اسلام. *روش‌شناسی علوم انسانی*، ۸ (۳۲)، ۳۵-۱۹.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰). *انسان‌شناسی در قرآن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). *آموزش فلسفه*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۳). *شرح جلد هشتم/الاسفار الاربعه*. تحقیق و نگارش محمد سعیدی مهر. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۵). *شرح جلد هشتم/اسفار اربعه*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح، علی و دیگران (۱۳۷۴). *روان‌شناسی رشد با تکرش به منابع اسلامی*. تهران: سمت.
- معین، محمد (۱۳۸۸). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: اشجع.
- منصور، محمود (۱۳۸۶). *روان‌شناسی ژنتیک*. تهران: سمت.
- مهرابی، امیرحمزه و دیگران (۱۳۹۰). معرفی روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد برای تحقیقات اسلامی. *مدیریت فرهنگ اسلامی*، ۹ (۲۳)، ۳۰-۵.
- نارویی نصرتی، رحیم و عبدی، حسن (۱۴۰۱). *علم النفس از دیدگاه اندیشمندان مسلمان*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- نراقی، محمدمهدی (۱۳۸۳ق). *جامع السعادت*. قم: اسماعیلیان.
- نوذری، محمود (۱۳۸۹). *بررسی تحول ایمان به خدا در دوره کودکی و نوجوانی و آغاز جوانی: رویکردی روان‌شناختی - دینی*. رساله دکتری روان‌شناسی. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- نوذری، محمود (۱۳۹۵). *رشد دین‌داری در اوان کودکی: رویکردی روان‌شناختی*. *روان‌شناسی و دین*، ۹ (۳۴)، ۲۶-۵.
- هوشیاری، محمدباقر (۱۳۳۱). *اصول آموزش و پرورش*. تهران: سینا.
- Good, Thomas L & Jere E, Brophy (1990). *Educational Psychology*. Longman: New York.
- Pratima, Kumari Mishra (2012). *Human Growth and Development - Developmental Psychology*, <https://ddceutkal.ac.in/Syllabus/MSW/PAPER-3.pdf>.
- Walker, Neil & Bobola, Fredrick (2017). *Developmental Psychology*. California: College of the Canyons Santa Clarita.

## The Family Flexibility Model Based on Quranic Verses and Narrations

✉ **Amir Mahdizadeh**  / PhD in Psychology, Al-Mustafa International University  
amirmahdizadeh200@gmail.com

**Mohammad Mehdi Safourayi Parizi** / Associate Professor at the Department of Psychology, Al-Mustafa International University  
m.msafurayi@gmail.com

**Hassan Taghian** / Assistant Professor at the Department of Psychology, Al-Mustafa International University  
taghian@gmail.com

**Received:** 2025/01/08 - **Accepted:** 2025/04/28

### Abstract

This qualitative content analysis aimed to design a family flexibility model based on Quranic verses and narrations. Sources included the Quran, exegeses (Tafsir), and hadiths; the research sample included purposively selected descriptive/explanatory propositions related to family flexibility. After extracting the content related to family resilience in the data analysis process, data were coded into four components, four domains, two poles, and two dimensions, forming a model. Content Validity Index (CVI) and Content Validity Ratio (CVR) were assessed by 25 experts. Findings showed: (a) the family flexibility model comprises four components, two dimensions, two poles, and four domains, identifying four family systems; (b) The Components include: Gentleness, Leniency, Companionship, Agreement; (c) The Dimensions are: 1. Non-mandatory customary/religious matters, 2. Mandatory religious matters; (d) the Poles are: 1. Flexible–Inflexible family, 2. Resistant–Compromising family; (e) Domains include: 1. Management/leadership, 2. Roles, 3. Rules, 4. Dialogues/negotiations; (f) Family systems: 1. Flexible-Resistant, 2. Flexible-Compromising, 3. Inflexible-Resistant, 4. Inflexible-Compromising.

**Keywords:** flexibility, family flexibility, model, pole, Islamic psychology.



## مدل انعطاف‌پذیری خانواده بر اساس آیات و روایات

amirmahdizadeh200@gmail.com

m\_safurayi@miu.ac.ir

taghian@ut.ac.ir

✉ امیر مهدیزاده / ID / دکترای روان‌شناسی جامعه المصطفی العالمیه

محمد مهدی صفورایی پاریزی / دانشیار گروه روان‌شناسی جامعه المصطفی العالمیه

حسن تقیان / استادیار گروه روان‌شناسی جامعه المصطفی العالمیه

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۸

### چکیده

پژوهش کنونی با هدف طراحی مدل انعطاف‌پذیری خانواده بر اساس آیات و روایات انجام شد. روش پژوهش تحلیل کیفی محتوای متون دینی بود. منابع پژوهش قرآن کریم، تفاسیر، روایات و نمونه پژوهش، شامل گزاره‌های توصیفی و تبیینی مرتبط با حوزه معنایی انعطاف‌پذیری خانواده در آیات و روایات بود، که به شکل هدفمند انتخاب شد. پس از استخراج محتوای مرتبط با انعطاف‌پذیری خانواده در فرایند تحلیل داده‌ها، در قالب چهار مؤلفه، چهار حیطه، دو قطب و دو بعد کدگذاری و در نهایت در قالب یک مدل صورت‌بندی شد؛ سپس برای بررسی روایی محتوایی مدل انعطاف‌پذیری خانواده، از شاخص روایی محتوایی (CVI) و ضریب نسبی روایی محتوایی (CVR) استفاده شد و به ۲۵ کارشناس ارجاع گردید. یافته‌ها نشان داد مدل انعطاف‌پذیری خانواده: الف) انعطاف‌پذیری خانواده بر اساس آیات و روایات، دارای چهار مؤلفه، دو بعد، دو قطب و چهار حیطه می‌باشد و قدرت تشخیص چهار نوع سیستم خانوادگی را دارد؛ ب) مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: نرمی، آسان‌گیری، همراهی و موافقت؛ ج) دو بعد عبارت‌اند از: ۱. بعد امور عرفی و شرعی غیرالزامی و ۲. بعد شرعی الزامی؛ د) دو قطب عبارت‌اند از: ۱. خانواده انعطاف‌پذیر - انعطاف‌ناپذیر و ۲. خانواده مقاوم - سازش‌کار؛ ه) حیطه‌ها عبارت‌اند از: ۱. مدیریت و رهبری؛ ۲. نقش‌ها؛ ۳. قوانین؛ ۴. گفت‌وگوها و مذاکرات؛ ه) چهار نوع سیستم خانوادگی عبارت‌اند از: ۱. خانواده انعطاف‌پذیر - مقاوم؛ ۲. خانواده انعطاف‌پذیر - سازش‌کار؛ ۳. خانواده انعطاف‌ناپذیر - مقاوم؛ ۴. خانواده انعطاف‌ناپذیر - سازش‌کار.

**کلیدواژه‌ها:** انعطاف‌پذیری، انعطاف‌پذیری خانواده، مدل، قطب، روان‌شناسی اسلامی.

امروزه خانواده‌ درمانگران یا مشاوران خانواده به ساختار خانواده (چگونگی تنظیم روابط و سلسله‌مراتب، سازمندی، چگونگی بقا و حفظ خود) و فرایندها (شیوه‌هایی که خانواده در خلال زمان رشد، سازگار یا تغییر می‌کند) توجه دارند (حبیبی و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۳۴۷). «انعطاف‌پذیری خانواده» به‌معنای توانایی نظام خانواده در پاسخ‌گویی به تغییرات در ساختار خانواده، نقش ارتباطات و قواعد ارتباطی در مقابل تنیدگی‌های موقعیتی و تحولی است (اولسون و گورال، ۱۹۹۹، ص ۵). درواقع «انعطاف‌پذیری خانواده» نوعی کیفیت و نحوه‌ ابراز رهبری و سازمندی، روابط نقش و اصول روابط و مذاکرات است (اسپرنگل و همکاران، ۲۰۱۴). روان‌شناسی در زمینه خانواده‌درمانی و ارزیابی خانواده از دوران اولیه خود که دوران ایده‌های بزرگ مانند شناخت‌شناسی، نظریه سیستم‌ها و سیبرنتیک بود، به انعطاف‌پذیری خانواده توجه نموده است؛ چندین رویکرد نظریه‌ای، مفاهیم مربوط به بعد انعطاف‌پذیری را به کار برده‌اند که خود نشان از اهمیت آن است. پارسونز و بالس (۱۹۵۵) از اصطلاح نقش‌ ایزاری، فرنچ و گودیرا (۱۹۷۴) از مفهوم ظرفیت برای تغییر قدرت در الگوهای خود استفاده نموده‌اند، که به مفهوم انعطاف‌پذیری نزدیک است. مفهوم نیرو و قدرت که کانتر و لهر (۱۹۷۵) ارائه کردند، خیلی به سازگارپذیری و انعطاف مرتبط است؛ همچنین مطالعات آزمایش ریس (۱۹۸۱) به شدت به الگویی که بر حل مشکل خانواده تأکید می‌کند، وابسته است. فاش کردن و در میان گذاشتن با دیگران در نظر وی به مفهوم انعطاف‌پذیری شبیه است. اپستین و دیگران (۱۹۹۳) به‌وسیله‌ الگو و مدل برتر نقش‌پذیری مفاهیمی که تناسب زیادی با بعد انعطاف‌پذیری دارند را به کار می‌برند. آنها در رویکرد ابعادی شش‌گانه مک‌مستر از مفاهیم کنترل رفتار، حل مشکل، نقش‌ها و وظایف برای بعد انعطاف‌پذیری استفاده می‌کنند. مفهوم حل مشکل لف و وکن (۱۹۸۵) ارتباط نزدیکی با انعطاف‌پذیری دارد. بیورز و همپسون (۱۹۹۰) واژه و اصطلاح سازگار با محیط را برای انعطاف‌پذیری به کار می‌برند. گاتمن (۱۹۹۴) مفهوم تقابل را که با انعطاف‌پذیری و تغییر ارتباط نزدیکی دارند، به کار برد. مشکل اساسی این نظریه‌ها، عدم توجه به انعطاف‌پذیری به‌عنوان مفهوم مستقل و فقدان مدل است. در میان نظریه‌های موجود، نظریه ساختاری مینوچین بیش از سایر نظریه‌ها درباره‌ خانواده و روش‌های نو برای مداخله در خانواده متمرکز گردید. رویکرد ساختاری در ارزیابی خانواده‌ها، توسط سالوادور مینوچین و دیگران شکل گرفت. ساختارگراها بر سه موضوع بنیادین در خانواده تأکید دارند که نگرش آنها به نظام خانواده به‌عنوان یک کل یکپارچه یکی از آنها به‌شمار می‌رود؛ دومین موضوع اساسی، تأثیر سلسله‌مراتب خانواده و سومی آن، کارکرد به‌هم‌پیوسته نظام‌های فرعی است. آنها بر این باورند که این سه موضوع تعیین‌کننده اصلی کیفیت زندگی و رضامندی اعضا است (گلدنبرگ، ۱۳۹۴، ص ۷۳). مینوچین معتقد است که تمام خانواده‌ها در یک نقطه از محوری قرار می‌گیرند که دو نهایت آن «مرزهای نامشخص، مبهم و آشفته» و «مرزهای خشک و انعطاف‌ناپذیر» است. برخی خانواده‌ها در دو انتهای آسیب‌زا و اکثر آنها در دامنه وسیع بهنجار «مرزهای روشن و منعطف» قرار دارند. درعین حال «خانواده‌های بهنجار» نیز زیر مظلومه‌های گسسته و تنیده را تجربه می‌کنند (مینوچین، ۱۹۷۴، ص ۸۱-۸۵). بر همین اساس خانواده به سه نوع خانواده‌های «بهنجار، تنیده و گسسته» تقسیم می‌شود (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۹۵، ص ۳۴۸).

الگوی مدور ترکیبی یکی از الگوهای جدید رفتاری خانواده است که دارای سه بعد انسجام، انعطاف‌پذیری و ارتباط است، و در سال ۱۹۷۹ به وسیله اولسون، اسپرنکل و راسل تدوین گردید (اولسون و همکاران، ۱۹۹۹). اولسون و دیگران در الگوی اولیه به چهار سطح از انعطاف‌پذیری اشاره نمودند که شامل سخت (انعطاف‌پذیری خیلی پایین)، ساخت‌یافته (انعطاف‌پذیری پایین روبه سوی متوسط)، انعطاف‌پذیر (انطباق‌پذیری متوسط روبه بالا)، بی‌نظم یا هرج و مرج (انعطاف‌پذیری خیلی زیاد) است. اولسون در سال ۲۰۰۶ در مقاله‌ای که با همکاری گورال منتشر ساخت، در سطوح انعطاف‌پذیری بازنگری و تغییر ایجاد نمود و آنها را به سه بعد انعطاف‌پذیری سفت و سخت (انعطاف‌ناپذیر)، متعادل (متوازن) و آشفته (انعطاف‌پذیری زیاد) تغییر داد (اولسون و گورال، ۲۰۰۶، ص ۵).

به‌طور کلی سابقه پژوهش را می‌توان به دو بخش الگوی انعطاف‌پذیری خانواده بر اساس منابع اسلامی و مطالعات خارج از ایران تقسیم کرد. درباره الگوی انعطاف‌پذیری خانواده، پژوهش‌هایی انجام شده است که بیشتر با مد نظر قرار دادن واژه «مدارا» به رشته تحریر درآمده‌اند. مقاله «کارکردها و فنون مدارا در زندگی اجتماعی» (حسین‌زاده، ۱۳۹۰)، مقاله «مؤلفه‌های الگوی مدارا با همسر از دیدگاه اسلام» (گنجور و دیگران، ۱۳۹۰) و همچنین مقاله «مدارا و نقش آن در تحکیم خانواده» (توحیدی‌نژاد، ۱۳۹۲) از این نوع هستند. عمادی (۱۳۹۳) نیز در پایان‌نامه خود به تبیین معیارها و شاخص‌های رفتاری رفق در روابط همسران از منظر قرآن و حدیث پرداخته است. پژوهش رضا خجسته‌مهر و دیگران با عنوان «آزمون مدل مدارا با رویکرد اسلامی در بافت زندگی زناشویی»، یکی از پژوهش‌هایی است که سال ۱۳۹۷ منتشر شد و دارای چهار عامل همدلی و پذیرش همسر، کنترل هیجانی و صبر و تحمل در برابر همسر، تسهیل فرایند رشد و شکوفایی همسر و نیز عامل احسان و گذشت نسبت به همسر است.

مطالعات خارج از ایران مربوط به دو پژوهش مینوچین (۱۹۷۴) و پژوهش اولسون (۱۹۷۹) است. مینوچین سه نوع «مرزهای نامشخص، مبهم و آشفته»، «مرزهای خشک و انعطاف‌ناپذیر» و «مرزهای روشن و منعطف» را در الگوی خود مطرح نموده است. اولسون نیز سه بعد انعطاف‌پذیری سفت و سخت (انعطاف‌ناپذیر)، متعادل (متوازن) و آشفته (انعطاف‌پذیری زیاد) را در الگوی پیشنهادی خود مطرح کرده است. در ارزیابی پیشینه موجود پژوهشی می‌توان گفت که در برخی از پژوهش‌ها اشکال مبانی عدم سازگاری با مبانی و آموزه‌های اسلامی در انعطاف‌پذیری خانواده نظیر مدل اولسون و مینوچین به قوت خود باقی است؛ همچنین هیچ‌یک از پژوهش‌های مذکور انعطاف‌پذیری خانواده بر اساس منابع دینی را به‌طور مستقل بررسی ننموده‌اند، بلکه به برخی از مفاهیم همسو مانند مدارا پرداخته‌اند. همان‌طور که اختصاص داشتن پژوهش‌ها به حوزه زوجین و نه خانواده، بررسی با رویکرد غیرروان‌شناختی نیز از مشکلات برخی دیگر است. از آنجایی که همه علوم، ریشه در مبانی و دیدگاه فلسفی دارند، می‌توان به‌جای تلاش برای تأیید یا اصلاح تئوری‌های موجود در علوم جدید که برخاسته از فلسفه و زمینه خاصی است، گزاره‌هایی را در انعطاف‌پذیری خانواده سامان داد که مبتنی بر جهان‌بینی و انسان‌شناسی اسلامی باشد و به‌طور مستقل و با رویکرد تأسیسی و نه تأییدی تئوری‌پردازی کرد و به‌بوته آزمون گذاشت (باقری، ۱۳۸۷، ص ۲۵۰). از این‌رو پژوهش کنونی با هدف توسعه مرزهای دانش دینی و جبران خلأ پژوهشی موجود، درصدد پاسخ به این سؤال است که مدل انعطاف‌پذیری خانواده بر اساس آیات و روایات چگونه است؟

## روش پژوهش

در این پژوهش، از روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی استفاده شده است. تحلیل کیفی محتوای متون دینی روشی است که با آن می‌توان به اطلاعاتی دست یافت که مبنای کشف پاسخ سؤالات پژوهش باشد. پایه و اساس روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی، معناشناسی زبانی است (شجاعی، ۱۳۹۹، ص ۱۳۴). معناشناسی زبانی مطالعه علمی معنا از طریق الفاظ است (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۲۴).

جهت اجرای پژوهش چهار مرحله طی گردید: در مرحله اول، مشاهده نظام‌مند صورت گرفت و محدوده اسنادی پژوهش مشخص شد. منابع مورد استفاده عبارت‌اند از: (۱) قرآن کریم؛ (۲) تفسیرها از جمله مجمع‌البیان، المیزان، التبیان، جوامع الجامع، البرهان، نور الثقلین، تفسیر قمی، الواضح، نمونه و الامثل؛ (۳) کتاب‌های معتبر شیعه از جمله اصول کافی، وسائل الشیعه، من لا یحضر الفقیه، الخصال؛ در مرحله دوم، غرقه شدن در محتوا با استفاده از اصول تبعی هشت‌گانه به‌ویژه تحلیل مؤلفه‌ای، حوزه واژگانی و هم‌ریخت‌بینی کل‌نگر به‌عنوان پرکاربردترین اصول صورت گرفت؛ در مرحله سوم، صورت‌بندی داده‌ها به‌منظور استخراج داده‌های روان‌شناختی از برداشت‌های اولیه انجام شد. برای صورت‌بندی داده‌ها از چهار گام اساسی استفاده شد: گام ۱. شکل‌گیری محتوای اساسی؛ گام ۲. استخراج و نام‌گذاری مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری خانواده، حیطه‌ها و ابعاد؛ گام ۳. پدیدآیی سازه‌ها؛ گام ۴. اعتبارسنجی با دو ملاک متقن بودن و مفید بودن. به‌منظور دستیابی به متقن بودن نتایج کیفی (معادل روایی در روش کمی)، از معیارهای اعتمادپذیری، اتکاپذیری و تأییدپذیری استفاده شد (شجاعی، ۱۳۹۹، به نقل از: لینکلن و گابا، ۱۹۸۵؛ تدلی و تشکری، ۲۰۰۹، ص ۳۱؛ کوپالا و سوزوکی، ۱۹۹۸؛ اشوانت، ۲۰۰۷). برای احراز معیار «اعتمادپذیری» (معادل روایی درونی در روش کمی)، نتایج به تیم پژوهش و تیم ناظر داده شد تا صحت و درستی نتایج به‌دست‌آمده را تأیید کنند و در صورت لزوم، اصلاحات انجام شود. برای دستیابی به معیار «اتکاپذیری» (معادل اعتبار)، تا جایی پژوهشگر به کارشناسان مراجعه نمود که پس از آن هیچ تغییری در الگوی مورد نظر حاصل نمی‌شد و به اشیاع نظری رسید و از ۲۵ کارشناس خواستیم تا مفاهیم، مؤلفه‌ها، ابعاد و الگوی نظری برگرفته از داده‌ها را تأیید کند؛ در مرحله چهارم نیز بازبینی نهایی صورت پذیرفت و در قالب گزارش ارائه گردید (شجاعی، ۱۳۹۹، ص ۱۳۴). برای اطمینان از معیار تأییدپذیری (معادل عینیت) نتایج، پژوهشگر کوشید تا پیش‌فرض‌های خود را در جمع‌آوری داده‌ها دخالت ندهد.

## یافته‌های پژوهش

پس از پالایش و غربالگری، پردازش شبکه‌ای به‌معنای تعیین موارد مرتبط به همدیگر که در یک حوزه واژگانی و معنایی بودند، انجام شد؛ سپس صورت‌بندی داده‌های مرتبط به انعطاف‌پذیری خانواده در چند بخش مؤلفه‌ها، حیطه‌ها، قطب‌ها و ابعاد انجام گردید و در پایان اعتبارسنجی با تأیید کارشناسان صورت گرفت.

در جدول (۱) یافته‌های پژوهش به تفکیک مؤلفه‌ها، ابعاد، قطب‌های هنجار - ناهنجار و پیامدهای هر کدام آمده است.

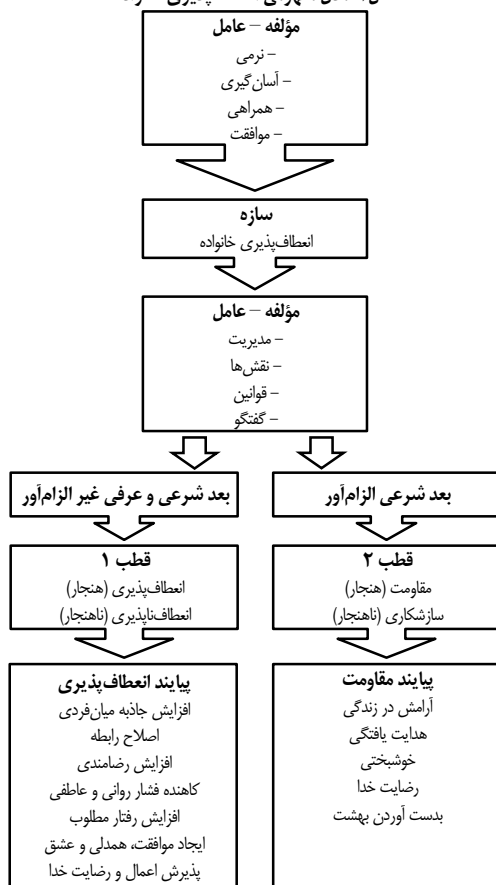
جدول ۱: مدل انعطاف‌پذیری خانواده به تفکیک مؤلفه‌ها، ابعاد، قطب‌ها، هنجار - ناهنجار و پیاپی‌ها

| مؤلفه‌ها                              | ابعاد                             | قطب‌ها         | هنجار -<br>ناهنجار | پیاپی‌ها                                                                                                                                                                                                                       |
|---------------------------------------|-----------------------------------|----------------|--------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| نرمی<br>آسان‌گیری<br>همراهی<br>موافقت | بعد امور عرفی و شرعی<br>غیرالزامی | انعطاف‌پذیری   | هنجار              | ایجاد جاذبهٔ میان‌فردی<br>اصلاح رابطهٔ زوجی و خانوادگی<br>به‌وجودآوردن مؤافقت، محبت و<br>همدلی<br>افزایندهٔ رضایت‌مندی خانوادگی<br>کاهندهٔ فشار روانی و عاطفی<br>افزایش رفتار مطلوب<br>سبب قبول اعمال، نماز و رضایت خدا        |
|                                       |                                   | قطب<br>۱       |                    |                                                                                                                                                                                                                                |
|                                       | بعد امور شرعی الزام آور           | انعطاف‌ناپذیری | ناهنجار            | از بین رفتن جاذبهٔ میان‌فردی<br>تخریب رابطهٔ زوجی و خانوادگی<br>به‌وجودآوردن اختلاف، تنفر و عدم همدلی<br>کاهندهٔ رضایت‌مندی خانوادگی<br>افزایندهٔ فشار روانی و عاطفی<br>کاهش رفتار مطلوب<br>سبب عدم قبول اعمال، نماز و خشم خدا |
|                                       |                                   | مقاومت         | هنجار              | آرامش روانی<br>خوشبختی<br>هدایت‌شوندگی<br>مشمول رضایت خدا<br>بهشتی شدن                                                                                                                                                         |
|                                       |                                   | سازش‌کاری      | ناهنجار            | عدم آرامش روانی<br>بدبختی<br>گمراه‌شوندگی<br>مشمول خشم خدا و عدم رضایت<br>جهنمی شدن                                                                                                                                            |
|                                       |                                   | قطب<br>۲       |                    |                                                                                                                                                                                                                                |

همان‌طور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، مدل انعطاف‌پذیری خانواده، دارای چهار مؤلفه در دو بعد: ۱. عرفی و شرعی غیرالزامی و ۲. شرعی الزامی است که در بعد عرفی و شرعی غیرالزامی قطب انعطاف‌پذیری - انعطاف‌ناپذیری وجود دارد و بعد شرعی الزامی دارای قطب مقاومت - سازش‌کاری است. انعطاف‌پذیری بخش بهنجار و انعطاف‌ناپذیری بخش نابهنجار بعد امور عرفی و شرعی غیرالزامی است؛ همان‌طور که مقاومت بخش بهنجار و سازش‌کاری بخش نابهنجار بعد دوم یا همان امور شرعی الزامی است. هریک از انواع خانوادهٔ بهنجار - نابهنجار نیز چهار شاخص دارد که در جدول به آن اشاره شده است.

با توجه به کدگذاری‌های صورت‌گرفته و تجزیه و تحلیل داده‌ها، می‌توان مدل انعطاف‌پذیری خانواده را به‌صورتی که در شکل (۱) آمده است، ترسیم کرد.

شکل ۱: مدل مفهومی انعطاف‌پذیری خانواده



یافته‌های پژوهش، چهار مؤلفه در انعطاف‌پذیری خانواده را نشان داد. اولین مؤلفه، نرمی است. در آیات و روایات متعددی موضوع نرمی مورد تأکید خداوند و اولیای دین بوده است و یکی از مؤلفه‌های اصلی و بنیادین انعطاف‌پذیری نیز به‌شمار می‌آید (مهدیزاده و دیگران، ۱۴۰۱). در روایتی از امام رضا<sup>علیه السلام</sup> به نقل از امام علی<sup>علیه السلام</sup> یکی از پنج ویژگی بهترین زنان را نرمی و لین برشمرده است (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۳۲۵؛ حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۲۰، ص ۲۹؛ صدوق، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۳۷۰). در روایت دیگری از امام صادق<sup>علیه السلام</sup> آمده است که: «خشونت داشتن و نرم نبودن با خانواده، عذاب قبر را به بار می‌آورد» (صدوق، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۰۹). درباره لین در آیات قرآن، خداوند نرمی و لین پیامبرش، حضرت محمد<sup>صلی الله علیه و آله</sup> با افراد را تأیید می‌کند و آن را رحمتی از ناحیه خود معرفی می‌نماید (آل عمران: ۱۵۹). علامه طباطبائی درباره این آیه معتقد است که به دلیل آنکه در آیات قبل خطاب متوجه عموم مسلمین بود، خطاب در اصل معنا درحقیقت باز به عموم مسلمین است (طباطبائی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۵۶؛ طبرسی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۸۶۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۷۴۶)؛ بنابراین اعضای خانواده را شامل می‌شود.

مؤلفه دوم، آسان‌گیری است. آسان‌گیری، کلید تلاوم روابط خانوادگی است. خانواده‌هایی که در برابر تغییرات انعطاف‌پذیرند، بهتر از پس مشکلات برمی‌آیند و با موقعیت‌هایی که می‌تواند موجب پیشرفت آنها شود، بهتر برخورد می‌کنند (بهزادی و سروقه، ۱۳۹۴؛ هارون رشیدی و کاظمیان مقدم، ۱۳۹۷). اسلام نیز آسان‌گیری (متقی هندی، ۱۴۳۱ق، ص ۴۶۵) را به‌ویژه در زندگی خانوادگی (نهج البلاغه، نامه ۲۱) مورد تأکید قرار داده است. آسان‌گیری در اسلام با واژه‌های «هون، یسر و سهل» هم‌آیند است (مه‌دیزاده و دیگران، ۱۴۰۱). در روایتی از امام صادق علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است که: «به فرزندانمان آسان بگیریم و از سخت‌گیری بر آنان بگذریم» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۵۰؛ حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۲۱، ص ۴۸۱). این روایت به‌خوبی نشانگر آن است که آسان‌گیری به‌عنوان یک شاخص مهم و مؤلفه بنیادین در رابطه والد - فرزندی است. خانواده انعطاف‌پذیر اگر آسان‌گیر نباشد، یکی از پایه‌های شکل‌دهنده انعطاف‌پذیری را از دست داده است. همچنین در روایتی از امام علی علیه السلام در توصیف بهترین زنان آمده است که یکی از آنها «هین» به‌معنای آسان‌گیر بودن است (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۳۲۵؛ حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۲۰، ص ۲۹). در برخی از روایات شاخص‌های همسرانی که آسان‌گیر نیستند، بیان شده است. در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله به شاخص «تکلیف بیش از حد توان» به‌عنوان یکی از مسائلی که منجر به رابطه سخت‌گیرانه می‌شود، مورد اشاره قرار گرفته است (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۴۲). همان‌گونه که در روایتی دیگر ضمن تأیید این شاخص، به آثار آن نیز پرداخته و نتیجه آن را عدم قبول حسنه از جانب پروردگار برای فرد سخت‌گیر و غضب الهی برشمرده است (طبرسی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۴۶۳).

همراهی مؤلفه سوم، انعطاف‌پذیری خانواده است. خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی به دلیل تعاملات گسترده، مستمر و هم‌روزه اعضای آن به همراهی بیشتر برای محقق کردن انعطاف‌پذیری نیاز دارد. در قرآن نیز به وجود همراهی در خانواده در سورة لقمان آیه ۱۵ اشاره شده است. همراهی در خانواده در روایات متعددی مورد تأکید واقع شده است، تا جایی که نشانه ایمان از نفاق و تمیزدهنده آن قرار گرفته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی می‌فرماید: «مؤمن به میل خانواده خود غذا می‌خورد، ولی منافق خانواده‌اش به میل او غذا می‌خورد» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۲). در روایتی دیگر از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: «همراهی و مدارا کردن احتمال رفتار نیک را افزایش می‌دهد» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۵۵۴). در روایت «خیر نساء» (بهترین زنان) امیرالمؤمنین علیه السلام سومین ویژگی را به همراهی همسر (الْمَوَاتِيَّة) در بخش‌های مختلف زندگی اختصاص داده‌اند (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۳۲۵؛ حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۲۰، ص ۲۹).

موافقت مؤلفه چهارم انعطاف‌پذیری خانواده به‌شمار می‌آید. در قرآن به موافقت و پذیرش در خانواده اشاره شده است. خداوند یکی از ویژگی‌های زنان صالح در آیه ۳۴ سورة نساء را «قانت» نام برده است، که در روایت ابی‌جارود معنای «قانتات» را پذیرنده و مطیع بیان کرده است (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۳۷). همان‌طور که در آیه ۵ سورة تحریم در داستان حفصه و عایشه هم یکی از ویژگی‌های همسران برتر را قانت بودن دانسته است، در لغت نیز به‌معنای پذیرندگی و اطاعت‌پذیری است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۶۸۵). همچنین طبق آیه ۳۵ سورة نساء بدون توافق و پذیرش شرایط یکدیگر زندگی زناشویی ممکن نیست و قهر، دشمنی و مخالفت ادامه‌دار خواهد شد (طباطبائی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۴۶).

در روایات نیز به مؤلفه موافق بودن و پذیرش در روابط خانوادگی توصیه زیادی شده است. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که شوهر در روابط خود با همسرش ناچار از رعایت سه چیز است که یکی از آنها توافق و پذیرش است، تا در پرتو آن سازش، پذیرش و محبت و علاقه زن را به‌دست آورد (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ص ۳۲۲). همان‌طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی همسر پذیرش‌گر را بافضیلت‌ترین و پرسودترین منفعت بعد از ایمان به خدا دانستند (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۱۷۲). در روایتی دیگر آمده است که انس و همدمی در سه چیز است که یکی از آنها همسر موافق و پذیرش‌گر است (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ص ۳۱۸). در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است که پنج خصلت است که هر کسی آن را ندارد، همیشه در زندگی کمبود (ناقص العیش) دارد و خردش و امانده (زایل العقل) و قلب و ذهنش درگیر (مشغول القلب) است، که یکی از آنها همسر موافق است (صدوق، ۱۳۷۷، ج ۱ ص ۲۸۴). همان‌گونه که امام علی علیه السلام در روایتی دارا بودن همسر موافق را یکی از آسایش‌ها و راحتی‌ها می‌دانند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۸۷).

بعد از تحلیل تفصیلی مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری خانواده از دیدگاه اسلام بر اساس آیات و روایات، مؤلفه‌های خانواده، استخراج، دسته‌بندی و محتوای آن تحلیل شد. به جهت کاهش خطای محقق در مراحل مذکور، با مراجعه به کارشناسان صحت برداشتها مورد بررسی قرار گرفت. در جدول (۲)، ضمن ارائه مؤلفه‌ها و مستندات آن، نظرات ۲۵ متخصص دین‌شناس روان‌شناس، جهت روایی انعکاس داده شده است.

جدول ۲: میزان ارتباط مستندات دینی مؤلفه‌ها از نظر کارشناسان

| CVR  | CVI  | تعداد کارشناسان موافق |       | تعداد کارشناسان مخالف |       |
|------|------|-----------------------|-------|-----------------------|-------|
|      |      | مطابقت                | ضرورت | مطابقت                | ضرورت |
| ۱    | ۱    | ۲۵                    | ۰     | ۰                     | ۰     |
| ۰/۹۰ | ۱    | ۲۵                    | ۰     | ۱                     | ۰     |
| ۱    | ۰/۸۸ | ۲۲                    | ۲     | ۰                     | ۰     |
| ۰/۸۴ | ۱    | ۲۵                    | ۰     | ۰                     | ۰     |

همان‌طور که پیداست، کارشناسان دلالت مستندات بر همه مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری خانواده را مورد تأیید قرار داده‌اند و از روایی محتوایی مطلوبی برخوردار است.

روان‌شناسان، نخستین گام در تشخیص و درمان و پیش‌آگهی و تحلیل راه، جست‌وجو در ابعاد و نشانگان می‌دانند (کاپلان و سادوک، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۳۵). موقعیت‌های گوناگونی که در خانواده برای سنجش انعطاف‌پذیری خانواده به وجود می‌آید، به چهار دسته کلی «مدیریت و رهبری»، «نقش‌ها»، «قوانین و قواعد حاکم بر روابط» و «گفت‌وگو و تبادل کلامی در روابط خانوادگی» تقسیم می‌شود. لذا این بخش اختصاص به آشنایی با حیطه‌های انعطاف‌پذیری خانواده بر اساس آیات و روایات پیدا کرده است.

مدیریت و رهبری یکی از حیطه‌های انعطاف‌پذیری خانواده است. خانواده به‌عنوان یک نهاد کوچک اجتماعی، ضروری است که مانند هر جمعی دیگر نیاز به مدیریت و رهبری دارد (روم: ۲۱). آیات و روایات به مدیریت و رهبری در خانواده اشاره نموده‌اند. مدیریت خانواده و مسئولیت‌های گوناگون آن در اسلام به‌عنوان امری خطیر در عرصه‌های

زندگی خانوادگی متوجه مرد است (نساء: ۳۴). همچنین مسئولیت اصلی مراقبت‌های دینی خانواده طبق آیه ۶ سوره تحریم بر عهده مرد نهاده شده است. در آیات و روایات دیگری نیز مسئولیت پیگیری و اجرای دستورات و اوامر الهی مانند نماز در خانواده و تربیت فرزند (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۲۲؛ ۱۳۷۷، ص ۵۶۸) را بر دوش مرد نهاده است (طه: ۱۳۲)؛ گرچه این مسئله نه مرد را از مشورت و بهره‌مندی از نظر اعضای خانواده بی‌نیاز می‌کند (آل عمران: ۱۵۹؛ بقره: ۲۳۳) و نه کاهنده مسئولیت برای زنان و فرزندان است (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷).

نقش‌ها که یکی دیگر از حیطه‌ها هستند، بیانگر چگونگی برخورد با وظایف سرپرستی و تقسیم کارهای خانه هستند (اولسون و اولسون، ۱۳۸۳، ص ۸۰). در بررسی اطلاعات ثبت‌شده از عوامل مهم طلاق، «غفلت از خانه و بچه‌ها» به‌عنوان دومین عامل جدایی است (قلی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۸۰). نقش‌ها در خانواده یکی از مسائل پراهمیتی است که آیات و روایات به آن پرداخته‌اند. در آیه ۳۴ سوره نساء به‌طور صریح اشاره به نقش نان‌آور بودن مرد به‌عنوان تأمین‌کننده نیازهای اقتصادی خانواده اشاره گردیده است و مرد را موظف به این نقش در قبال زن نموده است و به‌گونه‌ای تقسیم وظیفه برای مرد کرده است. در روایتی از امام صادق (ع) است که حضرت علی (ع) همیشه برای خانه هیزم و آب می‌آورد و فاطمه (ع) هم آرد و خمیر آماده می‌کرد و نان می‌پخت (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۸۶؛ حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۷، ص ۴۰). در روایت دیگری از امام علی (ع) آمده است که رسول خدا (ص) برای ایفای نقش‌ها در خانه، ثواب صابران، ثواب هزار شهید، هزار حج، آزاد کردن هزار بنده، صدقه به هزار نیازمند و بهشت بدون حساب، عبادت یک سال که روز آن روزه و شب آن به نماز ایستاده باشد، به او ارزانی می‌دارد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱، ص ۱۳۲). در روایت دیگری از آثار نحوه تقسیم متناسب مسئولیت بین زن و مرد آمده است که زن مانند گل جنسی لطیف دارد و به مرد توصیه شده است که کارهای سخت و خارج از توان زن به او سپرده نشود (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۵۵۶). همان‌طور که در روایت دیگری از زن خواسته شده است که در وظیفه و نقش تأمین معاش که طبق نظر اسلام به عهده مرد است، مراعات مرد را بنماید و بیش از توان به او فشار نیاورد (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۴۲). قوانین حیطه سوم در انعطاف‌پذیری خانواده است. در ساختار خانواده قوانین به معنای قواعد حاکم بر ساختار و کارکرد زندگی خانوادگی است که دربرگیرنده حقوق افراد، الزامات و تعهدات بین اعضای خانواده می‌باشد (مک کارتی و روزالیند، ۱۳۹۰، ص ۳۰۸). اسلام نیز مانند هر دین دیگر، متشکل از مجموعه‌ای از گزاره‌هاست که بخش مهمی از آن را باید‌ها و نبایدها به‌صورت قوانین الزامی حرام و واجب یا قوانین ترجیحی مکروه و مستحب در زمینه‌های فردی، اجتماعی، خانوادگی و جز آن تشکیل داده است (نساء: ۱۳ و ۱۴؛ بقره: ۲۲۹؛ طلاق: ۱؛ مجادله: ۲۲۴). در این میان باید‌ها و نبایدها یا همان قوانینی را اسلام در زندگی خانوادگی برای مراقبت از اعضا در خانواده و بالا بردن کارکردهای خانواده وضع نموده است (احزاب: ۳۲؛ بقره: ۲۲۹ و ۲۳۰؛ طلاق: ۱).

آیات بسیاری در قرآن (عنکبوت: ۸؛ لقمان: ۱۵؛ طه: ۱۳۲؛ نور: ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۵۹؛ نساء: ۴، ۳۴، ۳۵، ۱۹، ۱۲۹؛ بقره: ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۳۳؛ طلاق: ۶ و ۷) و نیز روایات (حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۲۰، ص ۱۹۸؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳،

ص ۴۳۷؛ کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۶۶۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۳۹) به قوانین حاکم در خانواده اشاره نموده‌اند که در اینجا برای نمونه به برخی از آنها اشاره می‌گردد. البته باید بدانیم که تنها قوانین الزام‌آور در آیات و روایات وجود ندارد، بلکه بسیاری از امور عرفی مانند مسئولیت بردن بچه‌ها به مدرسه، رعایت نظم و نظافت محیط خانه، زمان بیداری و خواب است که خانواده برای آن قوانینی وضع می‌کند، که در بسیاری از آنها، دین اسلام توصیه به انعطاف‌پذیری و سازگاری نموده است (لقمان: ۱۵؛ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۵۶؛ طبرسی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۴۶۳). در آیات بسیاری به حدود و مرزهای الهی یا همان قوانین در خانواده اشاره صریحی شده است. در سوره تحریم آیه ۶ خداوند مردان را الزام کرده که خود و خانواده‌شان را از آتش دوزخ دور کنند، که بدون شک منظور همان رعایت حلال و حرام می‌باشد که حدود الهی است. خداوند در آیه ۱۵ سوره لقمان و ۸ سوره عنکبوت فرموده است که: «اگر پدر و مادر تلاش کردند که فرزند شرک بورزد، نباید فرزند از والدین خود این موضوع را اطاعت کند و موظف به مقاومت است»؛ زیرا از حدود حساس الهی است (نساء: ۴۸)، اما در سایر امور عرفی و دنیایی فرزند باید با والدین همراهی نموده و انعطاف به خرج دهد. با اینکه اطاعت و احترام به والدین از حدود و قوانین الزامی الهی در خانواده است (نساء: ۳۶). از مواردی که خدا به‌صورت ویژه دستور به رعایت آن در خانواده می‌دهد، برپایی نماز توسط اعضای خانواده (طه: ۱۳۲)، رعایت عدالت حتی به قیمت ضرر اعضای خانواده (نساء: ۱۳۵) و امر به معروف و نهی از منکر (آل عمران، ۱۰۴، ۱۱۰، ۱۱۴؛ توبه: ۶۷، ۷۱، ۱۱۲) است.

گفت‌وگو و مذاکره یکی دیگر از حیطه‌های انعطاف‌پذیری خانواده است. گفت‌وگو و مذاکره به‌عنوان یکی از مسائل کلیدی برای انعطاف‌پذیری خانواده لازم است (اولسون و اولسون، ۱۳۸۳، ص ۲۳).

ایجاد گفت‌وگوی سالم، سهم عمده‌ای در میزان انعطاف‌پذیری یک خانواده دارد (آل عمران: ۱۵۹). خداوند در آیات (نساء: ۱۹) و پیشوایان دینی در روایات (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۵۶؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۱۵) به مصاحبت و معاشرت نیکو امر کرده‌اند، که گفت‌وگوی نیکو و سالم جزء جدایی‌ناپذیر آن است. امام علی علیه السلام در روایتی به مردان توصیه می‌نماید که گفت‌وگوی خوبی با همسران خود داشته باشند (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۵۶) و در جایی دیگر آن را به‌عنوان ابزار لازم برای زندگی زناشویی و خانوادگی می‌داند (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۱۵).

جدول ۳: میزان ارتباط مستندات دینی حیطه‌های انعطاف‌پذیری خانواده از نظر کارشناسان

| CVR  | CVI  | تعداد کارشناسان مخالف |        | تعداد کارشناسان موافق |        | حیطه                                  |
|------|------|-----------------------|--------|-----------------------|--------|---------------------------------------|
|      |      | ضرورت                 | مطابقت | ضرورت                 | مطابقت |                                       |
| ۱    | ۱    | ۰                     | ۰      | ۲۵                    | ۲۵     | مستندات دینی حیطه مدیریت و رهبری      |
| ۱    | ۰/۹۲ | ۰                     | ۲      | ۲۵                    | ۲۳     | مستندات دینی حیطه نقش‌ها              |
| ۱    | ۱    | ۰                     | ۰      | ۲۵                    | ۲۵     | مستندات دینی حیطه قوانین              |
| ۰/۹۰ | ۱    | ۱                     | ۰      | ۲۳                    | ۲۵     | مستندات دینی حیطه گفت‌وگوها و مذاکرات |

همان‌طور که پیداست، کارشناسان دلالت مستندات بر همه حیطه‌های انعطاف‌پذیری خانواده را مورد تأیید قرار داده‌اند و از روایی محتوایی مطلوبی برخوردار است.

یکی دیگر از بخش‌های مدل که از یافته‌های مهم این پژوهش به‌شمار می‌آید، قطب انعطاف‌پذیری - انعطاف‌ناپذیری و سازش‌کاری - مقاومت است. در یک بررسی کلی همان‌طور که در بخش مؤلفه‌ها و حیطه‌های انعطاف‌پذیری خانواده بیان شد، انعطاف‌پذیری در اسلام مورد تأیید است، اما انعطاف‌پذیری نیز مانند هر امر دیگری، حدّ و اندازهای دارد (پسندیده، ۱۳۹۱، ص ۲۱۲) و در هر جایی مجاز نیستیم. برای بررسی تفصیلی‌تر این مسئله به متن آیات و روایات مراجعه می‌کنیم. از طرفی آنچه تاکنون در زمینه انعطاف‌پذیری در اسلام بیان شد، همگی چه انعطاف‌پذیری به‌طور کلی و چه انعطاف‌پذیری خانواده را تأیید می‌کنند و از طرفی در برخی از آیات مقاومت کردن را توصیه می‌کنند. در آیه ۱۵ سورة لقمان و ۸ سورة عنکبوت، خداوند می‌فرماید که از والدینی که تو را به شرک ورزیدن دعوت می‌کنند، اطاعت نکن و در مقابل آنها انعطاف‌پذیری نداشته باش و مقاومت کن، و از طرفی در همان آیه ۱۵ سورة لقمان در ادامه می‌فرماید که در غیر از این مورد با پدر و مادر خود انعطاف‌پذیری به خرج بده و مصاحبت خوبی با آنها داشته باش. این آیه به‌خوبی به «انعطاف‌پذیری» در امور عرفی و شرعی غیرالزامی و «مقاومت» در امور شرعی الزام‌آور اشاره دارد، و هم جنبه انعطاف‌پذیری و هم جنبه مقاومت را هنجار می‌داند. آیه ۱۳۵ سورة نساء یکی دیگر از مواردی است که خدا دستور به مقاومت داده است؛ گرچه به نفع خانواده و خویشاوندان نباشد. خداوند در این آیه می‌فرماید: «رعایت عدل گرچه به ضرر والدین یا خویشاوندان هم باشد، باید صورت بگیرد». علامه طباطبائی در تفسیر *المیزان* معتقد است که کلمه «قسط» در آیه به‌معنای عدل است و قیام به قسط به‌معنای عمل به عدل و پافشاری بر آن است؛ پس مراد از «قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» «قیام‌کنندگان به قسط» است، البته قائمینی که قیامشان به قسط تام و کامل‌ترین و بدون هیچ انعطاف‌پذیری است (طباطبائی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۱۰۸). این آیه نیز به‌خوبی به «مقاومت» در مورد رعایت عدل اشاره دارد و برای انعطاف‌پذیری هیچ جایی را باز نمی‌کند. در جایی دیگر خدا به پیامبر درباره حرام کردن حلال‌ها تذکر می‌دهد و او را به یکی دیگر از مصادیق مقاومت توصیه می‌کند (تحریم: ۱). خداوند در سورة تحریم از رسولش می‌خواهد که به‌خاطر شاد کردن و رضایت همسران، حلالی را بر خود حرام ننماید و مقاومت و ایستادگی پیشه کند (طباطبائی، ۱۳۷۵، ج ۱۹، ص ۳۳۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۲۴، ص ۲۷۲؛ طبرسی، ۱۳۶۶، ج ۱۰، ص ۴۷۲). بنابراین آیه جایی که حلالی را بخواهیم بر خود یا دیگری حرام کنیم، از موارد «مقاومت» دانسته است، نه انعطاف‌پذیری. در آیه ۱۳۲ سورة طه نیز خداوند دستور به مقاومت در برابر برپایی نماز در خانواده می‌دهد و ضمن امر به معروف که خود مصداقی از مصادیق مقاومت است، توصیه به صبر در مداومت به آن نیز در شمار مصادیق مقاومت است؛ همچنین در آیه ۲۳ سورة توبه با صراحت آمده است که مؤمنان با پدران و برادرانی که کفر را بر ایمان مقدم بدانند، دوستی نکنند و آنان را به‌عنوان دوست، یار و یاور خود قرار ندهند. علامه طباطبائی باور دارد که این آیه از دوستی کفار نهی می‌کند؛ هرچند که کفار پدران و برادران مؤمنان باشند (طباطبائی، ۱۳۷۵، ج ۹، ص ۲۰۶). این آیه به‌روشنی بیان می‌کند که در دوستی کردن با کفار باید مقاومت کرد حتی اگر اعضای خانواده باشد و سازش‌کارانه برخورد کردن با خانواده در جایی که فرمان الهی زیر پا گذاشته شود، امری ناهنجار است. در روایات نیز به مقاومت کردن در خانواده پرداخته شده است (نهج البلاغه، نامه ۴۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۴۹؛ شعیری، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۵۸).

بنابراین انعطاف‌پذیری در امور عرفی و شرعی غیرالزامی مورد تأیید و بهنجار است و این نوع خانواده «انعطاف‌پذیر» خوانده می‌شود. در این‌گونه موارد، اگر اعضای خانواده انعطاف‌پذیری به خرج ندهند به آن خانواده، «انعطاف‌ناپذیر» گفته می‌شود. همان‌طور که انعطاف‌پذیری در امور شرعی الزامی به معنای انجام واجب و ترک حرام مورد تأیید شرع نبوده و بهنجار نیست، بلکه بر اساس آیات و روایات «مقاومت» بهنجار است و به آن خانواده‌ای که این حد و مرز را رعایت می‌نماید، خانواده «مقاوم» می‌گویند. بنابراین در این‌گونه از موارد اگر اعضای خانواده انعطاف‌پذیری داشته باشند، به آن خانواده «سازش‌کار» یا به تعبیر برخی از روایات و آیات «مُذاهِن» گفته می‌شود (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۵۵؛ قلم: ۹؛ واقعه: ۸۱).

جدول ۴: میزان ارتباط مستندات دینی قطب‌ها از نظر کارشناسان

| CVR  | CVI  | تعداد کارشناسان موافق |       | تعداد کارشناسان مخالف |       |
|------|------|-----------------------|-------|-----------------------|-------|
|      |      | مطابقت                | ضرورت | مطابقت                | ضرورت |
| ۰/۸۴ | ۰/۹۲ | ۲۴                    | ۲۳    | ۰                     | ۰     |
| ۱    | ۰/۸۸ | ۲۲                    | ۲۵    | ۲                     | ۰     |

همان‌طور که در جدول (۴) پیداست، کارشناسان دلالت و ارتباط مستندات دینی قطب‌ها را مورد تأیید قرار داده‌اند که از روایی محتوایی مطلوبی برخوردار است.

برخی از آیات و روایات به آثار و پیامدهای انعطاف‌پذیری خانواده اشاره نموده‌اند. یکی از پیامدهای انعطاف‌پذیری، جذبۀ میان‌فردی است (آل عمران: ۱۵۹). جذبۀ میان‌فردی به نگرشی اطلاق می‌شود که شخص درباره فرد دیگری دارد (سالاری فر، ۱۳۹۰، ص ۱۹۰). یکی دیگر از پیامدها، «افزایش رفتار مطلوب» است. در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است که انعطاف‌پذیری احتمال رفتار مطلوب اعضای خانواده را افزایش می‌دهد (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۵۵۴؛ ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۵۱۲). در روایت دیگری که از نظر مضمونی نزدیک به روایت بالاست، حضرت علی علیه السلام یکی دیگر از پیامدهای مهم انعطاف‌پذیری را رضایت از زندگی زوجی و با صفا شدن آن می‌داند (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۸۴). یکی دیگر از آثار راهبردی و مهم انعطاف‌پذیری خانواده، اصلاح رابطه است (نساء: ۳۵). از پیامدهای دیگری که در برخی از روایات به آن اشاره شده است، «ایجاد موافقت»، «جلب محبت» و سبب «همدلی» است که در روایتی از امام صادق علیه السلام هر سه پیامد آن آمده است (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ص ۳۲۲). در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است که انعطاف‌پذیری عامل کاهش فشار روانی و عاطفی و نیز رضایت زناشویی می‌گردد (صدوق، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۸۴، مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۱۸۶). در روایتی دیگر، نتیجه انعطاف‌پذیری را نشانه قبولی نماز، عمل و سبب رضایت پروردگار می‌داند (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۱۹؛ حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۵، ص ۲۶۹). که از آثار مهم و اخروی انعطاف‌پذیری خانواده به‌شمار می‌آید. در جدول (۵) پیامدهای انعطاف‌پذیری خانواده آمده است.

جدول ۵: میزان ارتباط مستندات دینی پیاپیهای انعطاف‌پذیری خانواده از نظر کارشناسان

| CVR  | CVI  | تعداد کارشناسان موافق |       | تعداد کارشناسان مخالف |       | پایند انعطاف‌پذیری خانواده         |
|------|------|-----------------------|-------|-----------------------|-------|------------------------------------|
|      |      | مطابقت                | ضرورت | مطابقت                | ضرورت |                                    |
| ۰/۸۴ | ۰/۹۲ | ۲۴                    | ۲۳    | ۰                     | ۰     | ایجاد جاذبه میان‌فردی              |
| ۱    | ۰/۸۸ | ۲۲                    | ۲۵    | ۲                     | ۰     | اصلاح رابطه زوجی و خانوادگی        |
| ۱    | ۱    | ۲۵                    | ۲۵    | ۰                     | ۰     | به‌وجودآورنده موافقت، محبت و همدلی |
| ۰/۸۴ | ۱    | ۲۵                    | ۲۳    | ۰                     | ۱     | افزاینده رضایت‌مندی خانوادگی       |
| ۱    | ۰/۸۸ | ۲۲                    | ۲۵    | ۲                     | ۰     | کاهنده فشار روانی و عاطفی          |
| ۰/۸۴ | ۱    | ۲۵                    | ۲۲    | ۰                     | ۰     | افزایش رفتار مطلوب                 |
| ۱    | ۱    | ۲۵                    | ۲۵    | ۰                     | ۰     | سبب قبولی اعمال، نماز و رضایت خدا  |

همان‌طور که در جدول (۵) آمده است، شاخص روایی محتوا (CVI) و شاخص نسبت روایی محتوا (CVR) در پیاپیهای انعطاف‌پذیری خانواده توسط کارشناسان تأیید شده و کاملاً مطلوب است.

برخی از آیات و روایات به آثار و پیاپیهای مقاومت خانواده اشاره نموده‌اند. از پیاپیهای مهم که در آیه ۶ سوره تحریم اشاره شده است، دوزخی نشدن، عدم شمول خشم الهی و رضایت خداوند است. سه اثر «آرامش روانی و ذهنی در زندگی» (رعد: ۲۸)، «عدم گمراهی و هدایت‌یافتگی» و «خوشبختی» (طه: ۱۲۳) از آثار و پیاپیهای مقاومت است (موسوی مقدم و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۷۷) که در قرآن به آن اشاره شده است. در جدول (۶) پیاپیهای مقاومت خانواده آمده است.

جدول ۶: میزان ارتباط مستندات دینی پیاپیهای مقاومت خانواده از نظر کارشناسان

| CVR  | CVI  | تعداد کارشناسان موافق |       | تعداد کارشناسان مخالف |       | پایند انعطاف‌پذیری خانواده |
|------|------|-----------------------|-------|-----------------------|-------|----------------------------|
|      |      | مطابقت                | ضرورت | مطابقت                | ضرورت |                            |
| ۱    | ۰/۹۲ | ۲۴                    | ۲۵    | ۰                     | ۰     | آرامش در زندگی             |
| ۱    | ۰/۸۸ | ۲۲                    | ۲۵    | ۲                     | ۰     | هدایت‌یافتگی               |
| ۱    | ۱    | ۲۵                    | ۲۵    | ۰                     | ۰     | خوشبختی                    |
| ۰/۹۰ | ۱    | ۲۵                    | ۲۳    | ۰                     | ۱     | رضایت خدا                  |
| ۱    | ۰/۸۸ | ۲۲                    | ۲۵    | ۲                     | ۰     | به‌دست آوردن بهشت          |

همان‌طور که در جدول (۶) آمده است، شاخص روایی محتوا (CVI) و شاخص نسبت روایی محتوا (CVR) در پیاپیهای مقاومت خانواده توسط کارشناسان تأیید شده و کاملاً مطلوب است.

## بحث و نتیجه‌گیری

از آنچه در بررسی تفصیلی مؤلفه‌ها، حیطه‌ها و مرزهای انعطاف‌پذیری و مقاومت خانواده گذشت، نتایج اساسی ذیل به‌دست می‌آید که در چند محور ارائه می‌شود:

اول: پژوهش حاضر با هدف طراحی مدل انعطاف‌پذیری خانواده بر اساس آیات و روایات انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که مدل انعطاف‌پذیری خانواده بر چهار مؤلفه «ترمی»، «آسان‌گیری»، «همراهی» و «موافقت» استوار است. این یافته با پژوهش عمادی (۱۳۹۳) همسو است. وی در پایان‌نامه خود رفق همسران را بررسی نموده

و به ۶ مؤلفه در موضوع همسران دست یافته است که در چهار مورد مشترک است؛ همچنین بر اساس یافته‌های پژوهش شجاعی (۱۳۹۳) واژه‌های رفق، لین، وفق، یسر و هون با انعطاف‌پذیری در ارتباط است که خود نشانگر آن است که انعطاف‌پذیری به‌طور کل و انعطاف‌پذیری خانواده نیز با این واژگان ارتباط کامل دارند؛ همان‌طور که یافته‌های مهدیزاده و دیگران (۱۴۰۱) نیز از این پژوهش حمایت می‌کنند.

دوم: حیطه‌های انعطاف‌پذیری خانواده بر اساس آیات و روایات، شامل چهار حیطه «مدیریت و رهبری»، «نقش‌ها»، «قوانین» و «مذاکرات و گفت‌وگوها» است؛ همان‌طور که برخی از پژوهشگران نیز در بررسی‌های خود این یافته را تأیید می‌کنند (پسندیده و عمادی، ۱۳۹۴، ص ۲۵). این یافته با پژوهش سالاری‌فر و دیگران (۱۳۹۲) همسو است. وی در خصوص ویژگی‌های خانواده سالم با روی آورد اسلامی، یکی از ابعاد مهم را ساختار توزیع قدرت در خانواده می‌داند که با حیطه مدیریت و رهبری در این پژوهش هماهنگی دارد؛ همان‌گونه که به حیطه نقش‌ها، قوانین و گفت‌وگوها نیز توجه نموده است.

سوم: دو بعدی که در انعطاف‌پذیری خانواده وجود دارد، بعد «امور عرفی و شرعی غیرالزامی» و بعد «امور شرعی الزام‌آور» است. این یافته با پژوهش هوشیاری (۱۴۰۱، ص ۲۱۱) همسو است.

چهارم: با وجود آنکه انعطاف‌پذیری خانواده در آیات و روایات بسیار مورد تأکید و «بهنجار» است، اما دارای حد و مرز است و اگر از حدود و مرزهای خود تجاوز کند، نه‌تنها مورد تأکید نیست؛ بلکه «نابهنجار» خواهد بود. در این خصوص آیاتی نظیر آیه ۶ سورة تحریم، ۸ سورة عنکبوت، ۱۵ لقمان، ۱۳۵ نساء در تأیید این یافته هستند و روایات (حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۲۸، ص ۳۹۲؛ کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۵۱۷؛ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۱۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۴۹) نیز با آن همراه‌اند.

پنجم: انعطاف‌پذیری خانواده در بخش بهنجار آن، شامل مواردی است که در امور عرفی و یا شرعی غیرالزام‌آور به‌معنای مستحب و مکروه باشد. از همین جا می‌توان خانواده‌ای را انعطاف‌پذیر دانست که در موضوع‌های عرفی و دینی کمتر حساس به‌معنای مکروه و مستحب انعطاف‌پذیری وجود دارد. به این شیوه که اغلب در حیطه رهبری تحت نظارت و مدیریت مرد به همراه مشورت با سایر اعضا است؛ در حیطه مذاکره و گفت‌وگو با احترام، به نرمی و آزادانه انجام می‌گیرد؛ در حیطه نقش، نقش‌ها در آن تقسیم شده، اما تا حدودی ثابت است؛ قانون هم متعادل و زمانی که نیاز به تغییر باشد، تغییر خواهد کرد و به‌طور کلی بر اساس نرمی و لین، آسان‌گیری، همراهی و پذیرش تعامل صورت می‌گیرد (خانواده بهنجار). این یافته با آیات و روایات همخوانی کامل دارد؛ همچنین با پژوهش هوشیاری (۱۴۰۱) همسو است. در این پژوهش انعطاف‌پذیری در مستحبات و مکروهات را مجاز دانسته است.

ششم: اگر اعضای خانواده در موضوع‌های عرفی و دینی کمتر حساس به‌معنای مکروه و مستحب که انعطاف‌پذیری در آنها «هنجار» است، انعطاف‌پذیر نباشند، خانواده‌ای «انعطاف‌ناپذیر» قلمداد می‌گردد و از این جهت طبق نظر اسلام، خانواده‌ای نابهنجار به‌شمار می‌آیند. در این‌گونه خانواده‌ها در موضوع‌های عرفی و دینی کمتر حساس (مکروه و مستحب) در حیطه‌های مدیریت خانواده و رهبری، نقش‌ها، قوانین و روابط و مذاکرات چندان بر اساس

نرمی و لین، آسان‌گیری، همراهی و پذیرش تعامل صورت نمی‌گیرد، بلکه تعامل اعضای سیستم با یکدیگر تا حدودی خشن، بر پایه سخت‌گیری، بدون اغماض و غیرپذیرش‌گرانه می‌باشد (خانواده نابهنجار). این یافته با پژوهش هوشیاری (۱۴۰۱) همسو است. در این پژوهش انعطاف‌ناپذیری در مستحبات و مکروهات را خلاف قرآن و اسلام دانسته است. آیات ۴۴ طه، ۱۵۹ آل عمران، ۱۵ لقمان، ۳۴ نساء و روایات متعددی (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۲؛ ج ۵، ص ۳۲۵؛ ج ۶، ص ۵۰؛ حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۲۰، ص ۱۱۷؛ ج ۲۱، ص ۴۸۱؛ طبرسی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۴۶۳؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۲۵؛ ج ۳، ص ۵۵۴؛ ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ص ۳۲۲) در تأیید این یافته آمده است.

هفتم: در امور شرعی الزام‌آور به‌معنای واجب و حرام آن چیزی که در اسلام بهنجار تلقی می‌گردد، «مقاومت» است. بنابراین باید خانواده‌ای را «مقاوم» دانست که در موضوع‌های دینی در حیطه‌های مدیریت خانواده و رهبری، نقش‌ها، قوانین و روابط و مذاکرات تعامل به شیوه‌ای است که اعضای سیستم تلاش می‌کنند تا سبب ترک واجب و انجام حرام نشوند و تعامل‌ها بر اساس سازش‌کاری نیست، بلکه بر پایه پافشاری و قاطعیت تعامل صورت می‌گیرد (خانواده بهنجار). این یافته با پژوهش پسندیده (۱۳۹۱) سازگار است. وی در بخشی از پژوهش خود درباره مرزهای مدارا و سازگاری با خانواده مطالبی را ارائه نموده است که با این یافته پژوهش همخوان است. آیات در تأیید این یافته فراوان‌اند که آیات ۵۵ مریم، ۱ تحریم، ۸ عنکبوت، ۲۳ توبه از جمله آنها به‌شمار می‌آیند؛ همان‌طور که روایات نیز در تأیید این موضوع کم نیستند (نهج البلاغه، نامه ۴۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۳۴۹؛ کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۵۱۷؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۱۵).

هشتم: اگر خانواده در امور شرعی الزام‌آور به‌معنای واجب و حرام که «مقاومت» در آنها «هنجار» است، مقاوم نباشد، خانواده‌ای «مداهن و سازش‌کار» قلمداد می‌گردد و از این جهت طبق نظر اسلام، خانواده‌ای نابهنجار به‌شمار می‌آیند. در این‌گونه خانواده‌ها در موضوع‌های دینی در حیطه مدیریت خانواده و رهبری، نقش‌ها، قوانین و روابط و مذاکرات تعامل بر اساس نرمی، آسان‌گیری، همراهی و پذیرشی است که سبب ترک واجب یا انجام حرام می‌شوند و تعامل‌ها بر اساس سازش‌کاری و سستی است؛ همان‌طور که آیه ۹ قلم و ۸۱ سوره واقعه از این یافته حمایت می‌کنند. نهم: از آنجاکه در هر خانواده‌ای هم امور عرفی و شرعی غیرالزامی وجود دارد که افراد می‌توانند انعطاف‌پذیری یا انعطاف‌ناپذیری را گزینش کنند و هم امور شرعی الزام‌آور وجود دارد که افراد اختیار آن را دارند که انعطاف‌پذیر یا انعطاف‌ناپذیر باشند، چهار نوع سیستم خانوادگی قابل شناسایی است: ۱. خانواده انعطاف‌پذیر - مقاوم؛ ۲. خانواده انعطاف‌پذیر - سازش‌کار؛ ۳. خانواده انعطاف‌ناپذیر - مقاوم؛ ۴. خانواده انعطاف‌ناپذیر - سازش‌کار.

نوع اول خانواده از نظر اسلام، بهنجارترین نوع خانواده است که در امور عرفی و شرعی غیرالزامی به‌درستی انعطاف‌پذیرند و در امور شرعی الزامی، مقاوم‌اند. نوع چهارم نابهنجارترین نوع خانواده در اسلام است که در امور عرفی و شرعی غیرالزامی انعطاف‌ناپذیرند و در امور شرعی الزامی، سازش‌کارند. نوع دوم خانواده در بعد انعطاف‌پذیری که نباید در امور عرفی و شرعی غیرالزامی است، به‌درستی انعطاف‌پذیر و بهنجارند، ولی در امور شرعی الزامی که نباید انعطاف‌پذیری داشته باشند، سازش‌کار و نابهنجارند. دقیقاً بر عکس خانواده نوع دوم، خانواده نوع سوم که در بعد

انعطاف‌پذیری که در امور عرفی و شرعی غیرالزامی است، باید انعطاف‌پذیر باشند، انعطاف‌پذیر و نابهنجارند، ولی در امور شرعی الزامی که نباید انعطاف‌پذیری داشته باشند، مقاوم و بهنجارند. تمامی پژوهش‌هایی که در تأیید محور پنجم، ششم، هفتم و هشتم مطرح شدند، با این محور نیز همسو هستند.

دهم: انعطاف‌پذیری خانواده دارای دو قطب انعطاف‌پذیری - انعطاف‌ناپذیری و مقاومت - سازش‌کاری است که میزان انعطاف‌پذیری در هر خانواده‌ای بر اساس این دو قطب ارزیابی می‌گردد. این موضوع یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های الگوی اسلامی با سایر الگوهاست. قطب انعطاف‌پذیری - انعطاف‌ناپذیری با پژوهش اولسون (۱۹۷۹) همسو است و البته پژوهش پسندیده (۱۳۹۱) با هر دو قطب همخوان است.

یازدهم: بر اساس آنچه که تاکنون درباره مؤلفه‌ها، حیطه‌ها، ابعاد و مرزهای انعطاف‌پذیری خانواده بیان شد، انعطاف‌پذیری خانواده در اسلام، کیفیت تعامل اعضای خانواده بر اساس نرمی، آسان‌گیری، همراهی، موافقت و پذیرش در حیطه‌های مدیریت خانواده و رهبری، نقش‌ها، قوانین و روابط و مذاکرات در دو بعد امور عرفی و شرعی غیرالزامی و بعد امور شرعی الزام‌آور است.

دوازدهم: به‌منظور بررسی روایی محتوایی مدل و برآورد میزان CVI و CVR، پرسش‌نامه در اختیار ۲۵ نفر از کارشناسان و اساتید حوزه و دانشگاه قرار گرفت. شاخص روایی محتوایی و ضریب نسبی روایی محتوایی برای بررسی نظر کارشناسان در مورد ارتباط بین مدل با انعطاف‌پذیری خانواده و ضرورت آن، نشان‌دهنده مناسب بودن همه اجزاء، ابعاد، قطب‌ها و مؤلفه‌های مدل بود.

جامعیت، بر پایه اسلام بودن، تطابق با شرایط بومی و فرهنگی - مذهبی ایران، ابعادی بودن، قطبی بودن، قدرت تشخیص سیستم‌های خانوادگی بیشتر و مؤلفه‌محوری از وجوه برتری الگوی انعطاف‌پذیری خانواده بر اساس آیات و روایات نسبت به قالب پیشنهادی رویکرد روان‌شناختی است.

## منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۸۲). تحف العقول. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

اولسون، دیوید، اچ امی کی، اولسون (۱۳۸۳). *توانمندسازی همسران*. ترجمه کامران جعفری نژاد و منصوره اردشیرزاده. تهران: سازمان بهزیستی کشور.

باقری، خسرو (۱۳۸۷). *هویت علم دینی*. تهران: طبع و نشر.

بهزادی، بهناز و سروق، سیروس (۱۳۹۴). رابطه انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده و سبک‌های هویت با نقش واسطه‌گری حالت فراشناختی در دانش‌آموزان دختر. *پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۱۰(۳۸)، ۷۴-۴۹.

پسندیده، عباس (۱۳۹۱). *رضایت زناشویی*. قم: دار الحدیث.

تیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). *غررالحکم و دررالکلم*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

توحیدی نژاد، علی (۱۳۹۲). مدارا و نقش آن در تحکیم خانواده. *حدیث حوزه*، ۴(۳)، ۱۱۲-۱۳۰.

حبیبی، مجتبی و دیگران (۱۳۹۸). بررسی روایی تفکیکی خرده‌مقیاس‌های انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده. *روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۲۵، ۷۵-۹۱.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۷). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.

حسین‌زاده، علی (۱۳۹۰). کارکردها و فنون مدارا در زندگی اجتماعی. *معرفت*، ۲۰(۱۶۰)، ۱۱۲-۹۷.

خجسته‌مهر، رضا و دیگران (۱۳۹۷). آزمون مدل مدارا با رویکرد اسلامی در بافت زندگی زناشویی. *روان‌شناسی خانواده*، ۵(۱)، ۷۰-۵۷.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۷). *المفردات فی غریب القرآن*. قم: صادق.

سادوک، بنجامین جیمز، سادوک، ویرجینیا آلکوت و روثیز، پدرو (۱۳۷۹). خلاصه روان‌پزشکی. ترجمه فرزین رضاعی. تهران: ارجمند.

سالاری فر، محمدرضا (۱۳۹۰). *روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

سالاری فر، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۲). مبانی و ساختار زوج‌درمانی اسلامی. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۷(۱۲)، ۶۸-۳۷.

شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۳). *ساختار شخصیت از دیدگاه اسلام در چارچوب رویکرد صفت*. پایان‌نامه دکتری گروه روان‌شناسی. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۹). روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی: مبانی نظری و مراحل اجرا. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۱۴(۲۷)، ۱۰۲-۱۲۳.

شعیری، محمد بن محمد (۱۳۶۶). *جامع الاخبار*. قم: رضی.

صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۷). *الخصال*. تهران: کتابچی.

صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لایحضره الفقیه*. قم: اسلامی.

صدوق، محمد بن علی (۱۴۲۰ق). *الامالی*. قم: بنیاد معارف اسلامی.

صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۹ق). *علل الشرایع*. نجف: المكتبة الحیدریة.

صفوی، کوروش (۱۳۸۷). *درآمدی بر معناشناسی*. قم: سوره مهر.

طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۵). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: اسماعیلیان.

طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۶۶). *مجمع البیان*. قم: مکتبه العلمیه.

طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰). *مکارم الأخلاق*. قم: شریف الرضی.

- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۴). تفسیر جوامع الجامع. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه الاعلمی.
- عمادی، عبدالله (۱۳۹۳). رفق در روابط همسران از منظر قرآن و حدیث و طراحی مقیاس آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه اخلاق کاربردی. قم: دانشگاه قرآن و حدیث.
- عمادی، عبدالله و پسندیده، عباس (۱۳۹۴). چپستی «رفق» در حیطه مسئولیت‌های خانواده از منظر حدیث و تعیین شاخص‌های زوج. کتاب و سنت، ۲(۷)، ۷-۳۴.
- قلی‌زاده، آذر و دیگران (۱۳۹۴). مطالعه کیفیت تجارب مردان و زنان طلاق گرفته از عوامل فرهنگی زمینه‌ساز طلاق. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۶(۵۷)، ۷۰-۸۵.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی. قم: دار الکتاب.
- کاپلان، هارولد، سادوک، بنجامین (۱۳۷۹). خلاصه روان‌پزشکی. ترجمه نصرت‌الله پورافکاری. تهران: شهرآب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵). الکافی. ترجمه محمدباقر کمرهای. قم: اسوه.
- گلدنبرگ، ایرنه، گلدنبرگ هربرت (۱۳۹۴). خانواده‌درمانی. ترجمه حسین شاهی و نقشبندی. تهران: روان.
- گلدنبرگ، هربرت و آیرین گلدنبرگ (۱۳۹۵). خانواده‌درمانی. ترجمه مهرداد فیروزبخت. تهران: رسا.
- گنجور، مهدی و دیگران (۱۳۹۰). مؤلفه‌های الگوی مدارا با همسر از دیدگاه اسلام. مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، ۱۳(۵۲)، ۵۵-۱۰۹.
- متقی هندی، حسام‌الدین (۱۴۳۱ق). کنز العمال. قم: دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مک کارتی، جین ریبنز و ادواردز، روزالیند (۱۳۹۰). مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده. ترجمه محمد مهدی لیبی. تهران: علم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹). الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب ع.
- موسوی مقدم، سیدمحمد و دیگران (۱۳۹۵). ارزیابی دیدگاه مفسران درباره معناشناسی «معیشت ضنک» در آیه ۱۲۴ طه. مطالعات تفسیری، ۷(۲۷)، ۶۷-۸۳.
- مهدیزاده، امیر و دیگران (۱۴۰۱). تحلیل مفهومی رفق از دیدگاه لغت‌شناسان، اندیشمندان اسلامی و منابع دینی، علوم حدیث، ۲۷(۱۰۵)، ۱۶۷-۱۹۳.
- مینوچین، سالوادور (۱۳۸۶). خانواده و خانواده‌درمانی. ترجمه باقر ثنایی. تهران: امیر کبیر.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت.
- هارون رشیدی، همایون و کاظمیان مقدم، کبری (۱۳۹۷). رابطه الگوهای ارتباطی، انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده با جرأت‌ورزی دانش‌آموزان دختر. فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، ۱۳(۴۴)، ۱۲۰-۱۴۱.
- هوشیاری، جعفر (۱۴۰۱). مرزهای خانواده در روان‌شناسی و قرآن کریم. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- Beavers, W. B. and Hampton, R. B. (1990). Successful Families: Assessment and Intervention Adaptability. *Family Process*, 20, 235-243.
- Beavers, W. R., and M.N. Voeller. (1983). Family Models: Comparing and Contrasting the Olson Circumplex Model and the Beavers Systems Model. *Family Process*, 22, 250-260.
- Deak, G. O. (2003). The development of cognitive flexibility and language abilities. *Advances in Child Development and Behavior*, 31, 271-327.
- Epstein, N., Bishop, D., Ryan, C., Miller, I. and Keitner, G. (1993). The McMaster Model: view of healthy family functioning. *Journal of Family Therapy*, 22, 168-189

- French, A. P., and B. J. Guidera (1974). The Family as a System in Four Dimensions: A Theoretical Model. Paper presented at the American Academy of Child Psychology, San Francisco.
- Gorall, D. M., Triesel, J. & Olson, D. H. (2006). FACES IV: Development and Validation. Family Process (In Press)
- Gottman, J. M. (1994). *Why Marriages Succeed or Fail*. New York: Basic Books.
- Gottman, J. M. (1979). *Marital Interaction*. New York: Basic Books.
- Leff, J., and C. Vaughn (1985). *Expressed Emotion in Families*. New York: Guilford Press.
- Kantor, D. and Lehr, W. (1975). *Inside the Family*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Olson, D. H., Sprenkle, D. H. & Russell, C. (1979). Circumplex model of marital and family systems: I. Cohesion and adaptability dimensions, family types, and clinical applications. *Family Process*, 18, 3-28.
- Olson, D. H., Russell, C. S. & Sprenkle, D. H. (1999). *Circumplex Model: Systemic assessment and treatment of families*. New York: Haworth Press.
- Olson, David H. & Dean M. Gorall. (2006). *FACES IV & the Circumplex Model*. New York: Haworth Press.
- Olson, Gorall DM, Tiesel. FACES IV manual: Administration manual. Minneapolis (2007). Family Studies Review Yearbook. Volume 2. New Delhi: Sage Publications.
- Parsons, T. and Bales, R. F. (1955). *Family Socialization and Interaction Process Instrumental role*. Glencoe, III. Free Press.
- Reiss, D. (1981). *The Family's Construction of Reality*. Cambridge, Mass: Harvard University Press.
- Sawyer, R. K. (2011). *Explaining creativity: The science of human innovation*. Oxford: Oxford University.
- Sprenkle D. H, Olson D, Russell C. S. (2014). *Circumplex model: Systemic assessment and treatment of families*. Abingdon: Routledge.
- Minuchin, S. (1974). *Families & family therapy*. Cambridge, Mass: Harvard University Press.

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0> 10.22034/ravanshenasi.2025.5001259 20.1001.1.20081782.1404.18.1.4.9

## Explaining the Approach and Inhibition (Encouragement and Punishment) Program Model Based on Islamic Sources for God-Oriented Spiritual Parenting

✉ **Mohammad Hossein Haghshenas**  / PhD Student of Psychology, Research Institute of Hawzah and University  
m.h.haghshenas2976@gmail.com

**Masoud Janbozorgi** / Professor at the Department of Psychology, Research Institute of Hawzah and University  
psychjan@gmail.com

**Mostafa Arabpour** / PhD Student of Psychology, Research Institute of Hawzah and University

**Received:** 2024/11/18 - **Accepted:** 2025/02/20

### Abstract

This qualitative content analysis study aimed to develop an approach and inhibition program (encouragement and punishment) model based on Islamic sources for God-oriented spiritual parenting. The semantic domain of parenting was extracted from lexicons and religious texts, supplemented with hadith sources. Using keywords and hadith resources, relevant analytical units were identified. For content validity, components and documentation were reviewed by three experts, confirming 100% alignment and necessity of categories. Results categorized the approach and inhibition model into four parts: the approach program comprises explicit and implicit reinforcement, while the inhibition program includes implicit and explicit discipline. Findings revealed the latent program of approach (encouragement) is to attract God's pleasure, and the latent program of inhibition (deterrence) is to repel divine wrath, applicable across all perceptual domains of origin, self, objective existence, and purpose.

**Keywords:** approach, encouragement, inhibition, punishment, God-oriented spiritual parenting.



## تبیین الگوی برنامه روی آوری و بازداری (تشویق و تنبیه) بر اساس منابع اسلامی برای والدگری معنوی خداسو

m.h.haghshenas2976@gmail.com  
psychjan@gmail.com

محمدحسین حق شناس  / دانشجوی دکتری روان شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
مسعود جان بزرگی / استاد گروه روان شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
مصطفی عرب پور / دانشجوی دکتری روان شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۸ - پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۲

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف دستیابی به الگوی برنامه روی آوری و بازداری (تشویق و تنبیه) بر اساس منابع اسلامی برای والدگری معنوی خداسو صورت گرفته است. این پژوهش از نوع کیفی و با روش تحلیل محتوا انجام شده است. برای رسیدن به این هدف حوزه معنایی والدگری بر اساس کتب لغت و متون دینی استخراج شد و علاوه بر آن از کتب حدیثی استفاده شد. با استفاده از واژگان و منابع حدیثی این حوزه واحدهای تحلیل مرتبط با موضوع مشخص شد. به منظور بررسی روایی محتوایی مؤلفه‌ها و مستندات مربوطه در اختیار ۳ نفر از کارشناسان قرار گرفت و نظر کارشناسان نیز بررسی و یافته‌ها نسبت به میزان مطابقت با مستندات و همچنین نسبت به میزان ضروری بودن مقوله‌ها با ۱۰۰٪ تأیید شد. طبق نتایج به دست آمده الگوی برنامه روی آوری و بازداری در چهار قسم تقسیم بندی شدند. برنامه روی آوری، دو قسم تقویت تصریحی و تقویت تلویحی و برنامه بازداری، دو قسم تأدیب تلویحی و تأدیب تصریحی را تشکیل می‌دهد. همچنین نتایج نشان داد که برنامه نهفته از روی آوری (ترغیب) جلب خشنودی خداوند و برنامه نهفته از بازداری (ترهیب) دفع غضب الهی است که می‌توان در تمام حوزه‌های ادراکی مبدأ، خود، هستی عینی و غایت به کار برد.

**کلیدواژه‌ها:** روی آوری، تشویق، بازداری، تنبیه، والدگری معنوی خداسو.

خانواده‌ها به‌طور مداوم در حال تغییر و سازگاری با گذشت زمان هستند. مشاوران خانواده بر این پویایی‌ها تمرکز می‌کنند و به چگونگی رشد، سازگاری یا تغییر خانواده‌ها توجه دارند. مشاوران آگاه به مسائل فرهنگی به‌خوبی می‌دانند که خانواده‌ها تحت تأثیر ارزش‌ها، باورها و سنت‌های فرهنگی خود هستند (Goldenberg et al, 2014)، و از طرف دیگر، تحولات عصر حاضر، روابط بین والدین و فرزندان را تحت‌الشعاع قرار داده و اساس رویارویی با چالش‌ها، ضرورت تغییر، تحول و یادگیری در نظام تربیتی را موجب شده است.

یادگیری، فرایندی پیچیده و چندوجهی است که اشکال گوناگونی دارد. یکی از تقسیم‌بندی‌های رایج در حوزه روان‌شناسی، دسته‌بندی انواع یادگیری بر اساس رفتار و پیامدهای خوشایند یا ناخوشایند آن است. این رویکرد، با تأکید بر نقش انگیزه‌ها در شکل‌دهی رفتار، به تبیین چگونگی اکتساب و تکرار یا اجتناب از رفتارها می‌پردازد. انسان، به‌عنوان موجودی نیازمند و در جست‌وجوی تعادل، همواره در تلاش برای رفع نیازهای خود و دستیابی به کمال است. این جست‌وجو، با احساس لذت در مواجهه با امور تعادل‌بخش و احساس رنج در مواجهه با امور برهم‌زننده تعادل، همراه است. بر این اساس، هرگاه انسان رفتاری را انجام دهد یا در موقعیتی قرار گیرد که با پیامدهای لذت‌بخش و تعادل‌آور همراه باشد، این تجربه را به خاطر می‌سپارد و در دفعات بعد نیز آن را تکرار می‌کند. در مقابل، اگر رفتار یا موقعیتی منجر به پیامدهای رنج‌آور و برهم‌زننده تعادل شود، این تجربه نیز در حافظه ثبت شده و فرد در مراحل بعد از آن پرهیز می‌کند. این دو سازوکار، که همان انگیزه‌های مثبت و منفی هستند، نقش اساسی در یادگیری و شکل‌دهی رفتار انسان ایفا می‌کنند. انگیزه‌های مثبت، فرد را به‌سوی رفتارهایی که منجر به پاداش و لذت می‌شوند، سوق می‌دهند و انگیزه‌های منفی، او را از رفتارهایی که منجر به درد و رنج می‌شوند، باز می‌دارند. به‌عبارت دیگر، یادگیری مبتنی بر پاداش و تنبیه، نوعی شرطی‌سازی است که در آن، رفتار فرد با پیامدهای آن مرتبط می‌شود. اگر رفتار با پاداش همراه باشد، احتمال تکرار آن افزایش می‌یابد و اگر با تنبیه همراه باشد، احتمال تکرار آن کاهش می‌یابد.

این نوع یادگیری، در بسیاری از جنبه‌های زندگی انسان، از یادگیری مهارت‌های حرکتی ساده تا یادگیری مفاهیم پیچیده، نقش دارد؛ برای مثال، فرزندی که برای انجام تکالیف خود تشویق می‌شود، احتمالاً در آینده نیز به انجام تکالیف خود ترغیب خواهد شد. در مقابل، فرزندی که برای اشتباهات خود تنبیه می‌شود، ممکن است از انجام تکالیف خود اجتناب کند. در نتیجه، یادگیری بر اساس رفتار و پیامدها، یکی از مهم‌ترین انواع یادگیری است که نقش اساسی در شکل‌دهی رفتار انسان ایفا می‌کند. این نوع یادگیری، با تأکید بر نقش انگیزه‌های مثبت و منفی، به تبیین چگونگی اکتساب و تکرار یا اجتناب از رفتارها می‌پردازد. در بحث یادگیری، تنبیه‌ها به کاهش رفتار ناهنجار می‌انجامد و تشویق‌ها، به‌صورت تقویت‌کننده عمل می‌شود (اتکینسون و دیگران، ۱۳۶۷، ص ۳۹۸). البته تشویق و تنبیه در سبک والدگری معنوی خداسو، همانند روان‌شناسی رفتاری عمل نمی‌کند؛ چراکه آن تقویت و تنبیه در روان‌شناسی رفتاری به نوعی به شرطی شدن رفتار و اجبار ختم می‌شود، بدون اینکه برنامه‌ای نظام‌مندی را دنبال نماید.

والدگری معنوی خداسو سبکی است بین طرفین؛ یعنی والدین (پدر و مادر) و فرزند که متناسب با دوره‌های تحول فرزند، تعاملی عاقلانه و معنوی برقرار می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۲)، به‌طوری‌که با معنوی‌سازی تعامل، سطح تعالی در فرزند در هر دوره از تحول بالاتر می‌رود. این تعامل با هدف دستیابی مشترک (پدر و مادر) برای تربیت نسل توحیدی انجام می‌گیرد (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۲۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸، ص ۲۳۶، ح ۶۷). مکانیزم رسیدن به این هدف بر اساس تعاملات عقلانی - عاطفی و رفتاری خداسو؛ یعنی در چارچوب ایمانی راسخ به مبدأ و معاد، و ارتقای شایستگی‌های والدین در راستای والدگری، با عمل صالح فراهم می‌شود که سبب نگهداری و حفظ تعادل از زمان تولد (انفطار: ۷) یا زمینه‌ساز تعادل و تعالی فرزند(ان) است و حتی می‌تواند بر نسل‌های پس از خود نیز اثرگذار باشد. این تعاملات در صورتی می‌توانند ویژگی تعادل جویی و تعالی‌خواهی فرزند(ان) را مهیا سازند که بر اصول خاصی استوار باشد و آن مبتنی بر مسئولیت‌های الهی است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۲۲ ح ۳۲۱۴؛ ۱۴۱۶ق، ص ۵۶۸، ح ۱) که بر عهده والدین می‌باشد (نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۴۵۹، ح ۲۰؛ سجستانی ازدی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۳۰، ح ۲۹۲۸). درحقیقت والدگری معنوی خداسو، شیوه‌ای معنویت‌محور برای جلوگیری از ایجاد مشکلات روان‌شناختی در روابط و تعامل بین والدین و فرزند است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۲۸۱؛ متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۶۱) که کنش هسته‌ای نظام روان‌شناختی والدگری، فعال‌سازی نظام تشخیص‌گر درونی (عقل طبیعی) و خودنظم‌جویی است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۶، ح ۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸، ص ۲۹۹، ح ۱) تا از این مسیر، نظام جامع ادراکی (حوزه‌های مبدأ، غایت و هستی عینی ادراک‌شده و حوزه ادراکی خود) فرزند(ان) به‌صورت پنداشت شکل بگیرد. این پژوهش به دنبال این است که با روش ترغیب (تشویق) و ترهیب (تنبيه) برنامه نهفته در روی‌آوری و بازداری در تمام حوزه‌های ادراکی را بررسی و نتایج آن را تبیین نماید و لازم است در هر حوزه ادراکی ویژگی‌های مخصوص به آن و علت ویژگی‌ها را بیان نماییم تا به برنامه نهفته در ترغیب و ترهیب نائل شد.

رشد شناختی - عاطفی و سلامت روانی، به خانواده و محیط بستگی دارد؛ چراکه خانواده و سبک‌های تربیتی والدین، تعاملات بعدی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌عنوان نمونه استفاده از تنبیه بدنی به‌عنوان راهبردی برای تربیت کودکان، والدین را با نارضایتی مواجه کرده است (Larzelere, 2023) یا پاداش شامل فرایندی است که با دادن تقویت در قالب پاداش انجام می‌شود، که طبیعتاً رفتار مثبتی بروز کند. به‌عبارتی با اهدای جوایز از کودکان انتظار می‌رود که کیفیت دستاوردهای خود را در آینده حفظ کرده و حتی بهبود بخشند (Saputri & Widyasari, 2022)، که اینها از قوانین سرچشمه گرفته است.

بایدها و نبایدها و قوانین، پاره‌ای از نیازهای ثانوی هستند (صدیق اورعی، ۱۳۸۶، ص ۲۲). نیازمندی به قانون، از نیازمندی به زندگی اجتماعی و در عین حال همیشگی سرچشمه می‌گیرد و بشر هیچ زمانی بی‌نیاز از قانون نخواهد بود (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۶۷)، و اجرای روش درست از تنبیه و تشویق باعث تغییر، اصلاح و رشد فرزند می‌گردد (Julie, Ma, 2022).

با تنبيه انتظار می‌رود که کودک از اشتباهاتی که مرتکب شده است، آگاه شود تا کاری را که در آینده انجام می‌دهد را در نظر بگیرد. تنبيه برای جلوگیری از شرایط ناخوشایند با اصلاح یا به حداقل رساندن رفتار نامطلوب انجام می‌شود و اعطای پاداش، به‌عنوان یک محرک مثبت، می‌تواند نقش مهمی در شکل‌دهی رفتار و تقویت یادگیری فرزندان ایفا کند و برای تلاش آنها احساس ارزشمندی می‌کند که می‌تواند جایگاه آنها را بالا ببرد (Saputri & Widyasari, 2022). مسئله‌ای که اینجا با آن مواجه هستیم، این است که دیدگاه ادبیات دین از تنبيه و تشويق چگونه است؟ ادبیات دین چه نوع برنامه‌ای را برای روی آوری و بازداري در والدگری معنوی خداسو مطرح می‌کند؟ چه نوع شناخت و درکی از تنبيه و تشويق برای فرزند مورد توجه است که باید از سوی والدین به آنها انتقال داده شود؟ پرسش از ماهیت برنامه تشويق و تنبيه و چگونگی برقراری نسبت معقول و معنادار میان آن و عمل مثبت و منفی، در زمره پرسش‌های کلیدی و بنیادین است. ضرورت طرح این پرسش‌ها به‌اندازه‌ای است که بدون پاسخ‌گویی صحیح به آن، امکان برقراری والدگری معنوی خداسو و ورود فرزند به عمل معنوی و پیشروی در آن وجود ندارد؛ چون فرزند تا برنامه نظام‌مند در پشت ترغیب‌ها و ترهیب‌ها را آگاهی پیدا نکند و تا وقتی درک صحیحی از آنها وجود نداشته باشد، عمل معنوی که از فرزند مورد انتظار است، نمی‌تواند به شکل کاملی رخ دهد. هر نیتی از سوی عامل به‌مثابه آیین‌های است که نوع جهت‌گیری انتخابی او در آن به‌خوبی منعکس است. بنابراین در احادیث پیشوایان دین، این موضوع مورد بحث قرار گرفته و بدان پاسخ گفته شده است. در منابع اسلامی می‌توان شناخت‌هایی از ترغیب و ترهیب را یافت که به‌صورت جداگانه بخشی از مفهوم تشويق و تنبيه را معرفی می‌نماید که ممکن است درک و بیان آن به‌صورت جزئی و مستقل مفید نباشد. آنچه اینجا مهم است، اینکه با بررسی‌هایی که شد، برنامه نهفته از روی آوری (تشويق) و بازداري (تنبيه) که از لقمان علیه السلام به فرزندش بیان داشته است، در متن والدگری معنوی خداسو قرار می‌گیرد و معرفی می‌گردد و برای همان برنامه، الگوی روی آوری و بازداري تبیین می‌شود. از این رو پژوهش حاضر به دنبال «تبیین الگوی برنامه روی آوری و بازداري بر اساس منابع اسلامی برای والدگری معنوی خداسو» می‌باشد.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر در دو مرحله انجام شده است: مرحله اول، تدوین الگوی برنامه روی آوری و بازداري (تشويق و تنبيه) بر اساس منابع اسلامی برای والدگری معنوی خداسو؛ مرحله دوم، بررسی روایی محتوای الگو. در ادامه روش کار در هر مرحله توضیح داده شده است.

## مرحله اول: تدوین الگوی برنامه روی آوری و بازداري

روش پژوهش حاضر به‌صورت کیفی و بر مبنای شیوه گردآوری اطلاعات بوده است و به‌منظور تحلیل الگوی برنامه روی آوری و بازداري (تشويق و تنبيه) بر اساس منابع اسلامی برای والدگری معنوی خداسو، از جملات توصیفی – تبیینی موجود در متون اسلامی (قرآن و حدیث) با روش تحلیل محتوا استفاده گردید (عباسی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۶). در این پژوهش، هر دو محتوای آشکار و پنهان متون مورد بررسی قرار گرفتند، و تحلیل متون گزینش‌شده با رویکرد

تحلیل کیفی داده‌ها انجام شد (Drisko & Maschi, 2016, p6)؛ زیرا تحلیل داده‌ها به شمارش واحدهای تحلیل و مقولات ختم نشد، بلکه به منظور استنباط برنامه روی‌آوری و بازداری، جملات بررسی و مقوله‌بندی شدند.

**جامعه اسناد و گزینش نمونه:** جملات توصیفی و تبیینی موجود در آیات قرآن کریم و روایات به عنوان واحدهای تحلیل مرتبط با موضوع، جامعه اسناد را در این پژوهش تشکیل داده‌اند (بابی، ۲۰۱۱، ص ۳۵۸). جملات انتخاب‌شده در متون دینی در پژوهش حاضر، دارای ارتباط با موضوع بودند (سرمد، ۱۳۸۵، ص ۱۳۳). نحوه این ارتباط استفاده از واژه‌های تبشیر، ترغیب، اجر، وعده، تحریض و تحسین برای برنامه روی‌آوری و واژه‌های تعریض، عقاب، ترهیب، انذار، وعید و تحذیر برای برنامه بازداری بوده است که بررسی و استفاده شدند. اطلاعات و داده‌های اولیه از مطالعه دقیق منابع و متون روایی مرتبط با موضوع از جمله نرم‌افزار جامع‌الاحادیث و جامع‌التفاسیر جمع‌آوری و استخراج گردید. در مرحله اول مفهوم ترغیب (تشویق) و ترهیب (تنبیه) مورد مطالعه قرار گرفته است؛ در مرحله دوم مفاهیم و واژگان مرتبط در متون دینی مورد بررسی و تبیین قرار گرفته و به منابع معتبر همچون تفسیر *المیزان*، مجمع‌البیان و کتاب‌های درمان چندبعدی معنوی و شخصیت و مقالات مرتبط مراجعه شده است، و در پایان بر اساس مفهوم ترغیب و ترهیب و واژگان متناظر آنها، برنامه روی‌آوری و بازداری برای والدگری معنوی خداسو، بنابر متون دینی (قرآن و حدیث) استخراج و استنباط شد.

**روش تجزیه و تحلیل داده‌ها:** در این پژوهش، محتوای آشکار و پنهان متون اسلامی (قرآن و حدیث) تجزیه و تحلیل شدند. این کار نه با روش شمارش داده‌ها، بلکه با رویکرد تحلیل کیفی داده‌ها صورت پذیرفت. برای تحلیل کیفی داده‌ها از شیوه مقوله‌بندی (Babbie, 2011) استفاده شد. این کار طبق نظر سرمد و دیگران (۱۳۸۰، ص ۲۰۷) به واسطه سه فعالیت انجام شد: ۱. تشخیص داده‌ها؛ ۲. عرضه داده‌ها؛ ۳. نتیجه‌گیری.

### مرحله دوم: بررسی روایی محتوایی الگو

روایی محتوایی الگوی برنامه روی‌آوری و بازداری (تشویق و تنبیه) بر اساس منابع اسلامی برای والدگری معنوی خداسو، به واسطه اظهار نظر کارشناسان مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور، اجزا و ساختار الگو در یک فرم مشخصات به کارشناسانی ارائه شد که در این باره آگاهی لازم را داشتند. جامعه آماری این بخش از پژوهش، کارشناسانی بودند که در رشته روان‌شناسی و مرتبط با آن تحصیل کرده بودند؛ به عنوان نمونه آماری، از اظهار نظر سه کارشناس استفاده شد که به طور غیرتصادفی انتخاب شدند. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه نمونه در این گام، در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه نمونه در بررسی روایی محتوایی الگو (n=۳)

| ویژگی                | n | %   |
|----------------------|---|-----|
| سطح تحصیلات حوزوی    | ۳ | ۱۰۰ |
| سطح تحصیلات دانشگاهی | ۳ | ۱۰۰ |
| مهارت‌های خاص        | ۳ | ۱۰۰ |
| رشته تحصیلی دانشگاهی | ۳ | ۱۰۰ |
| رشته تحصیلی حوزوی    | ۳ | ۱۰۰ |

چنان که در جدول (۱) مشخص شده است، کارشناسان با فهم روان‌شناختی متون دینی ( $n=3$ ) آشنا بودند. برای جمع‌آوری دیدگاه‌های کارشناسان، از فرم مشخصات استفاده شد که طبق نظر سیف (۱۳۹۰، ص ۱۷۱)، محتوای موضوع و ابعاد مختلف در آن به‌خوبی منعکس می‌شود. در این فرم، نظر کارشناسان درباره میزان ضرورت و مناسب بودن هر مؤلفه برای برنامه روی آوری و بازداري برای والدگری معنوی خداسو، ارائه شده و میزان قابلیت اجرای هریک از آنها، سؤال شد. در نهایت، برای تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط با نظر کارشناسان، از دو ضریب «نسبت روایی محتوا» (CVR) (Shultz et al, 2014) و «شاخص روایی محتوا» (CVI) (Polit, 2006) استفاده شد.

### یافته‌های پژوهش

#### مرحله اول: الگوی برنامه روی آوری و بازداري برای والدگری معنوی خداسو

تشويق و تنبيه در لسان قرآن بیشتر با عنوان بشارت و انذار از آنها یاد شده، و دو اصل اساسی تربیت و از لایه‌های بنیادین آن می‌باشد.

تشويق از شوق است و شوق به‌معنای تعلق و وابستگی چیزی به چیز دیگر، یا میل نفس به چیزی (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق) و یا برانگیختن و تحریک میل است (فراهیدی، ۱۴۱۴ق)، و در اصطلاح تعلیم و تربیت تشويق به پس از عمل تعلق می‌گیرد (باقری، ۱۳۸۵، ص ۱۷۰) و روان‌شناسان تربیتی بیشتر از آن به‌عنوان تقویت و پاداش سخن می‌گویند (سیف، ۱۳۶۸؛ شعاری‌نژاد، ۱۳۸۷؛ سانتراک، ۱۳۸۵). اما مسئله این است که در قرآن از واژه تشويق و ریشه آن استفاده نشده، ولی از تبشیر و ترغیب و ریشه آنها به‌کار رفته است و لازم به ذکر است که در والدگری معنوی خداسو به این دلیل که تشويق از کاربردهای روان‌شناسی رفتاری است و به نوعی اجبار و به شرطی شدن رفتار ختم می‌شود، از ترغیب به‌جای تشويق به‌کارگیری خواهد شد. ترغیب از رغبه مشتق شده و به‌معنای میل و اشتیاق است؛ از این‌رو ترغیب عبارت از ایجاد میل و رغبت نسبت به چیزی در یک یا چند فرد است (انیس و دیگران، ۱۴۰۸ق). رغب دارای دو اصل طلب چیزی و وسعت در شیء است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق). رغب به‌معنای حرص، طمع، درخواست و طلب است (طریحی، ۱۳۶۷)؛ درحالی‌که در شوق تنها برانگیختن و تحریک میل است و در آن طرحی برای وسعت رفتار دیده نشده است. رغب به‌معنای توسعه در چیزی و به‌معنای این است که اقتضای علاقه‌مندی شدید در آن وجود دارد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۵؛ قلم: ۳۲). ترغیب در متون دینی عبارت از ایجاد میل و رغبت در فرد، برای انجام اوامر و دستورهای خداوند بزرگ است (حسینی‌زاده، ۱۳۹۷، ص ۱۳۲) و ترغیب بیشتر در اثر دخالت عامل درونی و تشويق بیشتر در اثر عامل بیرونی ایجاد می‌شود (حسن‌زاده و مهدی‌نژاد گرجی، ۱۳۹۱، ص ۲۱).

تنبيه از ریشه نبه و دارای دو معنای متضاد است. به هر چیز موجود و یا گمشده هر دو نبه می‌گویند و تنبيه به‌معنای بیداری از خواب و غفلت است (ابن‌فارس، ۱۳۸۷؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق). واژه تنبيه و حتی از ریشه آن در قرآن به‌کار نرفته است؛ گرچه از واژه هجر و ضرب برای تنبيه به‌کار رفته است (نساء: ۳۴). تنبيه در اصطلاح روان‌شناسی

به سه معنا به کار رفته است: الف) به معنای عام حذف پاسخ مثبت از ارگانسیم؛ ب) ارائه پاسخ منفی به ارگانسیم (سیف، ۱۳۶۸، ص ۲۴۶-۲۴۷)؛ ج) به معنای اخص تنبیه بدنی (حسینی‌زاده، ۱۳۷۷). مراد از تنبیه در این پژوهش معنای عام تنبیه است که شیوه‌های تنبیه‌ها را مانند تغافل، تهدید، اخراج، جریمه و... را دربر می‌گیرد. تهریب از رُهبه مشتق شده است. رُهبه به معنای خوف و ترس (ابن فارس، ۱۳۸۷) و یا ترسی است که همراه با اضطراب و احتیاط باشد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۵). تهریب عبارت از ایجاد خوف و ترس در فرد نسبت به ارتکاب اعمال ناشایست است، اعم از حرام و مکروه (داودی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۳-۱۶۴) نسبت به چیزی در یک یا چند فرد (انیس و دیگران، ۱۴۰۸ق).

### برنامه روی‌آوری و بازداری

برنامه روی‌آوری از ترغیب و برنامه بازداری از تهریب به دست می‌آید. بر اساس ادبیات دین، برنامه نهفته در روی‌آوری، جلب خشنودی خداوند و برنامه نهفته در بازداری، دفع غضب الهی است. چنانچه در روایتی حضرت لقمان علیه السلام به فرزندش این برنامه را سفارش می‌کند و می‌فرماید: «پسر! تو را به شش ویژگی تشویق می‌کنم که هریک از آنها به تتهای تو را به رضوان و خشنودی خداوند عز و جل نزدیک، و از خشمش دور می‌سازد» (کراچکی طرابلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۶۴؛ دیلمی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۵۴). بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که برنامه نهفته در ترغیب‌ها و تهریب‌ها، جلب خشنودی پروردگار و دفع غضب الهی است. از این رو بر والدین لازم است طوری عمل نمایند که فرزندان چنین برنامه‌ای را در مسیر زندگی رصد کنند. بر اساس دو روایت از حضرت لقمان علیه السلام به فرزندش، می‌توان برنامه جلب خشنودی و دفع غضب الهی را در تمام حوزه‌های ادراکی دنبال و بر طبق آن عمل نمود، که لازم است در هر حوزه ادراکی ویژگی‌های مخصوص به آن و علت ویژگی‌ها را بیان نماییم تا به برنامه نهفته در ترغیب و تهریب که همان جلب خشنودی خداوند و دفع غضب الهی است، نائل شد.

در حوزه ادراکی مبدأ باید دو ویژگی شریک قرار ندادن برای خداوند و تولی و تبری در راه خداوند را توجه نمود. با این هدف که چون انسان چه در دنیای موقتی و چه در آخرت دائمی، نیازمند و فقیر درگاه الهی است، عملش باید برای اطاعت از خداوند متعال باشد.

در حوزه ادراکی خود، باید ویژگی کنترل هوا و هوس را در اعمالی که دارد، رعایت نماید. این گونه که عملش به دور از ارتکاب گناه باشد؛ چراکه انسان طاقت مقاومت در برابر آتش را ندارد، و با عملش نافرمانی خداوند متعال را نمی‌کند؛ چراکه نمی‌تواند در مکانی عملی را مرتکب شود که خداوند نظاره‌گر نباشد.

در حوزه ادراکی هستی عینی به دلیل مشغول نشدن دل به دنیا، باید سه ویژگی خشنودی به قضای الهی، پسندیدن و نپسندیدن برای مردم بر اساس ملاک پسندیدن و نپسندیدن خود و کنترل خشم و خوبی کردن در برابر بدی دیگران را رعایت نماید.

در حوزه ادراکی غایت، عمل فرد تلاش برای آخرت و رهایی از آتش باشد (مشکینی، ۱۴۰۶ق، ص ۳۰۲؛ کراچکی طرابلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۶۴؛ دیلمی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۵۴).

جدول ۲: رصد کردن جلب خشنودی خداوند و دفع غضب الهی در حوزه‌های ادراکی با برنامه روی آوری و بازداري

|                       |  |  |                                               |  |                       |  |
|-----------------------|--|--|-----------------------------------------------|--|-----------------------|--|
| حوزه‌های ادراکی       |  |  | ویژگی‌ها                                      |  | دلیل                  |  |
| حوزه ادراکی مبدأ      |  |  | برای خداوند شریک قرار ندادن                   |  |                       |  |
|                       |  |  | تولی و تبری در راه خداوند                     |  |                       |  |
| حوزه ادراکی خود       |  |  | کنترل هوا و هوس                               |  |                       |  |
|                       |  |  | ناظر بودن خداوند متعال بر اعمال               |  |                       |  |
|                       |  |  | عدم مقاومت در برابر آتش                       |  |                       |  |
| حوزه ادراکی هستی عینی |  |  | دنیا                                          |  | مشغول نشدن دل به دنیا |  |
|                       |  |  | پسندیدن و نپسندیدن برای مردم بر اساس ملاک خود |  |                       |  |
|                       |  |  | کنترل خشم و خوبی کردن در برابر بدی دیگران     |  |                       |  |
| حوزه ادراکی غایت      |  |  | تلاش برای آخرت و رهایی از آتش                 |  |                       |  |

حال، با توجه به جدول (۲)، راهکار عملیاتی که دین برای دستیابی به برنامه روی آوری و بازداري در نظر گرفته است به شرح ذیل می‌باشد.

برنامه تربیتی روی آوری و بازداري بر اساس دو روایت به چهار قسم قابل تقسیم است. در یک روایت آمده است: «عُقُوبَةُ الْعُقَلَاءِ التَّلَوِيحُ، عَقُوبَةُ الْجُهَلَاءِ التَّصْرِيحُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ح ۶۳۲۸ و ح ۶۳۲۹؛ لیشی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۳۳۹، ح ۵۷۷۶ و ۵۷۷۷)؛ مجازات عقلا (کسی که علم و آگاهی دارد)، با کنایه و اشاره و مجازات جهلا (کسی که علم و آگاهی ندارد)، با تصریح کردن و مبین نمودن است. به عبارت دیگر، فرزندان نسبت به رفتارها و اعمالی که انجام می‌دهند، دو دسته هستند؛ یکی فرزندی که به کاری که انجام می‌دهد، نسبت به خوب و بد بودن عمل، آگاهی دارد و دیگری فرزندی که به عملی که انجام می‌دهد، نسبت به خوب و بد بودن عمل، ناآگاه است. اما واکنش والدین نسبت به این دو حالت باید متفاوت باشد. واکنش والدین نسبت به فرزندی که می‌داند، باید به صورت کنایه (بدون تنش و تخریب) و اشاره‌ای باشد و واکنش نسبت به فرزندی که نمی‌داند، باید به صورت تصریحی و روشن کننده و بین باشد؛ چراکه کنایه زدن به فردی که می‌داند و آگاهی دارد، سخت‌ترین سرزنش (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ح ۱۱۶۱) و از دردناک‌ترین سرزنش‌ها برای اوست (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳؛ لیشی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۰۱، ح ۴۰۸۶). بنابراین از روایتی که تبیین شد، دو واکنش تصریح (برای فرزند که آگاهی ندارد) و تلویح (برای فرزندی که آگاهی دارد) به دست می‌آید. در روایت دیگر آمده است: «از جُرِّ الْمُسَيِّءِ بِثَوَابِ الْمُحْسَنِ» (شریف رضی، ۱۳۹۱، حکمت ۱۷۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۴۴، ح ۱۲)؛ بذکار را با پاداش دادن به نیکوکار [از کار ناشایست] بازدار. این روایت ناظر به این مطلب است که برای فرزندی که عمل نیکی انجام داده است، پاداش و تقویت در نظر گرفته شود و برای فرزندی که از او عمل ناشایست سر زده است، مجازات و تنبیهی برای او دیده شود. همین روایت به صورت ضمنی نیز اشاره به نوعی تأدیب تلویحی برای کسی که عمل ناشایست انجام داده است، بیان داشته است. اینکه تأدیب فرزند خاطی با پاداش دادن به فرزندی که عمل نیکی انجام داده است، صورت می‌گیرد، و پاداش دادن به فرزندی که عمل نیکی انجام داده است، اشاره به تقویت تصریحی دارد. بنابراین از روایت فوق دو نوع پاداش و تأدیب به دست می‌آید.

با توجه به این دو روایت، راهکار برنامه‌روی‌آوری و بازداري بنا به موقعیت‌های شناختی که برای فرزند وجود دارد، دارای چهار قسم است که هریک را توضیح و برای همان قسم راهکارهایی عملیاتی از زبان دین بیان خواهد شد.

۱. تقویت و پاداش تصریحی: واکنش والدین به صورت تقویت تصریحی به این معناست، فرزندی که به نیک بودن فعلی که انجام داده است، آگاهی ندارد، و والدین برای ایجاد امری خوشایند یا از بین بردن امری ناخوشایند به صورت روشن کننده و بین تلاش می کنند.

راهکارهای عملیاتی این نوع برنامه از روی‌آوری شامل موارد ذیل می باشد.

- وعده پاداش (نور: ۵۵).

- وعده به افزایش پاداش (حدید: ۱۱).

- بشارت به پاداش (توبه: ۲۰).

- توجه کردن به عمل (نساء: ۱۲۷).

- اجابت درخواست فرزند (انبیاء: ۹۰).

- ابراز محبت نسبت به فرزند (بقره: ۲۳۲).

- تعریف و تمجید از فرزند (ص: ۳۰).

- سپاسگزاری از فرزند (بقره: ۱۸۵).

- ذکر و یاد کردن نیکی‌های آنها نزد دیگران (مریم: ۴۱).

- بخشش گناهان و کوتاهی‌های فرزند (بقره: ۵۱ و ۵۲؛ عنکبوت: ۷) به صورت صریح و بین برای از بین بردن امری ناخوشایند.

۲. تقویت و پاداش تلویحی: واکنش والدین به صورت تقویت تلویحی به این معناست، فرزندی که به نیک بودن فعلی که انجام داده است، آگاهی داشته، و والدین برای ایجاد امری خوشایند یا از بین بردن امری ناخوشایند به صورت کنایه (بدون تنش و تخریب) و اشاره‌ای تلاش می کنند.

راهکارهای عملیاتی این نوع برنامه از روی‌آوری شامل موارد ذیل می باشد:

- نیکی کردن در برابر بدی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۴۲۷، ح ۷۶).

- ذکر و یادآوری پاداش دیگران (بقره: ۶۲).

- بیان نتایج و آثار دنیوی عمل (هود: ۵۲).

- ابراز رضایت از عمل دیگران (فتح: ۱۸).

- دعا و ثنا برای فرزند (رعد: ۲۳ و ۲۴).

– برانگیختن فرزند (انفال: ۶۵).

– بیان نعمت‌های مادی و معنوی (فتح: ۲۰؛ زخرف: ۷۲ و ۷۳).

– هدایت و رشد بیشتر دادن فرزند (محمد: ۱۷).

– بخشش گناهان (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۴۲۷، ح ۷۶) و کوتاهی‌های فرزند (بقره: ۵۱ و ۵۲؛ عنکبوت: ۷)

به‌صورت اشاره و کنایه برای از بین بردن امری ناخوشایند.

۳. تأدیب تلویحی: واکنش والدین به‌صورت تأدیب تلویحی به این معناست، فرزندی که به ناپسند بودن فعلی که انجام داده است، آگاهی داشته، و والدین برای ایجاد امری ناخوشایند یا از بین بردن امری خوشایند به‌صورت کنایه (بدون تنش و تخریب) و اشاره‌ای تلاش می‌کنند.

راهکارهای عملیاتی این نوع برنامه از بازداري شامل موارد ذیل می‌باشد:

– کمک نگرفتن از فرزند در انجام بعضی از فعالیت‌هایی که قبلاً کمک گرفته می‌شد.

– تشویق نیکوکار در برابر متخلف (از جُرِّ الْمُسَىءِ بِثَوَابِ الْمُحْسَنِ).

– قهر و دوری گزیدن کوتاه (نساء: ۳۴؛ مزل: ۱۰) (وَاهْجُرْهُ وَلَا تُطَلِّ).

– توبیخ کردن (عَابُوا أَرْقَاءَكُمْ عَلَى قَدَرِ عَقُولِهِمْ؛ بردگان خود را به‌اندازهٔ عقلشان توبیخ کنید).

– تهدید انتزاعی (بقره: ۲۷۸-۲۷۹).

– تحریم و محروم‌سازی (نور: ۳؛ واقعه: ۶۵ و ۶۹).

۴. تأدیب تصریحی: واکنش والدین به‌صورت تأییب تصریحی به این معناست، فرزندی که به ناپسند بودن فعلی که انجام داده است، آگاهی ندارد، و والدین برای ایجاد امری ناخوشایند یا از بین بردن امری خوشایند به‌صورت روشن‌کننده و بین تلاش می‌کنند.

راهکارهای عملیاتی این نوع برنامه از بازداري شامل موارد ذیل می‌باشد:

– تذکر و آگاهی بخشی (اعلی: ۹-۱۱).

– حذف کردن مسئولیتی که به فرزند واگذار شده است.

– اعلام خطا (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ح ۵۳۴۲؛ لیشی واسطی، ۱۳۷۶ق، ص ۲۶۷، ح ۴۸۹۷).

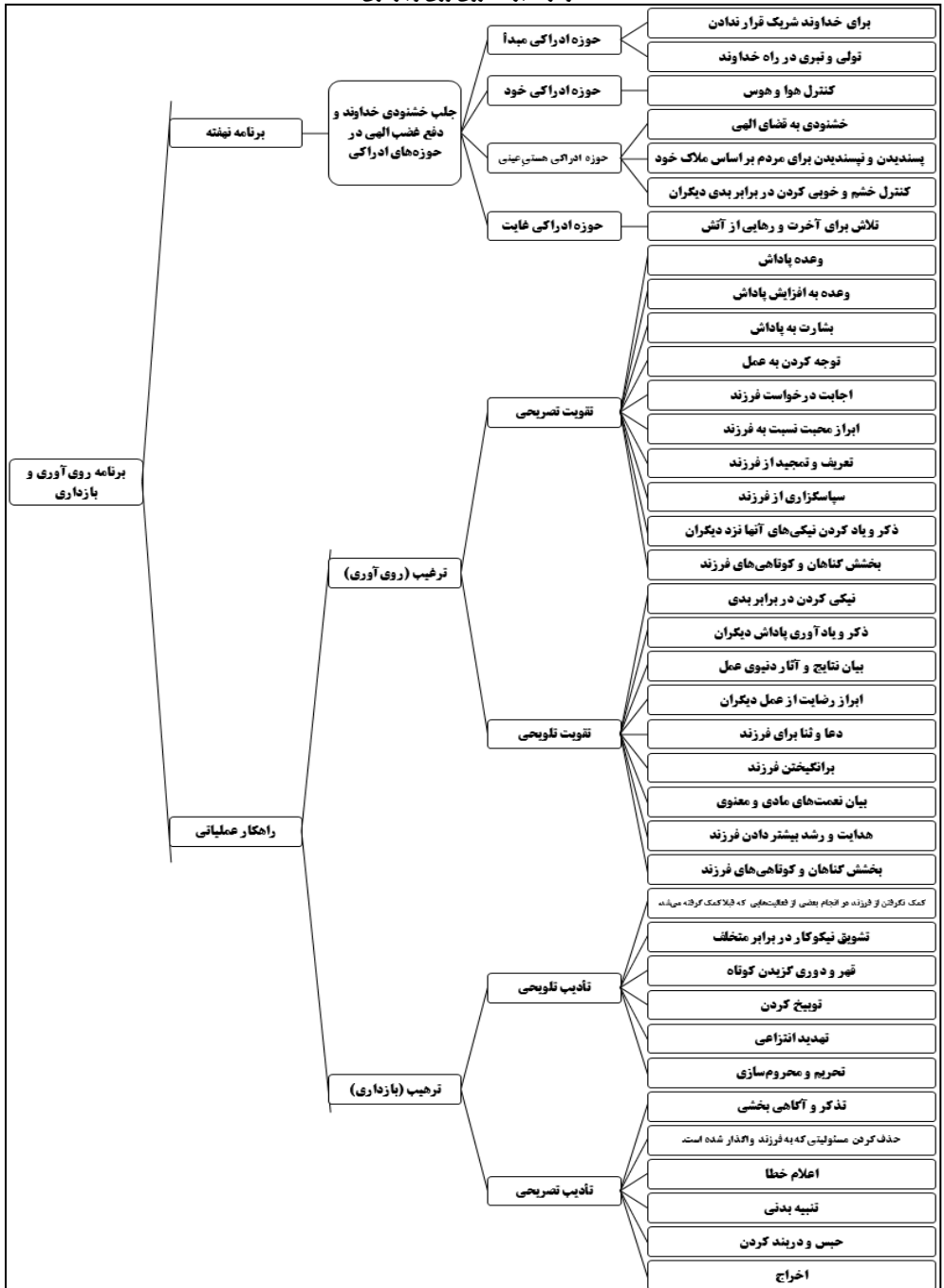
– حبس و در بند کردن (نساء: ۱۵).

– اخراج (بقره: ۳۶).

– تنبیه بدنی (نساء: ۳۴).

با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان الگوی روی آوری و بازداري را در نمودار (۱) مشاهده نمود.

نمودار ۱: برنامه روی آوری و بازداری



### مرحله دوم: بررسی روایی محتوای الگو

به منظور بررسی روایی الگوی برنامه روی آوری و بازداري (تشويق و تنبيه) بر اساس منابع اسلامی برای والدگری معنوی خداسو، طی تهیه فرمی از ۳ کارشناس روان شناسی درخواست شد نظرات خود را درباره ۱. میزان مطابقت هریک از مفاهیم با گزاره های دینی که شاخص روایی محتوا (CVI) و ۲. میزان ضرورت مؤلفه ها برای الگو که نسبت روایی محتوا (CVR) را نشان می دهد، بیان کنند. نتایج حاصل از میزان مطابقت مقوله با مستندات با شاخص روایی محتوا (CVI) و میزان ضروری بودن مقوله با محاسبه و تحلیل نسبت روایی محتوای (CVR) الگوی برنامه روی آوری و بازداري در والدگری معنوی خداسو بررسی شد، که این نسبت برای تمام مؤلفه های الگو، بالاتر از حداقل میزان لازم، یعنی ۰/۹۹ است، که روایی مطابقت مقوله با مستندات و میزان ضروری بودن مؤلفه ها برابر با ۱ است؛ از این رو نشان می دهد که مؤلفه ها بر اساس داوری کارشناسان مناسباند و نشان از روایی لازم برای آن مفهوم را نیز دارد.

### نتیجه گیری

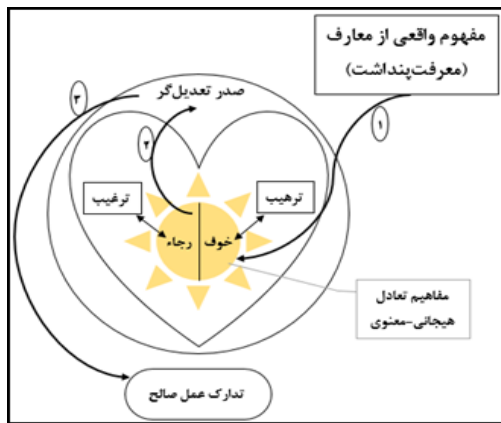
مسئله تشويق و تنبيه در والدگری معنوی خداسو به صورت برنامه ای نظام مند اجرا می شود. به این معنا که فرزند در روند تشويق و تنبيه باید برنامه ای نظام مندی را که در متون دینی به آن پرداخته شده (جلب خشنودی پروردگار و دفع غضب الهی)، دریافت نمایند. همان طور که پیامبر اکرم ﷺ در رسالت تربیتی خود با تبیین شناختی به سوی خداوند برمی انگیزت و با روش هایی از جمله تشويق جذب می نمود، و با هشیار ساختن و ادب نمودن، از هلاکت دور می ساخت؛ چنان که امیرالمؤمنین ﷺ فرمود: «خداوند محمد ﷺ را نشانه ای ساخت برای قیامت و بشارت دهنده به بهشت و ترساننده از عقوبت» (شریف رضی، ۱۳۹۱، حکمت ۳۶۸). بنابراین دانسته می شود رویکرد تربیتی تشويق و تنبيه با برنامه روی آوری برای امر حق و بازداري از امور هلاکت بار است.

نکته حائز اهمیت و سؤالی که لازم است مطرح شود، این است که چرا در روایت برای کسی که نسبت به خوب و بد بودن عملش آگاهی دارد، باید به صورت تلویحی و اشاره ای رفتار نمود؟ شاید بتوان پاسخ این سؤال را به مسئله ایجاد انگیزه درونی در فرزند مرتبط ساخت؛ به این معنا که وقتی فرزندی آموزش و آگاهی پیدا کرده است که این عمل پسندیده است و برای بار اول نسبت به انجام آن با واکنش تقویت تصریحی مواجه شده است، برای ایجاد انگیزه درونی و برای انجام همان عمل در دفعات بعدی، لازم است به صورت تقویت تلویحی (کنایه ای و اشاره ای) باشد تا فرزند آن عمل را رشد دهد و در ذهن فرزند به صورت شرطی شکل بگیرد، و برای رفتار ناپسندی که از سوی فرزند سر می زند، وقتی نسبت به بد بودن آن عمل آگاهی داشته است، برای اینکه از هرگونه سرزنش ظاهری و تخریب شخصیتی در امان بماند، بهترین روش این است که به صورت تلویحی و کنایه ای به او گوشزد شود، و اگر نسبت به بد بودن آن آگاهی و شناختی نداشته است، نسبت به موضوع های بی ارزش و بی اهمیت و بنا به موقعیت ها تعافل نمود و نسبت به موضوعات ارزشی و الهی باید به او متذکر شد و از تأدیب تصریحی استفاده نمود.

حال، در ترغیب و روی‌آوری نوعی وابستگی و تعلق و میل نفس به چیزی و یا برانگیختن و تحریک میل به اشتیاق به اطاعت و در ترهیب نوعی خوف برای ترک و اجتناب از نواهی خداوند است که در اثر دخالت عاملی درونی در هر دو، به توسعه یافتن فضای روانی - معنوی انسان منجر می‌شود و مکانیزم اثرگذاری هر دو در حوزه قلب قرار داشته و با نیت سروکار و ارتباط دارد (دیلمی، ۱۴۰۸ق، ص ۷۲). بنابراین در ترغیب چه به عمل گراییده شود و چه عملی صورت نگیرد، و در ترهیب اگر اجتناب از عمل ناپسند با خودآگاهی صورت بگیرد؛ چون با نیت خداسو ارتباط دارد، برای او عمل مجزایی در نظر گرفته می‌شود. بنابراین شیوه‌های ترغیب و ترهیب به‌گونه‌ای است که برنامه نهفته در روی‌آوری و بازداري به توسعه دادن عمل معنوی در وجود و روان انسان (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۰۹) استعانت و یاری می‌رساند. بنابراین در والدگری معنوی خداسو علاوه بر وجود عواملی همچون خداسو بودن والدین، شیوه تعامل به‌گونه‌ای است که اثر والدگری با دوام و اصیل خواهد بود. ثبات و پایدار بودن اثر والدگری با برنامه روی‌آوری و بازداري از این باب است که ترهیب (بازداري) با خوف و ترغیب (روی‌آوری) با رجا و امید که در درون قلب (عقل) هستند، ارتباط دارند. چنانچه حضرت لقمان علیه السلام به فرزندش چنین می‌فرماید: «اگر قلب مؤمن بیرون آورده و پاره شود، دو نور در آن دریافت می‌گردد: نوری برای خوف و نوری برای رجا، که اگر وزن شوند، هیچ‌یک ذره‌ای بر دیگری ترجیح نخواهد داشت» (قمی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۱۶۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۳، ص ۴۱۲، ح ۲). درحقیقت تعادل هیجانی - معنوی بر لبه دو تیغه خوف از عذاب الهی در صورت داشتن تمام خوبی‌ها و امید به رحمت الهی در صورت داشتن تمام بدی‌ها قرار دارد.

به این معنا که تعادل هیجانی - معنوی (خوف و رجا) که از عقل منشأ می‌شود، در ضمن عمل با برنامه روی‌آوری و بازداري در قلب ارتباط گرفته و برای آماده شدن برای تدارک به صدر منتقل و در نهایت به عمل معنوی منجر می‌گردد. شکل (۱) الگوی ارتباطی برنامه روی‌آوری و بازداري با دیگر نظام پردازشی را نشان می‌دهد.

شکل ۱: ساختار تعاملی برنامه روی‌آوری و بازداري با نظام‌های پردازش



علاوه بر انواع راهکارهای عملیاتی که بیان شد، لازم است اصولی از برنامه‌روی‌آوری مانند استفاده از هر دو (تقویت و تأدیب) (بقره: ۸۱ و ۸۲)، تقدم تقویت بر تأدیب (بقره: ۱۱۹)، توصیف عینی پاداش (توبه: ۷۲) یا ابهام در میزان پاداش (یونس: ۲)، تشويق‌کننده عمل به جای خود عمل (صف: ۴)، پاداش کریمانه (قصص: ۸۴)، فوریت (فتح: ۱۰)، بیان دلیل پاداش و تقویت (عد: ۲۴-۲۳)، پرهیز از خلف وعده (روم: ۶)، عدم افراط در تشويق (فرقان: ۶۷)، عدم استفاده زیاد از پاداش‌های مادی، تناسب داشتن مشوق با رفتار، بدون تأخیر، تقویت رفتار پسندیده، بدون دلیل پاداش ندادن را رعایت نمود.

همچنین اصولی از برنامه‌بازداري مانند همراهی تأدیب با تقویت (مائده: ۱۹)، تقدم تقویت بر تأدیب، تأدیب به اندازه تخلف و یا کمتر از آن (انعام: ۱۶۰)، عذرپذیری (توبه: ۱۴-۱۵)، عدالت در تأدیب (نور: ۲)، ملاطفت در تأدیب (ص: ۴۴)، تأدیب در برابر معصیت الهی، عدم تأدیب برای تشفی دل، اعتدال در تأدیب، رعایت مراحل تأدیب، نگهداشت حرمت و اقتدار تأدیب‌کننده، ایجاد نکردن حقارت و کینه، عادت نکردن به تأدیب، استفاده نکردن از افعال ناپسند مانند دروغ‌گویی و ریا و...، لجباز نکردن فرزند با تأدیب را رعایت نمود.

نتیجه اینکه در والدگری معنوی خداسو، تشويق و تنبيه فرزندان بر اساس برنامه‌ای نظام‌مند (جلب خشنودی پروردگار و دفع غضب الهی) و با هدف روی‌آوری به حق و بازداري از امور هلاکت‌بار اجرا می‌شود و با ایجاد انگیزه درونی و تعادل هیجانی - معنوی (خوف و رجا)، به توسعه عمل معنوی در روان انسان کمک می‌کند. در پایان در پژوهش‌های آتی، پیشنهاد می‌شود که محققان به بررسی تفاوت‌های احتمالی در نحوه اعمال سازوکارهای روی‌آوری و بازداري و تأثیر آن بر فرزندان دختر و پسر، و نیز تغییرات احتمالی این سازوکارها را در مراحل مختلف رشد (کودکی، نوجوانی و جوانی) مورد مطالعه قرار دهند.

## منابع

### قرآن کریم.

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*. قم: جامعه مدرسین.
- ابن فارس، احمد بن زکریا (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار الصادر.
- اتکینسون، ریتا و دیگران (۱۳۶۷). *زمینه روان‌شناسی*. ترجمه محمدتقی برهانی و دیگران. تهران: رشد.
- انیس، ابراهیم و دیگران (۱۴۰۸ق). *معجم الوسیط*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- تیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۷۳). *غررالحکم و دررالکلم*. ترجمه و شرح آقاجمال خوانساری. تهران: دانشگاه تهران.
- باقری، خسرو (۱۳۸۵). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. تهران: مدرسه.
- حسن‌زاده، رمضان و مهدی‌نژادگرگی، گلین (۱۳۹۱). *نظریه‌های انگیزش در آموزش و پرورش (روان‌شناسی انگیزش و یادگیری)*. تهران: روان.
- حسینی‌زاده، سیدعلی (۱۳۷۷). *تنبیه از دیدگاه اسلامی*. حوزه و دانشگاه، ۱۴، ۲۳ و ۳۴.
- حسینی‌زاده، سیدعلی (۱۳۹۷). *روش‌های تربیتی در قرآن کریم، ارائه الگو، قصه‌گویی، تشویق و تنبیه*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- داوودی، محمد (۱۳۸۳). *سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت *. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸ق). *اعلام الدین فی صفات المؤمنین*. قم: مؤسسه آل البیت.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۵). *مفردات الفاظ قرآن*. تهران: مرتضوی.
- سانتراک، جان دبلیو (۱۳۸۵). *روان‌شناسی تربیتی*. ترجمه مرتضی امیدیان. یزد: دانشگاه یزد.
- سجستانی‌ازدی، سلیمان بن اشعث (بی‌تا). *سنن أبی‌داوود*. تحقیق محمد محبی‌الدین عبدالحمید. بیروت: دار احیاء السنة النبویه.
- سرمد، زهره و دیگران (۱۳۸۵). *روش تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: آگاه.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۶۸). *روان‌شناسی پرورشی (روان‌شناسی یادگیری و آموزش)*. تهران: آگاه.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۰). *ساختن ابزارهای اندازه‌گیری متغیرهای پژوهشی در روان‌شناسی و علوم تربیتی*. تهران: دیدار.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۸۷). *روان‌شناسی تربیتی و تدریس*. تهران: اطلاعات.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۶ق). *معانی الأخبار*. تصحیح علی‌اکبر غفاری. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: جامعه مدرسین.
- صدیق‌اورعی، غلامرضا (۱۳۸۶). *اندیشه اجتماعی در روایات امر به معروف و نهی از منکر*. قم: دار الحدیث.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۶۷). *مجمع البحرین*. تصحیح عادل محمود. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- عباسی، مهدی (۱۳۹۷). *تدوین مدل مفهومی لذت‌بری سعادت‌نگر بر اساس منابع اسلامی و ساخت و امکان‌سنجی طرح‌نمای درمانی*. آن در کاهش نشانگان افسردگی. رساله دکتری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی .
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴ق). *ترتیب کتاب العین*. قم: اسوه.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۸۷ق). *تفسیر القمی*. تصحیح: سیدطیب موسوی جزائری. نجف: مکتبه الهدی.
- کراجکی طرابلسی، محمد بن علی (۱۴۱۰ق). *کنز الفوائد*. تصحیح عبدالله نعمه، قم: دار الذخائر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). *عیون الحکم و المواعظ*. قم: دار الحدیث.
- متقی‌هندی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۱۹ق). *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*. بیروت: دار الکتب العلمیه.

- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار/الأنوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مشکینی، علی (۱۴۰۶ق). *مواظف العددیه*. تحقیق: علی احمدی میانجی. قم: الهادی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹). *ختم نبوت*. تهران: صدرا.
- نیشابوری، مسلم، (۱۴۱۶ق). *صحیح مسلم*. بیروت: دار ابن حزم.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۳۹۱). *ترجمه نهج البلاغه*. ترجمه محمد دشتی. قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام.
- Babbie, E. (2011). *The Basic of Social Research*. USA: Wadsworth, Cengage - Learning.
- Drisko, J. W. & Maschi, T. (2016). *Content analysis*. Oxford university press.
- Goldenberg, I., Goldenberg, H. & Erica Goldenberg Pelavin (2014). *Family therapy*. in Danny Wedding and Raymond J. Corsini. *Current Psychotherapies*. 10th Edition. Brooks/Cole, Cengage Learning.
- Julie Ma, Yoonsun Han, Hae Rin Kang (2022). Physical punishment, physical abuse, and child behavior problems in South Korea. *Child Abuse & Neglect the International journal*. 123, 105385.
- Larzelere, R. E., Reitman, D., Ortiz, C., Cox, R. B. (2023). *Parental Punishment: Don't Throw Out the Baby with the Bathwater*. In: Frisby, C. L., Redding, R. E., O'Donohue, W.T., Lilienfeld, S. O. (eds). *Ideological and Political Bias in Psychology*. Springer: Cham.
- Polit D. F., Beck C. T. (2006). The Content Validity Index: Are You Sure You Know What's Being Reported? Critique and Recommendations. *Research in Nursing & Health*, 29, 2489-497.
- Saputri, A. I., Widyasari, C. (2021). Application of Reward and Punishment to Develop Disciplinary Behavior of Early Childhood. *Early childhood research journal*, 1, 1-31
- Shultz, K. S. Whitney, D. J. & Zickar, M. J. (2014). *Measurement Theory in Action, Case Studies and Exercises*, New York, Routledge.
- Saputri, A. I., & Widyasari, C. (2022). Application of reward and punishment to develop disciplinary behavior of early childhood. *Early Childhood Research Journal (ECRJ)*, 4(1), 1-30.



## Investigating the Role of Attachment to God in Depression, Anxiety, and Stress Symptoms of Hypertensive Patients

**Mahsa Mohammad Alizadeh** / MA in Clinical Psychology, Islamic Azad University, Urmia Branch  
mahsa.alizadeh997@gmail.com

 **Ali Khademi** / Professor at the Department of Psychology, Islamic Azad University, Urmia Branch  
**Received:** 2024/08/22 - **Accepted:** 2024/11/04  
dr\_ali\_khademi@yahoo.com

### Abstract

This quantitative, fundamental, descriptive-correlational study examined the role of attachment to God in depression, anxiety, and stress symptoms of hypertensive patients. The statistical population included all hypertensive patients in Khoy (Spring 2022). A convenience sample of 150 volunteers from specialist clinics completed Rowatt & Kirkpatrick's Attachment to God Scale and the Depression Anxiety Stress Scales (DASS). Results showed a significant inverse relationship between attachment to God and depression, anxiety, and stress ( $p < 0.05$ ). Attachment to God reduces anxiety/stress by fostering hope and purposefulness, lowering depression risk.

**Keywords:** attachment to God, depression, anxiety, stress, hypertension.



## بررسی نقش دلبستگی به خدا در نشانه‌های افسردگی، اضطراب و استرس بیماران فشار خون

mahsa.alizadeh997@gmail.com

dr\_ali\_khademi@yahoo.com

مهسا محمدعلی‌زاده / کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه

علی خادمی / استاد گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه

دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۱ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۴

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش دلبستگی به خدا در نشانه‌های افسردگی، اضطراب و استرس بیماران فشار خون انجام گرفته است. این پژوهش زیردسته تحقیقات کمی است که از نظر هدف بنیادی و از نظر روش گردآوری یک مطالعه توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری شامل تمام بیماران فشار خون شهرستان خوی در بهار سال ۱۴۰۱ که توسط پزشک متخصص تشخیص این بیماری را گرفته بودند، می‌باشد. حجم نمونه شامل ۱۵۰ نفر می‌باشد که به روش نمونه‌گیری در دسترس از افرادی که به مطب پزشکان متخصص مراجعه می‌کنند و تشخیص این بیماری را دارند، انتخاب شدند و افراد به‌صورت داوطلبانه در این پژوهش شرکت نمودند. برای گردآوری داده‌ها، از پرسش‌نامه دلبستگی به خدا روات و کرک پاتریک و مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس (DASS) استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که بین دلبستگی به خدا با افسردگی، اضطراب و استرس بیماران فشار خون ارتباط معناداری وجود دارد ( $p < 0/05$ ). دلبستگی به خدا با ایجاد امید و هدفمندی و کاهش تنش باعث می‌شود فرد اضطراب و استرس کمتری را تجربه کرده و احتمال ایجاد افسردگی در افراد کمتر گردد.

کلیدواژه‌ها: دلبستگی به خدا، افسردگی، اضطراب، استرس، فشار خون.

## مقدمه

دستگاه گردش خون از خون، عروق و قلب تشکیل شده است. خون مایعی است که به وسیله شبکه گسترده‌ای از رگ‌ها به تمام سلول‌های بدن می‌رود و بدون آن بافت‌های بدن از چند دقیقه تا چند ساعت بیشتر نمی‌توانند به زندگی خود ادامه دهند و می‌میرند؛ زیرا بدن انسان در صورتی می‌تواند به فعالیت‌های حیاتی خود ادامه دهد که اکسیژن و مواد غذایی پیوسته در دسترس بافت‌ها قرار گیرند. فصولاتی که بر اثر سوخت‌وساز سلول‌ها ایجاد می‌گردد و ترکیب شیمیایی محیط درونی بافت‌ها را برهم می‌زند، باید دفع گردند. قلب نیز وظیفه تنظیم جریان و گردش خون را در بدن به عهده دارد و از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. بیماری‌های مربوط به قلب و عروق یک دهم کل جمعیت مرگ‌ومیرها را در سراسر جهان به خود اختصاص می‌دهند. برخی از مهم‌ترین این بیماری‌ها افزایش فشار خون، انسداد رگ‌ها، کاهش فشار خون، تصلب شرایین، نارسایی قلبی و... است (kasper and etc, 2008).

بیماری فشار خون از جمله بیماری‌های غیر واگیردار است که در جوامع رو به توسعه گسترش چشمگیری دارد، و این پدیده یکی از مسائل سلامت عمومی است که در سراسر جهان، به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته در حال افزایش است (منصور و دیگران، ۲۰۲۰). این پدیده یکی از مشکلات سلامت جامعه است، به‌طوری‌که در مقیاس جهانی از هر ۸ مرگ، یک مرگ بر اثر فشار خون است (اسلامی و دیگران، ۱۳۹۵). فشار خون بالا، به‌مثابه سایر بیماری‌های حاد با شیوه زندگی، فشار روانی و سلامت روان (اضطراب، استرس و افسردگی و سایر اختلال‌های مرتبط با سلامت روان) بیماران رابطه نزدیکی دارد (کلهرنیا گلکار و دیگران، ۱۳۹۳). استرس فرایندی می‌باشد که در آن تقاضاهای محیطی از ظرفیت سازشی فرد بالاتر رفته و او را دچار تغییرات روان‌شناختی و بیولوژیکی ایجاد می‌کند که ممکن است منجر به بیماری وی شود (Agvei and etc, 2014). بنابراین می‌توان گفت که تمرکز بر استرس و مدیریت آن می‌تواند با کاهش اضطراب و افزایش کیفیت زندگی تأثیر قابل توجهی بر فشار خون نیز داشته باشد (کلهرنیا گلکار و دیگران، ۱۳۹۳). در کنار استرس، عوامل روان‌شناختی همچون افسردگی و اضطراب در پژوهش‌های متعددی از عوامل خطر ساز پرفشاری خون مطرح شده‌اند (آقائی و دیگران، ۱۳۹۲).

اختلالات خلقی دسته‌ای از اختلالات بالینی هستند که ویژگی آنها این است که احساس غلبه از میان رفته و فرد درد بزرگی می‌کشد. در افراد بیماری که خلق بالایی دارند (یعنی مانیا) افزایش اعتمادبه‌نفس، کاهش خواب، پرش افکار، گشاده‌خویی و افکار خودبزرگ‌بینانه مشاهده می‌شود. در بیمارانی که دارای خلق افسرده هستند (یعنی در افسردگی)، از دست رفتن علاقه و انرژی، دشوار شدن تمرکز، احساس گناه، از دست دادن اشتها و فکر و خیال مرگ و خودکشی موجود است (صفری، ۱۳۹۲).

از نظر پزشکی، افسردگی به‌مثابه یک بیماری خلق و خو یا اختلال کنش خلق و خو می‌باشد. از دید بالینی نرمال، افسردگی نشانگانی است که تحت تسلط خلق افسرده می‌باشد و بر اساس بیان کلامی یا غیر کلامی عواطف اندوهناک، اضطرابی و یا حالت‌های برانگیختگی بروز داده می‌شود (صفری، ۱۳۹۲).

از نظر محاوره‌ای لفظ افسردگی برای اشاره به یک حالت احساسی، واکنش به یک اتفاق و طرز رفتار مختص به فرد مورد استفاده قرار می‌گیرد. افسردگی آشوبی در رفتار است که با سطوح متفاوت ناراحتی، ناامیدی، تنهایی، شک در مورد خود و احساس گناه تشخیص داده می‌شود؛ بنابراین بر اساس این گفته‌ها باید احساس افسردگی را از اختلال جدا نمود. همه ما بعضی اوقات احساس غم و دلنگی می‌کنیم، این احساس‌ها قسمتی از احساسات یک انسان طبیعی را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین در دوره‌های زمانی کوتاه، فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. اما افسردگی تحت عنوان یک اختلال، در مقاطع زمانی طولانی‌تری ادامه می‌یابد و حالتی ناسازگارانه‌ای از افسردگی است که اثرات مستمری بر روی عملکرد فرد باقی می‌گذارد (مهران‌فر، ۱۳۹۶).

یکی از شایع‌ترین اختلالات روان‌پزشکی، اختلالات اضطرابی هستند؛ چنان‌که در ایالات متحده آمریکا هر ساله بیش از ۲۳ میلیون نفر به آن مبتلا می‌شوند و یک نفر از هر چهار نفر با آن درگیر است. اشخاصی که دارای اختلال اضطرابی هستند به وسیله احساس‌های مزمن و شدید اضطراب در مانده می‌شوند. این حس‌ها به حدی قدرتمند هستند که اشخاص دارای این اختلال‌ها توانایی انجام فعالیت‌های روزمره خود را ندارند. اضطراب آنها ناپسند می‌باشد و سبب می‌شود آنها نتوانند از اتفاقات و موقعیت‌های عادی اطراف خود لذت ببرند (Waters and etc, 2012). اختلال اضطراب موجب علائم جسمی و رفتاری می‌شود که در ذیل توضیح داده شده است:

الف) نشانه‌های جسمانی عبارت‌اند از: تپش قلب، سردرد، عرق کردن، گرگرفتگی، استفراغ و تهوع، لرزش دست، سرگیجه، گزگز و مورمور اندام‌ها، فشار خون زیاد، استرس و اسهال؛

ب) علائم روانی رفتاری عبارت‌اند از: احساس بی‌قراری، عصبانیت، نگرانی از اینکه بقیه متوجه اضطراب او شده‌اند، کاهش تمرکز و حافظه، یک نگرانی مبهم از اینکه مبدا اتفاق بدی بیفتد (Kendall and Hedtke, 2006). استرس اصطلاحی مبهم است که برای توصیف وضعیت شیء یا شخصی که منجر به فشار روانی می‌شود، احساسات و پاسخ‌های جسمانی که در فرد به وجود می‌آید و نتایج حاصل از آن به کار می‌رود. حال این امر می‌تواند رفتاری باشد یا شناختی و یا فیزیولوژیکی در حوزه روان‌شناسی سلامت. استرس به حالت چالش یا تهدیدی اشاره دارد که روال عادی و تعادل زندگی فرد را مختل می‌سازد (محمدی و عالمی، ۱۳۹۴، ص ۷۸). همچنین استرس ادراک‌شده عبارت است از واکنش بدن به تغییری که دربردارنده سازگاری با پاسخ جسمی، ذهنی یا هیجانی می‌باشد. استرس می‌تواند به وسیله هر عامل یا محرک تنش‌زا، حتی سروکار داشتن با یک بیمار ایجاد شود (شجاعی‌زند و طیبی، ۱۳۹۶). یکی از متغیرهای روان‌شناختی که جایگاه ویژه‌ای در روان‌شناسی دینی به خود اختصاص داده، دلبستگی به خداوند است. دلبستگی در منابع مختلف تعاریف متعددی دارد. هوکسما، فریدکسون، لافتس و لوتز (۲۰۰۹) دلبستگی را تمایل کودک به نزدیک شدن به افراد خاص و احساس امنیت در حضور آنان تعریف کرده‌اند (بهرامی، ۱۳۹۵). دلبستگی پیوند و گره‌های هیجانی پایدار بین دو فرد است، به نحوی که یکی از طرفین کوشش می‌کند نزدیکی یا

مجاورت با موضوع دلبستگی را حفظ کرده و به گونه‌ای عمل کند تا مطمئن شود که ارتباط ادامه می‌یابد (خانجانی، ۱۳۸۴، ص ۱۹). کودکان در لحظات نگرانی و پریشانی و اضطراب به مراقبانشان رجوع می‌کنند، که این امر زمینه مهمی برای تعدیل و کنترل کردن شرایط استرس‌زا و یاد گرفتن مهارت‌های عاطفی و افزایش احساس امنیت محسوب می‌شود. امنیت دلبستگی به وسیله اطمینان در توانایی مراقبان و میل به دست آوردن محافظت و آرامش از آنها و همچنین با توانایی تشخیص بین موقعیت‌ها و شرایطی که نیاز به محافظت دارد و توانایی تمیز بین رفتارهایی که در دلبستگی به کار می‌رود، با رفتارهای غیردلبستگی حاصل می‌شود (Granqvist & Kirkpatrick, 2013).

نظریه دلبستگی اولین بار توسط بالبی (۱۹۷۳) به منظور توصیف و توضیح اینکه چگونه کودک به طور هیجانی و عاطفی با مراقبش پیوند می‌یابد مطرح شد. ارتباط با خدا شباهت چشمگیری به دلبستگی با مراقب کودک دارد و در هنگام استرس، سیستم دلبستگی کودک فعال شده و کودک نیاز به مراقبت و حمایت والدین خود را حس می‌کند (جنابادی و سابقی، ۱۳۹۳). کرک پاتیریک (۱۹۹۴) مدعی شده که مؤمنان ارتباط متقابل شخصی با یک خدای دانا و نیرومند برقرار می‌کنند که این ارتباطات دلبستگی نامیده می‌شود (Okazi, 2010, P4). دلبستگی به خدا و معنویت به این معناست که فرد در شرایط سخت، خدا را در کنار خود احساس کرده و او را تکیه‌گاهی برای خود می‌داند و نسبت به او دلبستگی خاصی دارد و این امر او را در استفاده از روش‌های معنوی در رویارویی با مشکلات یاری می‌سازند (جاونسی و دیگران، ۲۰۱۸). دلبستگی به خدا و معنویت به فرد آرامش می‌دهد، به زندگی وی معنا می‌دهد، افسردگی، اضطراب و استرس وی را بهبود می‌دهد و سلامت جسمانی را بهبود می‌بخشد (Jauncey & etc, 2018).

پژوهش‌ها نشان داده است که دین و مذهب و تعلقات معنوی در سلامت روانی و جسمی تأثیر بسزایی دارد (Koenig & Larson, 2001). شریفی ساکی و دیگران در سال ۱۳۹۸ به بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی به خدا و افسردگی با میانجیگری اضطراب مرگ در زنان مبتلا به سرطان پستان پرداختند. یافته‌ها نشان دادند که سبک‌های دلبستگی به خدا و اضطراب مرگ، توانایی پیش‌بینی افسردگی در زنان مبتلا به سرطان پستان را دارند. بیطرفان و دیگران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی به خدا و تاب‌آوری با اضطراب مرگ در سالمندان شهر زنجان در سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۶ پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی به خدا و تاب‌آوری با اضطراب مرگ رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. الیسون و دیگران (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی رابطه دعا، دلبستگی به خدا و علائم اختلالات مرتبط با اضطراب در بزرگسالان ایالات متحده پرداخته‌اند. نتایج هیچ ارتباط معنی‌داری را بین فراوانی دعا و علائم اضطراب نشان نداد. در مقابل، دلبستگی مضطرب به خدا با علائم روان‌پزشکی همبستگی مثبت دارد؛ درحالی‌که دلبستگی ایمن به خدا با این پیامدها ارتباط معکوس متوسطی دارد؛ همچنین نتایج نشان می‌دهد که دعا با علائم اختلالات اضطرابی در میان افرادی که دلبستگی ایمن به خدا دارند، رابطه معکوس دارد، اما در میان افرادی که دلبستگی نایمن یا اجتنابی بیشتری به خدا دارند، با این پیامدها ارتباط مثبت دارد.

در پژوهش حاضر می‌خواهیم به این سؤال پاسخ دهیم که آیا دلبستگی به خدا در استرس و اضطراب و افسردگی بیماران فشار خون نقش دارد یا خیر؟ زیرا همان‌طور که از پژوهش‌های قبلی مشخص شده است، استرس و اضطراب و افسردگی نقش زیادی در علائم این بیماری دارد؛ در نتیجه نتایج به‌دست‌آمده می‌تواند در کمک به کنترل علائم این بیماری برای بیماران مؤثر باشد و به افراد سالم کمک کند تا با در نظر گرفتن نتایج این پژوهش از بروز استرس و اضطراب و افسردگی در خود پیشگیری کنند.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر زیردسته تحقیقات کمی است که از نظر هدف بنیادی و از نظر روش گردآوری یک مطالعه توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام بیماران دارای فشار خون بالا شهرستان خوی در سال ۱۴۰۱ که توسط پزشک متخصص تشخیص این بیماری را گرفته بودند می‌باشد. طبق گفته معاونت بهداشت شهرستان خوی تعداد این بیماران ۱۰۸۴۷ نفر می‌باشد. با توجه به اینکه پژوهش مورد نظر از نوع تحقیقات رگرسیونی می‌باشد و طبق گفته گامت (۲۰۰۷) در تحقیقات رگرسیونی حداقل نمونه مورد نیاز ۱۱۰ نفر می‌باشد؛ لذا نمونه ۱۵۰ نفری از بیماران فشار خون شهرستان خوی به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد و افراد به‌صورت داوطلبانه در این پژوهش شرکت نمودند. پس از تکمیل پرسش‌نامه‌ها و جمع‌آوری آنها فرایند نمره‌گذاری انجام شد و سپس نتایج استخراج‌شده از این پرسش‌نامه‌ها با استفاده از برنامه SPSS و با روش رگرسیون خطی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت.

ابزار پژوهش شامل مقیاس چندبعدی دلبستگی به خدا رووات و کرک پاتریک، مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس (dass) بود که هر دوی پرسش‌نامه‌ها دارای روایی و پایایی می‌باشند.

### یافته‌های پژوهش

جدول ۱: ماتریس همبستگی بین دلبستگی به خدا با افسردگی، اضطراب و استرس

| متغیرهای پژوهش    | کل دلبستگی به خدا | دلبستگی ایمن | دلبستگی اجتنابی | دلبستگی دوسوگرا | افسردگی | اضطراب | استرس |
|-------------------|-------------------|--------------|-----------------|-----------------|---------|--------|-------|
| کل دلبستگی به خدا | ۱                 |              |                 |                 |         |        |       |
| دلبستگی ایمن      | **۰/۸۴            | ۱            |                 |                 |         |        |       |
| دلبستگی اجتنابی   | **۰/۸۰            | **۰/۵۹       | ۱               |                 |         |        |       |
| دلبستگی دوسوگرا   | **۰/۵۷            | **۰/۲۵       | **۰/۶۷          | ۱               |         |        |       |
| افسردگی           | **۰/۳۹            | **۰/۳۴       | **۰/۶۵          | **۰/۵۶          | ۱       |        |       |
| اضطراب            | **۰/۱۱            | -۰/۰۹        | **۰/۴۲          | **۰/۴۲          | **۰/۷۳  | ۱      |       |
| استرس             | **۰/۲۱            | **۰/۲۴       | **۰/۴۵          | **۰/۳۵          | **۰/۷۸  | **۰/۶۸ | ۱     |

همان‌طور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، ضرایب همبستگی بین دلبستگی به خدا با دلبستگی ایمن ( $r=0/84$ )، دلبستگی اجتنابی ( $r=0/80$ ) و دلبستگی دوسوگرا ( $r=-0/57$ ) بود. بین کل دلبستگی به خدا و افسردگی ( $r=0/39$ )،

کل دلبستگی به خدا و اضطراب ( $r = -0/11$ )، کل دلبستگی به خدا و استرس ( $r = -0/21$ ) همبستگی معناداری وجود داشت؛ همچنین میان متغیرهای دلبستگی به خدا، دلبستگی ایمن فقط با متغیرهای افسردگی ( $r = -0/34$ ) و استرس ( $r = -0/24$ ) بود. علاوه بر این، دلبستگی اجتنابی با متغیرهای پژوهش افسردگی ( $r = 0/65$ )، اضطراب ( $r = 0/42$ ) و استرس ( $r = 0/45$ ) همبستگی معناداری داشت؛ همچنین بین دلبستگی دوسوگرا با افسردگی ( $r = 0/56$ )، اضطراب ( $r = 0/42$ ) و استرس ( $r = 0/80$ ) همبستگی معناداری وجود داشت. کشیدگی و چولگی متغیرهای پژوهش در محدوده ۱ قرار دارند و این نشانگر توزیع نرمال داده‌هاست. به‌منظور بررسی هدف اصلی پژوهش از روش تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج آزمون رگرسیون در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج ضرایب چندگانه و بررسی معناداری پیش‌بینی افسردگی از طریق متغیرهای پیش‌بین بر اساس آزمون آنوا

| متغیر ملاک | منبع تغییر | مجموع مجزورات | درجه آزادی | میانگین مجزورات | F     | P     | R    | R2   | R تعدیل شده |
|------------|------------|---------------|------------|-----------------|-------|-------|------|------|-------------|
| افسردگی    | رگرسیون    | ۹۶۹۸/۹۱       | ۴          | ۲۴۲۴/۷۲         | ۵۴/۶۸ | ۰/۰۰۱ | ۰/۷۷ | ۰/۶۰ | ۰/۵۹        |
|            | باقی مانده | ۶۴۲۹/۰۸       | ۱۴۵        | ۴۴/۳۳           |       |       |      |      |             |
|            | کل         | ۱۶۱۲۸/۰۰۰     | ۱۴۹        |                 |       |       |      |      |             |

همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، مدل رگرسیون حاضر با ( $F = 54/68$ ) معنادار است ( $p < 0/01$ )؛ همچنین مقدار همبستگی چندگانه متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک برابر با ۰/۷۷ و ضریب تعیین تبدیل‌شده ۰/۵۹ به‌دست آمد؛ بنابراین دلبستگی به خدا، دلبستگی ایمن، دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا قادر به پیش‌بینی ۰/۵۹ از تغییرات متغیر افسردگی بود.

جدول ۳: نتایج پیش‌بینی افسردگی در افراد با فشار خون بر اساس متغیرهای پیش‌بین

| مدل             | ضرایب غیراستاندارد | ضرایب استاندارد | ت     | p     |
|-----------------|--------------------|-----------------|-------|-------|
| مقدار ثابت      | SE                 | بتا             |       |       |
| ۶۵/۵۲           | ۹/۳۹               |                 | -۶/۹۷ | ۰/۰۰۱ |
| دلبستگی به خدا  | ۱/۴۷               | ۰/۲۰            | ۷/۳۷  | ۰/۰۰۱ |
| دلبستگی ایمن    | -۱/۳۹              | ۰/۲۳            | -۵/۸۳ | ۰/۰۰۱ |
| دلبستگی اجتنابی | ۱/۹۹               | ۰/۲۳            | ۸/۴۳  | ۰/۰۰۱ |
| دلبستگی دوسوگرا | ۱/۴۰               | ۰/۲۳            | ۵/۹۳  | ۰/۰۰۱ |

با توجه به نتایج جدول (۳) متغیرهای دلبستگی به خدا، دلبستگی اجتنابی و دلبستگی دوسوگرا در تبیین افسردگی نقش دارند؛ همچنین مقدار ثابت با توجه به معنادار بودن آن در سطح ۰/۰۰۱ در معادله رگرسیونی پیش‌بینی افسردگی بر اساس متغیرهای پیش‌بین وارد می‌شود.

جدول ۴: نتایج ضرایب چندگانه و بررسی معناداری پیش‌بینی اضطراب از طریق متغیرهای پیش‌بین بر اساس آزمون آنوا

| متغیر ملاک | منبع تغییر | مجموع مجزورات | درجه آزادی | میانگین مجزورات | F     | P     | R    | R2   | R تعدیل‌شده |
|------------|------------|---------------|------------|-----------------|-------|-------|------|------|-------------|
| افسردگی    | رگرسیون    | ۶۰۵۱/۴۱       | ۴          | ۱۵۱۲/۸۵         | ۲۳/۳۹ | ۰/۰۰۱ | ۰/۶۲ | ۰/۳۹ | ۰/۳۷        |
|            | باقی‌مانده | ۹۳۷۴/۸۳       | ۱۴۵        | ۶۴/۶۵           |       |       |      |      |             |
|            | کل         | ۱۵۴۲۶/۲۴      | ۱۴۹        |                 |       |       |      |      |             |

همان‌طور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، مدل رگرسیون حاضر با  $(F=54/68)$  معنادار است  $(p<0/01)$ ؛ همچنین مقدار همبستگی چندگانه متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک برابر با ۰/۶۲ و ضریب تعیین تبدیل‌شده ۰/۳۷ به‌دست آمد؛ بنابراین دل‌بستگی به خدا، دل‌بستگی ایمن، دل‌بستگی اجتنابی و دوسوگرا قادر به پیش‌بینی ۰/۳۷ از تغییرات متغیر اضطراب بود.

جدول ۵: نتایج پیش‌بینی اضطراب در افراد با فشار خون بر اساس متغیرهای پیش‌بین

| مدل              | ضرایب غیراستاندارد |       | ضرایب استاندارد |       |
|------------------|--------------------|-------|-----------------|-------|
|                  | بتا                | SE    | بتا             | t     |
| مقدار ثابت       | -۶۲/۸۷             | ۱۱/۳۴ |                 | -۵/۵۴ |
| دل‌بستگی به خدا  | ۱/۲۱               | ۰/۲۴  | ۰/۹۴            | ۴/۹۶  |
| دل‌بستگی ایمن    | -۰/۴۸              | ۰/۲۸  | -۰/۲۴           | -۱/۶۸ |
| دل‌بستگی اجتنابی | ۱/۸۷               | ۰/۲۸  | ۰/۷۸            | ۶/۵۷  |
| دل‌بستگی دوسوگرا | ۱/۰۶               | ۰/۲۸  | ۰/۳۷            | ۳/۷۱  |

با توجه به نتایج جدول (۵) متغیرهای دل‌بستگی به خدا، دل‌بستگی اجتنابی و دل‌بستگی دوسوگرا در تبیین اضطراب نقش دارند؛ همچنین مقدار ثابت با توجه به معنادار بودن آن در سطح ۰/۰۰۱ در معادله رگرسیونی پیش‌بینی اضطراب بر اساس متغیرهای پیش‌بین وارد می‌شود.

جدول ۶: نتایج ضرایب چندگانه و بررسی معناداری پیش‌بینی استرس از طریق متغیرهای پیش‌بین بر اساس آزمون آنوا

| متغیر ملاک | منبع تغییر | مجموع مجزورات | درجه آزادی | میانگین مجزورات | F     | P     | R    | R2   | R تعدیل‌شده |
|------------|------------|---------------|------------|-----------------|-------|-------|------|------|-------------|
| افسردگی    | رگرسیون    | ۵۳۴۱/۰۷       | ۴          | ۱۳۳۵/۲۶         | ۲۲/۹۲ | ۰/۰۰۱ | ۰/۶۲ | ۰/۳۸ | ۰/۳۷        |
|            | باقی‌مانده | ۸۴۴۶/۲۵       | ۱۴۵        | ۵۸/۲۵           |       |       |      |      |             |
|            | کل         | ۱۳۷۸۷/۳۳      | ۱۴۹        |                 |       |       |      |      |             |

همان‌طور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود، مدل رگرسیون حاضر با  $(F=22/92)$  معنادار است  $(p<0/01)$ ؛ همچنین مقدار همبستگی چندگانه متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک برابر با ۰/۳۷ و ضریب تعیین تبدیل‌شده ۰/۳۷ به‌دست آمد؛ بنابراین دل‌بستگی به خدا، دل‌بستگی ایمن، دل‌بستگی اجتنابی و دوسوگرا قادر به پیش‌بینی ۰/۳۷ از تغییرات متغیر اضطراب بود.

جدول ۷: نتایج پیش‌بینی استرس در افراد با فشار خون بر اساس متغیرهای پیش‌بین

| مدل             |        | ضرایب غیراستاندارد |       | ضرایب استاندارد |       |
|-----------------|--------|--------------------|-------|-----------------|-------|
|                 | بتا    | SE                 | بتا   | t               | p     |
| مقدار ثابت      | -۵۷/۲۲ |                    | ۱۰/۷۶ | -۵/۳۱           | ۰/۰۰۱ |
| دلبستگی به خدا  | ۱/۴۹   |                    | ۰/۲۳  | ۶/۴۳            | ۰/۰۰۱ |
| دلبستگی ایمن    | -۱/۳۹  |                    | ۰/۲۷  | -۵/۰۸           | ۰/۰۰۱ |
| دلبستگی اجتنابی | ۱/۶۹   |                    | ۰/۲۷  | ۶/۲۷            | ۰/۰۰۱ |
| دلبستگی دوسوگرا | ۰/۹۷   |                    | ۰/۲۷  | ۳/۵۹            | ۰/۰۰۱ |

با توجه به نتایج جدول (۷) متغیرهای دلبستگی به خدا، دلبستگی اجتنابی و دلبستگی دوسوگرا در تبیین استرس نقش دارند؛ همچنین مقدار ثابت با توجه به معنادر بودن آن در سطح ۰/۰۰۱ در معادله رگرسیونی پیش‌بینی استرس بر اساس متغیرهای پیش‌بین وارد می‌شود.

### نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین دلبستگی به خدا با افسردگی، اضطراب و استرس بیماران فشار خون ارتباط معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، فرض صفر مبنی بر عدم رابطه معنادار بین دلبستگی به خدا با افسردگی، اضطراب و استرس رد شده و فرض خلاف آن مبنی بر رابطه معنی‌دار بین دلبستگی به خدا با افسردگی، اضطراب و استرس پذیرفته می‌شود. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های بیطرفان و دیگران (۱۳۹۶)، شریفی ساکی و دیگران (۱۳۹۸)، برام و دیگران (۲۰۰۸)، براد شاو و دیگران (۲۰۱۰)، الیسون و دیگران (۲۰۱۴)، هاگان (۲۰۲۱) و نورت و دیگران (۲۰۲۲)، همخوانی دارد.

دلبستگی پیوند عاطفی است که از طریق برقراری ارتباط واقعی و مداوم شکل می‌گیرد. درواقع دلبستگی یک رابطه خاص عاطفی است که نیازمند تعامل مراقبت لذت و آرامش است. بنابراین کیفیت رابطه‌ای که کودک با مراقبین اولیه خود دارد، به همراهی امنیت و دلبستگی، عواملی خیلی مهمی هستند که با سلامت روان افراد در طول زندگی آنها ارتباط دارند. در سال‌های گذشته پژوهش‌هایی نشان داده‌اند که این ارتباط بین انسان‌ها و خداوند نیز وجود دارد (Flannelly & etc, 2010). افراد خداوند را به عنوان پناهگاهی امن می‌شناسند و آن را درونی می‌کنند، و همین مسئله به آنها در مقابله با مشکلات کمک زیادی می‌کند (لیلان و دیگران، ۲۰۱۵). دلبستگی به خدا، زمانی از اهمیت زیادی برخوردار شد که مشخص گردید کیفیت این دلبستگی با سلامت روان افراد ارتباط دارد (فالانلی و دیگران، ۲۰۱۰؛ برادشاو و دیگران، ۲۰۱۸). افرادی که دلبستگی ایمن به خدا دارند در شرایط سخت خدا را در کنار خود می‌بینند، به او اتکا می‌کنند و این اتکا آنان را در استفاده از روش‌های معنوی در رویارویی با مشکلات کمک می‌کند. افرادی که دلبستگی آنان به خدا ایمن نیست (اجتنابی یا اضطرابی)، در مشکلات و سختی‌ها نمی‌توانند آرامش خود را حفظ کنند و خدا را تکیه‌گاهی امن و منبع آرامش بدانند؛ بنابراین ممکن است در سختی‌ها و شرایط ناگوار و طاقت‌فرسا از روش‌های ناکارآمد و اجتنابی استفاده کنند که چرخه معیوب و نادرستی در زندگی آنان ایجاد می‌کند (صفری، ۱۳۹۲).

از دیدگاه پژوهشگر در توجیه یافته‌های فوق می‌توان گفت که بیماران فشارخونی که دلبستگی ایمن به خداوند دارند، در فعالیت‌های معنوی خویش ارتباطی ایمن و مثبت با خدای خود به وجود می‌آورند و این ارتباط مطلوب چون تکیه‌گاهی برای آنان است و منجر به آرامش و کاهش استرس و اضطراب در افراد می‌شود. در مقابل، افراد با دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا، این بیماری را به دلیل مجازات خداوند، رفتارهای که مستحق بوده‌اند و... می‌دانند که می‌تواند منجر به افزایش سطح استرس، اضطراب و افسردگی افراد شود. نتایج این پژوهش با پژوهش برادشاو و دیگران (۲۰۱۰) که در پژوهش خود نشان دادند افراد با تصور مثبت از خدا (تصویر صمیمی، بخشنده، محافظت‌کننده و دوست‌دارنده از خدا) از سلامت روانی بالایی برخوردارند، همسو است. آنان همچنین اثبات نمودند که نشانه‌های بیماری‌های روانی در این افراد کمتر است؛ برعکس افرادی که خداوند را از خود دور می‌دانند و باور دارند که خداوند از آنان فاصله گرفته، سلامت روانی پایین‌تری دارند و میزان اضطراب و استرس و همچنین افسردگی در آنان بالاتر است. این پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که افرادی که تصور مثبت از خدا دارند، در میزان افسردگی، اضطراب، حساسیت در روابط بین‌فردی، هراس، وسواس، بی‌اختیاری، افکار پارانوئید، شکایت جسمانی و خصومت پایین‌تر از دیگر افراد هستند. پژوهش‌ها همچنین نشان داده‌اند که اعتقاد داشتن به خدای مهربان و دوست‌دارنده، با اعتمادبه‌نفس بالا ارتباط دارد (Ellison & etc, 2014). برام و دیگران (۲۰۰۸) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که احساس نارضایتی از خدا با ناامیدی، احساس گناه، احساس افسردگی ارتباط معناداری دارد. در این پژوهش، تصور منفی از خدا (باور به خداوند تنبیه‌کننده) با احساس گناه افراد شرکت‌کننده در پژوهش توأم بوده است. علاوه بر این آنها نشان دادند که روان‌رنجورخویی با احساس ترس از خدا، نارضایتی و اضطراب از او همراه است؛ درحالی‌که توافقی‌پذیری با تصور ذهنی حمایت‌کننده از خدا توأم می‌باشد (Braam & etc, 2008).

## منابع

- اسلامی، علیرضا و دیگران (۱۳۹۵). اثربخشی درمان شناختی مبتنی بر ذهن آگاهی بر اضطرابی و بهزیستی روان‌شناختی بیماران مبتلا به فشار خون بالا. *کنفرانس روان‌شناسی علوم تربیتی و سبک زندگی با رویکرد بین‌المللی*.
- آقائی، الهام و دیگران (۱۳۹۲). اثربخشی درمان گروهی مدیریت استرس بر افسردگی و فشارخون بیماران زن مبتلا به فشار خون. *روان‌شناسی سلامت*، ۲(۷)، ۶۸۵-۷.
- بهرامی، محسن (۱۳۹۵). رابطه بین دلبستگی به والدین، دلبستگی بزرگسال، دلبستگی به خدا، تاب‌آوری و صبر با سلامت روان‌شناختی دانشجویان: مطالعه‌ای بر اساس مدل‌یابی معادلات ساختاری. رساله دکتری. تبریز: دانشگاه تبریز.
- بیطرفان، لیلا و دیگران (۱۳۹۶). رابطه سبک‌های دلبستگی به خدا و تاب‌آوری با اضطراب مرگ در سالمندان. *سالمند*، ۱۲(۴)، ۴۴۶-۴۵۷.
- جنابادی، حسین و سابقی، فرامرز (۱۳۹۳). رابطه دلبستگی به خدا با معناداری زندگی والدین کودکان کم‌توان ذهنی شهر زاهدان. *ماهنامه علمی پژوهشی دانشکده بهداشت یزد*، ۱۳(۲)، ۹۹-۱۱۲.
- خانجانی، زینب (۱۳۸۴). تحول و آسیب‌شناسی دلبستگی از کودکی تا نوجوانی. تبریز: فروزش.
- شریفی ساکی، شیدا و دیگران (۱۳۹۸). سبک‌های دلبستگی به خدا و افسردگی با میانجیگری اضطراب مرگ در زنان مبتلا به سرطان پستان. *دین و سلامت*، ۷(۲)، ۱۱-۱.
- شجاعی‌زند، نجمه، طیبی، افشین (۱۳۹۶). اثربخشی ذهن آگاهی مبتنی بر کاهش استرس بر استرس ادراک‌شده در زنان مبتلا به سرطان سینه. *کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در مدیریت، حقوق، اقتصاد و علوم انسانی*.
- صفری، فاطمه (۱۳۹۲). مقایسه میزان افسردگی مردان و زنان سالمند و عوامل تأثیرگذار بر آن در محمدشهر کرج. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- کلهرنیا گلکار، مریم و دیگران (۱۳۹۳). اثربخشی ترکیب آموزش مدیریت استرس و معنویت‌درمانی بر فشارخون، اضطراب و کیفیت زندگی بیماران مبتلا به فشار خون بالا. *روان‌شناسی بالینی*، ۶(۳)، ۱۱-۱.
- محمدی، علیرضا و عالمی، سیما (۱۳۹۴). *روان‌شناسی سلامت*. تهران: کتابخانه فرهنگ.
- مهران‌فر، راشین (۱۳۹۶). *بررسی تأثیر درمان شناختی- رفتاری بر کاهش پرخاشگری و افسردگی زنان یائسه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی.
- نولن هوکسما، سوزان، فردریکسون، باربارا ال، لافتوس، جفری ار. و کریستل، لوتز (۱۳۹۳). *زمینه روان‌شناسی اتکینسون و هیلگارد*. تهران: ارجمند.
- Agyei, B., Nicolaou, M., Boateng, L., Dijkshoorn, H., Born, B. & Agyemang, C. (2014). *Relationship between psychosocial stress and hypertension among Ghanaians in Amsterdam. the Netherlands - the GHAI study*. National Library of Medicine.
- Bowlby, J. (1973). *Attachment and loss: Volume II: Separation, anxiety and anger*. The Hogarth press and the institute of psycho-analysis, London.
- Braam, A. W., Schaap-Jonker, H., Mooi, B., Ritter, D. D., Beekman, A. T. & Deeg, D. J. (2008). God image and mood in old age: Results from a community-based pilot study in the Netherlands. *Mental Health, Religion and Culture*, 2, 221-237.
- Bradshaw, M., Ellison, C. G. & Marcum, J. P. (2010). Attachment to God, images of God, and psychological distress in a nationwide sample of Presbyterians. *The International journal for the psychology of religion*, 2, 130-147.

- Ellison, C. G., Bradshaw, M., Flannelly, K. J. & Galek, K. C. (2014). Prayer, attachment to God, and symptoms of anxiety-related disorders among US adults. *Sociology of Religion*, 2, 208-233.
- Flannelly, K. J., Galek, K., Ellison, C. G. & Koenig, H. G. (2010). Beliefs about God, psychiatric symptoms, and evolutionary psychiatry. *Journal of Religion and Health*, 2, 246-261.
- Flannelly, k. j; Galek,k; Ellison, C. G. & Koenig, H. K. (2010). Belifes about God, Psychiatric Symptoms, and Evolutionary Psychiatry. *Journal of Religion and Health*, 49(2), 246-261.
- Fotouh, A. (1996). Prevalence of hypertension in south-western Saudi Arabia. *EMHJ-Eastern Mediterranean Health Journal*, 2, 211-218.
- Granqvist, P. Mario Mikulincer, and Phillip R. Shaver (2008). Religion as Attachment: Normative Possesses and Indivuiual Differences. *Personaity and Social Psychology Review*, 9, 41-01.
- Granqvist, p. & kirkpatrick, l. a. (2013). *Religion spirituality and attachment*,1, 129-155.
- Hagan Jr, J. E. (2021). Investigating Pre-Competition Related Discrete Emotions and Un-accustomed Religious Coping among Elite Student-athletes. *Implications for Reflexive Practice. Religions*, 12(3), 1-17.
- Jauncey, T. & Strodl, E. (2018). Love of God, others, and self and their association with satisfaction with life and mental health for Christians. *Journal of spirituality in mental health*, 3, 239-260.
- Kasper, D. L. & et al (2008). Harrison's principles of internal medicine disorders of cardiovascular system. *McGraw-Hill Professional Publishing*, 224-249.
- Kendall, P.C. and Hedtke, K. A. (2006). *Cognitive-Behavioral Therapy for Anxious Children*. Therapist Manual: Workbook Publishing.
- Kirkpatrick, L. A. (1994). The role of attachment in religious belief and behavior. *Advances in personal relationships*, 1, 239-265.
- Koenig, H. G., Larson, D. B. (2001). *Hand book of Religion and Health*. New York: Oxford University press.
- Leilan, M. P., Kheiri, Y. & Babapour, J. (2015). Relationship between attachment to God and trust with psychological vulnerability of students with mediating on patience. *International Research Journal of Applied and Basic Sciences*, 9, 1568-1573.
- Mansour, Z., Said, R., Dbaiibo, H., Mrad, P., Torossian, L., Rady, A. & Dufouil, C. (2020). Non-communicable diseases in Lebanon: results from World Health Organization STEPS survey. *Public Health*, 187, 120-126.
- Noort, A., Braam, A. W., Koolen, J. C. & Beekman, A. T. (2022). Religious delusions in Dutch older adults in treatment for psychosis: a follow-up study. *International Psychogeriatrics*, 1(13), 51-63.
- Okozi, I. F. (2010). *Attachment to God: Its impact on the psychological wellbeing of persons with religious vocation*. Unpublished doctoral dissertation: Seton Hall University.
- Waters, F., Allen, P., Aleman, A., Fernyhough, C., Woodward, T. S., Badcock, J. C., & Larøi, F. (2012). Auditory hallucinations in schizophrenia and nonschizophrenia populations: a review and integrated model of cognitive mechanisms. *Schizophrenia bulletin*, 38(4), 683-693.

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0> 10.22034/ravanshenasi.2025.5000684 20.1001.1.20081782.1404.18.1.6.1

## The Mediating Role of Attachment to God in the Relationship of Psychological Distress and Psychological Well-Being with Forgiveness

 **Seyedeh Asma Hosseini** / Assistant Professor at the Department of Psychology, Faculty of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran. [s.a.hosseini@alzahra.ac.ir](mailto:s.a.hosseini@alzahra.ac.ir)

**Zeinab Ebn Ali** / Master of Clinical Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Iran. [zeinab.ea183@gmail.com](mailto:zeinab.ea183@gmail.com)

**Received:** 2025/01/08 - **Accepted:** 2025/05/10

### Abstract

This study examined the mediating role of attachment to God in the relationship between psychological distress, psychological well-being, and forgiveness. The statistical population comprised adults in Tehran. A convenience sample of 407 participants (339 females, 68 males; aged 18–57) completed the Demographic Questionnaire, Attachment to God Scale (AGS), Mental Health Inventory (MHI-28), Depression Anxiety Stress Scales (DASS-14), and Heartland Forgiveness Scale (HFS). Data were analyzed using structural equation modeling and Sobel test. Findings indicated forgiveness positively affected mental health and attachment to God; attachment to God also significantly improved mental health. Inverse correlations were observed between mental health and depression, anxiety, and stress. Attachment to God mediated the relationship between forgiveness and mental health. Model fit indices confirmed the structural model's suitability for mediation and prediction, suggesting that strengthening attachment to God consolidates the link between psychological well-being and forgiveness.

**Keywords:** attachment to God, psychological distress, psychological well-being, forgiveness, mental health.

## نقش میانجیگر دلبستگی به خدا در رابطه پریشانی روان‌شناختی و سلامت روان‌شناختی با بخشش

✉ سیده اسماء حسینی  / استادیار گروه روان‌شناسی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

s.a.hosseini@alzahra.ac.ir

zeinab.ea183@gmail.com

زینب ابن علی / کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجیگر دلبستگی به خدا در رابطه پریشانی روان‌شناختی و سلامت روان‌شناختی با بخشش انجام شد. جامعه آماری را بزرگسالان شهر تهران تشکیل دادند. نمونه شامل ۴۰۷ نفر (۳۳۹ خانم و ۶۸ آقا) در دامنه سنی ۱۸-۵۷ سال بود که به صورت در دسترس انتخاب شدند. آزمودنی‌ها پرسش‌نامه اطلاعات دموگرافیک، پرسش‌نامه دلبستگی به خدا (AGS)، مقیاس سلامت روانی (MHI-28)، پرسش‌نامه اضطراب، افسردگی، استرس (Dass-14) و مقیاس بخشش هارتلند (HFS) را تکمیل کردند. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل مدل‌سازی معادلات ساختاری و آزمون سوبل استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که بخشش بر روی سلامت روانی و دلبستگی به خدا و همچنین دلبستگی به خدا بر سلامت روانی اثر مثبت و معنی‌داری دارند؛ همچنین همبستگی معکوس و معنی‌دار بین سلامت روانی و افسردگی، اضطراب و استرس نیز دیده شد. بررسی اثر میانجی دلبستگی به خدا بر رابطه بخشش و سلامت روانی نشان داد که دلبستگی به خدا می‌تواند اثر میانجی معنی‌داری داشته باشد. شاخص‌های ارزیابی مدل نیز نشان داد که مدل ساختاری برازش لازم برای هدف تعیین میانجیگری و پیش‌بینی را داراست و می‌توان با تقویت دلبستگی به خداوند، رابطه بین بهزیستی روان‌شناختی و بخشش را تحکیم کرد.

**کلیدواژه‌ها:** دلبستگی به خدا، پریشانی روان‌شناختی، بهزیستی روان‌شناختی، بخشش، سلامت روانی.

## مقدمه

سلامت روان به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر سلامت و بهزیستی، بیانگر بهزیستی شناختی، رفتاری و هیجانی و تأثیر آن در نحوه تفکر، احساس و رفتار افراد است (Wada & Khalid, 2021). مراقبت از سلامت روان، توانایی فرد برای لذت از زندگی را حفظ می‌کند. انجام این کار مستلزم حفظ تعادل بین فعالیت‌های زندگی و مسئولیت‌ها و تلاش برای دستیابی به تاب‌آوری روانی است (Felman & Melegrito, 2022). طبق تخمین سازمان جهانی بهداشت، نزدیک به ۴۵۰ میلیون نفر در سراسر جهان مبتلا به اختلال روانی بوده و ۲۵ درصد از جمعیت، در برخی مواقع زندگی خود، از بیماری روانی رنج می‌برند (Wada & Khalid, 2021). البته طبق تعریف، سلامت روان فراتر از فقدان اختلالات روانی و ناتوانی است و دو دیدگاه در مورد تعریف سلامت روان مطرح است (Felman & Melegrito, 2022). طبق دیدگاه تک‌بعدی، شرایط سلامت روان مثبت و منفی دو طرف مقابل یک پیوستار هستند (Payton, 2009). از این منظر عدم وجود آسیب‌شناسی روانی پیش‌بینی‌کننده آغاز بهزیستی روانی خواهد بود. از دید مدل دو عاملی سلامت روان، سلامت روان شامل شاخص‌های مثبت و منفی مرتبط، اما متمایز است (Suldo & Shaffer, 2008). سلامت روان مثبت به‌عنوان بهزیستی روان‌شناختی بهینه، و سلامت روان منفی، نشانگر شاخص‌های خطری چون پریشانی روان‌شناختی و اختلالات روان‌پزشکی می‌شود (Jiang, 2020).

سلامت روان بهینه به تعادل ظریف عوامل شخصی و بیرونی و اجتماعی گوناگون بستگی داشته و عناصر مختلفی در ایجاد اختلالات روانی و بالعکس بهزیستی افراد دخیل‌اند. شرایط اجتماعی و اقتصادی چون اشتغال، سطح مشارکت اجتماعی و تحصیلات، و عوامل فردی چون جنسیت، سن، قومیت و ملیت، و عوامل درونی و روانی چون سیستم بیولوژیکی و ذخیره ژنتیکی فرد، تجارب دوران کودکی و سبک شخصیت فرد بر میزان و بهره‌وی از سلامت روان اثرگذارند (Felman & Melegrito, 2022).

بر اساس دیدگاه روان‌شناسی مثبت، بهزیستی یک فرد در درون او و متأثر از روابط او با دیگران است؛ برای مثال، طبق مدل سلیگمن (Seligman) (۲۰۱۷)، ارتباط و پیوند یکی از جنبه‌های لذت و اشتیاق در افراد است. از نظر لویز، پدروتی و اشنایدر (Lopez, Pedrotti & Snyder) (۲۰۱۵)، دو جنبه اساسی برای نقاط قوت موجود در رابطه، همدلی و بخشش (جهت‌گیری به سمت درک و فهم دیگران که منجر به نوع‌دوستی می‌شود) و دلبستگی (جهت‌گیری به‌سوی دوست داشتن دیگران که منجر به پیوند می‌شود) است. همان‌طور که بیان شد، سلامت روانی با بخشش مرتبط است. پژوهش حاضر به رابطه بین بهزیستی روان‌شناختی و پریشانی روان‌شناختی با بخشش پرداخته است.

بخشش، پاسخ یک فرد یا گروهی از افراد به آسیب‌دیدگی، آزرده‌گی یا صدمه دیدن به‌وسیله فرد یا افراد دیگر است. بخشش فرایندی است شامل افکار، احساسات و رفتارهایی که در آن خشم، انتقام، تلخی و اجتناب با همدلی،

حسن نیت و خیرخواهی نسبت به آزاردهنده جایگزین می‌شود. بخشش به معنای عفو جرم یا توجیه مجرم نبوده و حتی آشتی که فرایندی مستلزم مشارکت فعال قربانی و مجرم است، نیست (Akhtar & Barlow, 2018). بخشش مؤلفه‌ای است که همهٔ ادیان بزرگ جهان آموزه‌هایی در مورد آن ارائه داده‌اند و بسیاری از فیلسوفان در مورد آن به بحث و تحلیل پرداخته‌اند. با این حال مطالعهٔ علمی بخشش به عنوان یک سازهٔ روانی در سدهٔ گذشته به سرعت افزایش یافته است (Altmaier, 2019). تعاریف روان‌شناختی از بخشش مؤلفه‌های مختلف آن را تصریح می‌کند؛ مثلاً انگیزه‌های قربانی نسبت به مجرم در مرکز مدل مک‌کالو (McCullough) (۲۰۰۸) قرار دارد. بخشش از نظر انگیزشی موجب کنار گذاشتن انگیزه‌های منفی چون انتقام و اتخاذ انگیزه‌های مثبت چون خیرخواهی نسبت به مجرم می‌شود. تمرکز مدل ورثینگتون (Worthington) (۲۰۰۵) بر بخشش عاطفی، جایگزینی احساسات منفی نسبت به مجرم با عواطف اجتماعی چون شفقت است. طبق توصیف ورثینگتون، قربانی در بخشش تصمیمی، رفتارهای منفی خود نسبت به مجرم را تغییر داده و دور از اعمال منفی رفتار می‌کند (Worthington, 2016).

انرایت و فیتزگیبز (Enright R. D. & Fitzgibbons) (۲۰۰۰)، بخشش را به عنوان یک فرایند توصیف کردند که در آن قربانی به تدریج افکار و احساسات و رفتارهای منفی را با افکار و احساسات و رفتار مثبت جایگزین می‌کند. فهر، گلفند و ناگ (Fehr, Gelfand & Nag) (۲۰۱۰) نیز، به ارائهٔ متغیرهای تأثیرگذار در وقوع بخشش پرداخته‌اند، که تأثیرات شناختی، شامل نگرش و افکار، و تأثیرات عاطفی، شامل خلق مثبت و منفی است. علی‌رغم تفاوت در تعاریف بخشش، در مورد تعاریفی که در دستهٔ بخشش قرار نمی‌گیرند، توافق وجود دارد. بخشش، شامل نادیده گرفتن جرم که شدت تأثیر تخلف یا ضربه وارد شده به قربانی را تقلیل می‌دهد و جرم بین فردی را قابل قبول تلقی می‌کند، نمی‌شود. همچنین بخشش به معنای توجیه و بیان دلایل ادعاشده پشت جرم، که تأثیر آن را متعادل می‌کند (مثل اینکه او فقط روز بدی داشت یا واقعاً منظوری نداشت) نیز نیست. گریز از رویارویی به خاطر اضطراب، عدم تمایل به اعتراف خشم به خاطر جرم و فراموش کردن اتفاق نیز جزو بخشش محسوب نمی‌شود. آشتی به عنوان یک فرایند که در آن قربانی و متخلف برای بازگرداندن رابطهٔ قبلی خود تلاش می‌کنند نیز بخشش نیست. بخشش بدون آشتی نیز رخ می‌دهد (Altmaier, 2019).

ارتباط بخشش و پیامدهای مثبت سلامت روان توجه بسیاری از پژوهش‌ها را به خود جلب کرده است (Kent, Bradshaw & Uecker, 2017). به نظر می‌رسد بخشش یک سازهٔ مفید برای سلامت روان است. صفت بخشش با بهزیستی ذهنی بالاتر، افسردگی و استرس پایین‌تر و نشانه‌های پیری موفق همراه است (Allemand et al, 2012). ارتباط منفی مفهوم بخشش با علائم روان‌شناختی چون اضطراب، افسردگی، علائم اختلال استرس پس از سانحه، بدگمانی و عزت نفس پایین، همواره مورد تأیید پژوهش‌های بسیاری قرار گرفته است (میرمهدی و دیگران، ۲۰۲۱). همچنین طبق یافته‌ها، توانایی بخشش تخلفات دیگران، موجب ارتقای سلامت

بین فردی و به تبع ارتقای سلامت روان فرد می‌شود (Kent, Bradshaw & Uecker, 2017). طبق یافته کرواس و السون (Krause and Ellison) (۲۰۱۳)، نحوهٔ بخشش نیز مهم است؛ کسانی که متخلفان را ملزم به انجام توبه می‌کنند، سطح پریشانی بیشتری نسبت به کسانی که آزادانه و بدون قید و شرط می‌بخشند، تجربه می‌کنند.

تفاوت‌های فردی تأثیر بخشش بر سلامت روان را تعدیل می‌کنند. یکی از معیارهای فردی کیفیت دلبستگی به‌طور کلی و دلبستگی به خدا و چگونگی ادراک ارتباط با خدا به‌طور خاص است (Griffin et al, 2015). نظریهٔ دلبستگی با توجه به توسعه و پویایی‌های روابط عاطفی بین فردی، به بررسی پیوند کودک و مراقب به‌عنوان برانگیزانندهٔ محوری رفتار و آغازگر روابط بین فردی در آیندهٔ او می‌پردازد (Henderson & Kent, 2021). به اعتقاد بالبی (Bowlby) (۱۹۶۹)، نظام رفتاری دلبستگی به‌عنوان یک سیستم روانی - زیستی ذاتی و محرک فرد به انجام رفتارهای نزدیکی‌جویی، به هدف حمایت از دیگران در مواقع نیاز به حفاظت و ایمنی (بقا) تکامل یافته است (Cherniak et al, 2021).

اینثورت (Ainsworth) (۱۹۷۸) به مشاهده و ترسیم تفاوت‌های فردی و عملکردی در نظام دلبستگی نوزادان که معمولاً ناشی از اختلاف و تفاوت‌ها در تجربیات ارتباطی با چهرهٔ دلبستگی و ذخیره‌سازی آن در قالب بازنمایی‌های ذهنی از خود و دیگران در قالب مدل‌های کاری درونی است، پرداخت (Leman et al, 2018). از نظر اینثورت، فرد به هدف کسب یک پناهگاه امن (تسکین‌دهندهٔ پریشانی و تأمین‌کنندهٔ آرامش) و پایگاه امن (که به‌وسیلهٔ آن می‌توان به کاوش، یادگیری و رشد پرداخت)، به چهرهٔ دلبستگی خود روی می‌آورد (Cherniak et al, 2021). نوزادان دلبستهٔ مضطرب، رفتار چسبنده از خود نشان داده یا کمتر قادر به کنار آمدن با فقدان مراقب‌اند. در مقابل، نوزادان اجتنابی هنگام حضور و عدم حضور مراقب، تغییر ناچیزی را نشان داده و نوزادانی که برای مدت کوتاهی معترض به فقدان مراقب بوده و سپس به بازی خود ادامه داده و پس از بازگشت مراقب به استقبال او می‌روند، ایمن خواهند بود (Ainsworth, 1979).

دلبستگی شکل‌گرفته نوزاد با مراقب اولیه‌اش به‌عنوان مدل کاری درونی که مجموعه‌ای از محرک‌های نورویبولوژیکی، هیجانی و اجتماعی است، که در انتظارات اصلی فرد از روابط آینده ادغام شده و بر آن اثر محوری می‌گذارد، ادامه می‌یابد (Ainsworth et al, 2015). این مدل‌ها ماهیت پویا، روابط کودکی و بزرگسالی چون روابط رمانتیک، دوستانه و شغلی را تبیین می‌کنند (Henderson & Kent, 2021). تعامل با مراقبان حساس و پاسخگو منجر به ایمنی شده و این انتظار که هنگام نیاز حمایت در دسترس خواهند بود را تقویت می‌کند، که به تبع منجر به تقویت مدل‌های کاری درونی مثبت و تقویت خودارزشی و خیرخواهی نسبت به دیگران می‌شود. با این حال، در صورتی که چهرهٔ دلبستگی به‌صورت قابل اعتمادی حساس و پاسخگو نباشد، نایمنی دلبستگی ایجاد شده که با مدل‌های کاری درونی منفی مشخص می‌گردد (Cherniak et al, 2021).

محققان تفاوت‌های فردی مرتبط با دلبستگی در نوجوانی و بزرگسالی را (سبک‌های دلبستگی) در قالب یک پیوستار دوبعدی ترسیم و مفهوم‌سازی کرده‌اند (Johnson et al, 2010). مشخصه بعد اجتنابی، بی‌اعتمادی فرد نسبت به نیت دیگران و تلاش دفاعی برای حفظ استقلال رفتاری و عاطفی از دیگران (غیرفعال‌سازی سیستم دلبستگی) است. مشخصه بعد اضطرابی، نگرانی فرد از اینکه دیگران حمایت‌کننده نخواهند بود و جست‌وجوی مراقبت و عشق همراه با اضطراب است (بیش‌فعالی سیستم دلبستگی) (Cherniak et al, 2021). درحالی‌که نمرات اجتناب و اضطراب بالا نشان‌دهنده ناایمنی است، افرادی که در هر دو نمره پایین دارند، ایمن‌اند (آسوده‌خاطر در برقراری صمیمیت و وابستگی متقابل امن با دیگران) (Cherniak et al, 2021). پژوهش‌ها تا حد زیادی از کارکرد محافظتی دلبستگی ایمن به‌عنوان سپری در برابر اضطراب و محرک رشدی آن حمایت کرده‌اند (Brennan, Clark, & Shaver, 1998).

پیوند عاطفی ادراک‌شده بین خدا و مؤمن به او بسیار مشابه رابطه بین مراقب و نوزاد و سایر بزرگسالان بوده و به‌عنوان نسخه ایمنی و آرامش عمل می‌کند. این مسئله و همچنین وجود معیارهای یک ارتباط دلبسته‌مدار ازجمله پویایی‌هایی چون احساس نزدیکی، اضطراب، بیگانگی، عشق، مراقبت، اعتماد و عدم اطمینان که افراد در رابطه ادراک شده با خدا تجربه می‌کنند (Mikulincer & Shaver, 2016)، تئوری دلبستگی را بر آن داشته تا برای فهم باورها و تجربیات و رفتارهای دینی چارچوبی ارائه دهد (Kirkpatrick, 1998). حوزه فرعی دلبستگی به خدا، به تجزیه و تحلیل چگونگی ارتباط و پیوند عاطفی با خدا و دلبستگی دوران کودکی و پیامدهای اجتماعی - روانی حاصل آن می‌پردازد (Allemand et al, 2012). کرک‌پاتریک و شیور (Kirkpatrick and Shaver, ۱۹۹۰)، رابطه مؤمنان با خدا را به‌عنوان یک پیوند دلبستگی مفهوم‌سازی نمودند. مؤمنان ممکن است خدا را به‌عنوان منبع حمایتی بسیار قدرتمند (پناهگاه امن و پایگاه ایمن) ادراک کنند (Cherniak et al, 2021). از منظر برخی محققان در قیاس با تنوع روابط انسانی، خدا نمایانگر چهره نهایی دلبستگی است (Kirkpatrick, 2005). این دیدگاه نسبت به خدا، به‌عنوان چهره دلبستگی در هر دو سطح بازنمایی نظری و تجربه‌ای - عاطفی ظاهر می‌شود (Granqvist, 2020). طبق شواهد علوم اعصاب، افراد مذهبی هنگام شرکت در عبادات شخصی، خدا را به‌عنوان یک شریک عاطفی تجربه می‌کنند (Davis, Granqvist & Sharp, 2018). به نظر می‌رسد که دلبستگی به خدا در پیوند زمانی با بلوغ و رشد دلبستگی پدید می‌آید. تحولات شناختی (چون تفکر نمادین و ذهنی‌سازی)، اتکای کودک به تماس فیزیکی با مراقب را کاهش و توانایی برای تکیه به منابع درونی ایمنی را افزایش داده و به‌تبع او را قادر به در نظر گرفتن موجودات غیرمادی چون خداوند به‌عنوان چهره دلبستگی می‌کند (Kirkpatrick, 1998).

شواهد گسترده حاکی از تمایل مؤمنان به ادراک خدا به‌عنوان پناهگاه و پایگاه ایمن است؛ به‌عنوان مثال، بسیاری از مناسب‌مذهبی مثل بالا بردن دست‌ها هنگام دعا نشان‌دهنده درخواست صریح فرد برای جلب پناهگاه امن در

هنگام نیاز است (Schjodt et al, 2009). در پژوهشی گزارش شد که کودکان و بزرگسالان به تهدید مرتبط با دلبستگی (جدایی) با افزایش تقرب به خدا، واکنش نشان داده‌اند (Hood, Hill & Spilka, 2018). در ادامه این پژوهش، گرانویست و دیگران دریافتند که تهدید اولیه (مثل شکست)، دسترسی شناختی مؤمنان به بازنمایی‌های مرتبط به خدا را افزایش داده و موجب تقویت دسترسی به کلمات مثبت مبتنی بر ایمنی و افزایش عاطفه مثبت نسبت به محرک‌های خنثا می‌شود (Greenwald et al, 2018).

همان‌گونه که گفته شد، دلبستگی برای فهم تفاوت‌های فردی در دین‌داری و ارتباط با خدا، چارچوبی ارائه کرده است. دو فرضیه در رابطه با مسیرهای رشدی دینی بر اساس تجربیات مرتبط با دلبستگی مطرح شده است: فرضیه مطابقت و فرضیه جبران (Davis, Granqvist & Sharp, 2018). طبق فرضیه مطابقت، مدل‌های کاری درونی حاصل از تجربیات بین فردی، به بازنمایی‌های خدا تعمیم یافته و مدل‌های کاری مثبت، بازنمایی‌هایی از خدای مهربان و مدل‌های منفی، بازنمایی‌های منفی از خدا را تقویت می‌کنند. همچنین مراقبت پاسخگو و حساس و در نتیجه تشکیل دلبستگی ایمن، یادگیری اجتماعی (جامعه‌پذیری) از چهره دلبستگی را تسهیل می‌کند (علت شباهت و همخوانی مذهب والدین و فرزندان). طبق فرضیه جبران، ممکن است تجربیات دینی به هدف جبران کمبود امنیت دلبستگی در روابط نزدیک استفاده شود (Cherniak et al, 2021).

حجم گسترده‌ای از تحقیقات از این دو فرضیه حمایت کرده‌اند. شواهد حاکی از وجود رابطه مثبت بین امنیت در روابط نزدیک و تصویر خدای دوست‌داشتنی است (Granqvist & Kirkpatrick, 2016). طبق گزارش انکارا و همکاران (Nkara et al) (۲۰۱۸)، برآورد مراقبت پاسخگو و حساس (ایمن)، پیش‌بینی‌کننده بازنمایی منسجم‌تر و خیرخواهانه‌تر از خدا خواهد بود. در راستای شواهد تجربی مرتبط با مطابقت مدل‌های کاری درونی، در پژوهشی، شرکت‌کنندگان با دلبستگی ایمن‌تر، افزایش بیشتری در نزدیکی و دسترسی به مفاهیم مرتبط با خدا را به دنبال ادراک تهدید نشان دادند (Nkara et al, 2018). همچنین به‌عنوان گواهی بر پیوند بین‌نسلی، کودکان مادران ایمن، خدا را نزدیک‌تر از کودکان مادران نایمن احساس کردند (Birgegard & Granqvist, 2004). مطالعات اکتشافی در خصوص رفتارهای دینی نیز از فرضیه مطابقت حمایت کرده است. در مصاحبه مرتبط با اکتشاف دینی، بزرگسالان جوان با دلبستگی ایمن‌تر، احتمال بیشتری در گزارش مضامین مرتبط با ایمنی چون خوش‌بینی، اعتماد به نفس و احساس امنیت دیده می‌شود (Cassibba, Granqvist & Costantini, 2013). همچنین شواهد تسهیل انتقال بین‌نسلی دین را در صورت وجود دلبستگی ایمن، تأیید می‌کند؛ مثلاً طبق تحقیق گرینوالد و دیگران، بزرگسالان ایمن‌تر بیشتر متمایل به تجربه تغییرات مذهبی همسو با سطح دین‌داری والدینشان در دوران کودکی‌شان هستند (Hood, Hill & Spilka, 2018). در مقابل، دلبستگی اضطرابی با تغییرات ناگهانی در دین‌داری، امتناع از مذهب والدین و مضامین مرتبط با جبران عاطفی بیشتر مرتبط می‌باشد. دلبستگی اجتنابی نیز با مضامین جامعه‌پذیری کمتر و

کاوش کمتر، همراه است؛ همچنین طبق یک مطالعه آینده‌نگر در رابطه با پدیدآیی مذهب در طی نوجوانی، دلبستگی ایمن والدین، پیش‌بین قوی برای تأکید و تصدیق مجدد مذهب والدین توسط نوجوان است (Kimball et al, 2013). حمایت از فرضیه جبران عمدتاً محدود به تغییر دین و انگیزه‌های اساسی آن می‌شود. مطالعات نشان داده‌اند که تجارب مراقبتی غیرحساس و نالایمی‌های دلبستگی با بی‌ثباتی مذهبی به‌ویژه تغییرات شدید و ناگهانی مذهبی در بافت آشفتگی‌های زندگی همراه است (Cherniak et al, 2021). این ارتباط هم در مطالعات طولی و هم مقطعی و بین‌فرهنگی گزارش شده است (Hood, Hill & Spilka, 2018). طبق شواهد می‌توان گفت که رابطه ادراک‌شده با خدا می‌تواند به تنظیم بیش‌فعالی سیستم دلبستگی کمک کند (استفاده جبرانی از دین). البته بررسی اخیر گرانویست و همکاران، نقش جبرانی دین در تسهیل امنیت دلبستگی را یک استثنا و نه یک پیش‌فرض گزارش کرده‌اند؛ چراکه مدل‌های کاری درونی معمولاً گرایش به دوام دارند (Schnitker et al, 2012). لذا بررسی صریح میزان و وسعت کسب احساس امنیت از طریق یک رابطه جبرانی با خدا نیازمند مطالعات سیستماتیک بیشتر است.

در ارتباط با سازه بخشش، نظریه عمومی دلبستگی بیشتر از حوزه دلبستگی به خدا، مورد بررسی قرار گرفته است (Cherniak et al, 2021). طبق پژوهش‌ها، مدل‌های کاری درونی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه که ادراک فرد از خود، دیگران و دنیا را محقق می‌سازند، با تحریف اطلاعات مربوط به رابطه فرد و محیط و ایجاد نگرش و پردازش نابهنجار، سطح نابخشودگی خود و دیگران را افزایش می‌دهند (فتیحی، حاتمی و یارمحمدی، ۲۰۲۱). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که افراد ایمن، نسبت به اشتباهات بخشنده‌تر هستند و سطوح بالاتری از صفت بخشش و هیجانات مثبت را تجربه می‌کنند (Jankowski & Sandage, 2011). همان‌گونه که دلبستگی ایمن مرتبط با صفت بخشش است، صفت بخشش در افراد اضطرابی و اجتنابی با کاهش قابل توجهی همراه است (Lawler & Piferi, 2006). از این‌رو همان‌گونه که مشارکت مذهبی بر روی میل به بخشش اثر می‌گذارد، دلبستگی به خدا نیز می‌تواند بر روی بخشش نسبت به دیگران تأثیر گذارد (Davis, Hook & Worthington, 2008).

همان‌گونه‌که گفته شد، دلبستگی به خدا رابطه عاطفی ادراک‌شده با خدا را توصیف می‌کند و افرادی که احساس می‌کنند به خدا نزدیک‌ترند، احتمالاً آماده‌تر و متمایل‌تر به بخشش دیگران‌اند. لذا بخشش به‌واسطه اثرگذاری ایمنی دلبستگی به خدا، احتمال مزایای مثبت را می‌افزاید. درواقع دلبستگی ایمن به خدا با افزایش خوش‌بینی و عزت نفس در طول زمان همراه است (Mullet et al, 2003)، و لذا امنیت دلبستگی به خدا می‌تواند در بهزیستی بیشتر و پریشانی روانی کمتر سهیم باشد (Lee & Montelongo, 2016). طبق پژوهش‌ها، دلبستگی به خدا در افراد دارای پیشینه مذهبی با نتایج مرتبط با سلامت روان در ارتباط است (Kent, Bradshaw & Uecker, 2017). در مطالعات انجام‌شده در حوزه سلامت روان، دلبستگی به خدا با پریشانی روان‌شناختی رابطه معکوس داشته و دلبستگی ایمن پایه، مرتبط با کاهش پریشانی در طول زمان است (Bradshaw, Ellison & Marcum, 2010).

همان‌گونه که گفته شد، تفاوت‌های فردی مسیر اثرگذاری بخشش بر سلامت روانی را تعیین می‌کند و دلبستگی به خدا به‌عنوان یک سازه مهم برای آزمون این تعامل خواهد بود. فرضیه اصلی پژوهش حاضر این است که دلبستگی به خدا در رابطه بین پریشانی روان‌شناختی و بهزیستی روان‌شناختی با بخشش، نقش میانجیگر را ایفا می‌کند. هدف اصلی پژوهش نیز بررسی نقش میانجیگر دلبستگی به خدا در رابطه بین پریشانی روان‌شناختی و بهزیستی روان‌شناختی با بخشش است.

### روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی - همبستگی بود. جامعه آماری را بزرگسالان شهر تهران تشکیل دادند. نمونه شامل ۴۰۷ نفر (۳۳۹ خانم و ۶۸ آقا) در دامنه سنی ۱۸-۵۷ سال بود که به‌صورت در دسترس انتخاب شدند. لینک پرسش‌نامه‌ها همراه با توضیحات کامل به‌صورت مجازی در اختیار افراد قرار گرفت. پرسش‌نامه‌ها شامل پرسش‌نامه اطلاعات دموگرافیک، پرسش‌نامه دلبستگی به خدا (AGS)، مقیاس سلامت روانی (MHI-28)، پرسش‌نامه اضطراب، افسردگی، استرس (Dass-14) و پرسش‌نامه بخشش (PS) بود. اطلاعات پرسش‌نامه‌ها در ذیل آمده است.

### پرسش‌نامه «اطلاعات جمعیت‌شناختی»

این پرسش‌نامه شامل اطلاعاتی مانند سن، جنسیت، تحصیلات، محل سکونت، وضعیت تأهل و اشتغال بود.

### مقیاس «دلبستگی به خدا»

مقیاس دلبستگی به خدا (AGS) (غباری‌بناب و حدادی‌کوهسار، ۲۰۱۱) شامل ۱۶ گویه است و به سنجش ابعاد دلبستگی به خدا (جوارجویی، پناهگاه امن، پایگاه امن، اعتراض به جدایی، ادراک مثبت از خود، ادراک مثبت از خدا) می‌پردازد. در گویه‌های ۱-۲ جوارجویی، گویه‌های ۳-۵ پناهگاه امن، گویه‌های ۶-۸ پایگاه امن، گویه‌های ۹-۱۱ اعتراض به جدایی (نگرانی از جدایی از دلبستگی)، گویه‌های ۱۲-۱۴ ادراک مثبت از خود و گویه‌های ۱۵-۱۶ ادراک مثبت از خدا سنجیده می‌شود. در این پرسش‌نامه برای اندازه‌گیری پاسخ‌ها، از مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت استفاده شده است (از کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۵). نمره‌گذاری در سؤالات ۱۰، ۱۳، ۱۴ معکوس است. آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌های جوارجویی، پناهگاه امن، پایگاه امن، اعتراض به جدایی، ادراک مثبت از خدا و ادراک مثبت از خود به این ترتیب گزارش شده است: ۰/۹۰، ۰/۹۳، ۰/۸۸، ۰/۸۶، ۰/۹۰ و ۰/۸۵ (غباری‌بناب و حدادی‌کوهسار، ۲۰۱۱). روایی سازه این پرسش‌نامه نیز با روش تحلیل عاملی تأیید شده است (لیان، خیری و باباپور، ۲۰۱۵). آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه در پژوهش حاضر ۰/۸۲۵ به‌دست آمد که رضایت‌بخش است.

### مقیاس «سلامت روانی»

مقیاس سلامت روانی - ۲۸ (MHI-28) فرم کوتاه مقیاس ۲۸ سؤالی سلامت روانی (بشارت، ۲۰۰۹؛ Schonning et al, 2020)، یک آزمون ۲۸ سؤالی است و دو وضعیت بهزیستی روان‌شناختی و درماندگی

روان‌شناختی را در اندازه‌های ۵ درجه‌ای لیکرت از نمره ۱-۵ می‌سجند. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در زیرمقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی و درماندگی روان‌شناختی به ترتیب ۱۴ و ۷۰ است. ویژگی‌های روان‌سنجی فرم ۲۸ سؤالی این مقیاس، در نمونه‌ای متشکل از ۷۶۰ آزمودنی در دو گروه بیمار ( $n=277$ ; زن، ۱۷۳؛ مرد، ۱۰۴) و بهنجار ( $n=483$ ; زن، ۲۶۷؛ مرد، ۲۱۶) مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی و درماندگی روان‌شناختی برای نمره آزمودنی‌های بهنجار به ترتیب ۰/۹۴ و ۰/۹۱ و برای نمره آزمودنی‌های بیمار به ترتیب ۰/۹۳ و ۰/۹۰ محاسبه شد، که نشانه همسانی درونی (internal consistency) خوب مقیاس هستند. ضرایب همبستگی بین نمره‌های تعدادی از آزمودنی‌های بهنجار ( $n=92$ ) در دو نوبت با فاصله دو هفته برای سنجش پایایی بازآزمایی (test-retest reliability) محاسبه شد. این ضرایب برای بهزیستی روان‌شناختی و درماندگی روان‌شناختی به ترتیب  $r=0.90$  و  $r=0.89$  و در سطح  $p<0.001$  معنادار بودند، که نشانه پایایی بازآزمایی رضایت‌بخش مقیاس است. ضرایب همبستگی بین نمره‌های تعدادی از آزمودنی‌های بیمار ( $n=76$ ) نیز در دو نوبت با فاصله یک تا دو هفته برای ارزیابی پایایی بازآزمایی محاسبه شد. این ضرایب برای بهزیستی روان‌شناختی و درماندگی روان‌شناختی به ترتیب  $r=0.83$  و  $r=0.88$  و در سطح  $p<0.001$  معنادار بودند، که نشانه پایایی بازآزمایی رضایت‌بخش مقیاس است. روایی هم‌زمان مقیاس سلامت روانی - ۲۸ از طریق اجرای هم‌زمان پرسش‌نامه سلامت عمومی (General Health Questionnaire) (گلدبرگ، ۱۹۷۳، ۱۹۸۸) در مورد همه آزمودنی‌های دو گروه محاسبه شد. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که بین نمره کلی آزمودنی‌ها در پرسش‌نامه سلامت عمومی با زیرمقیاس بهزیستی روان‌شناختی همبستگی منفی معنادار ( $r=-0.87$ ,  $p<0.001$ ) و با زیرمقیاس درماندگی روان‌شناختی همبستگی مثبت معنادار ( $r=0.89$ ,  $p<0.001$ ) وجود دارد. این نتایج روایی هم‌زمان مقیاس سلامت روانی را تأیید می‌کنند. روایی تفکیکی (discriminant) مقیاس سلامت روانی از طریق مقایسه نمره‌های بهزیستی روان‌شناختی و درماندگی روان‌شناختی دو گروه بیمار و بهنجار محاسبه شد و مورد تأیید قرار گرفت. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نیز دو زیرمقیاس بهزیستی روان‌شناختی و درماندگی روان‌شناختی را مورد تأیید قرار داد (بشارت، ۲۰۰۹). آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه در پژوهش حاضر برای زیرمقیاس بهزیستی روان‌شناختی ۰/۸۲۹ و برای پریشانی روان‌شناختی ۰/۸۱۱ به‌دست آمد که رضایت‌بخش است.

#### مقیاس «افسردگی، اضطراب و استرس»

مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس (DASS-21) (Lovibond & Lovibond, 1995)، جهت ارزیابی حالات هیجانی افسردگی، اضطراب و استرس ساخته شده است. این مقیاس دارای دو نسخه ۴۲ و ۲۱ سؤالی است که در پژوهش حاضر از نسخه ۲۱ سؤالی استفاده شده است. در مطالعه طراحان این مقیاس، یک نمونه ۷۱۷ نفری شامل

دانشجویان مورد بررسی قرار گرفتند و همبستگی این پرسش‌نامه با پرسش‌نامه افسردگی بک، ۰/۷۴ به‌دست آمد (Lovibond & Lovibond, 1995). در پژوهش دیگری در انگلستان این مقیاس با ابزارهای دیگری برای افسردگی و اضطراب مقایسه شد و نتایج مطلوبی به‌دست آمد. همچنین آلفای کرونباخ مقیاس برای افسردگی، اضطراب و استرس به ترتیب ۰/۹۵، ۰/۹۰ و ۰/۹۳ و برای کل مقیاس ۰/۹۷ به‌دست آمد. اعتبار این مقیاس در ایران توسط صاحبی و دیگران در سال ۱۳۸۴ مورد بررسی قرار گرفته و تأیید شد. همسانی درونی زیرمقیاس‌ها در نسخه فارسی برای افسردگی، اضطراب و استرس به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۳ و ۰/۸۱ به‌دست آمد. همچنین همبستگی بین زیرمقیاس افسردگی و آزمون افسردگی بک ۰/۷۰، زیرمقیاس اضطراب و آزمون اضطراب زانگ ۰/۶۷ و زیرمقیاس استرس با آزمون تنیدگی ادراک‌شده ۰/۴۹ به‌دست آمد (Crawford & Henry, 2003). آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه در پژوهش حاضر ۰/۸۴۱ به‌دست آمد که رضایت‌بخش است.

#### مقیاس «بخشش هارتلند»

مقیاس بخشش هارتلند (HFS) (Thompson et al, 2005) دارای ۱۸ گویه است و سه زیرمقیاس بخشش خود (Forgiveness of Self) (گویه‌های ۱-۶)، بخشش دیگران (Forgiveness of Others) (گویه‌های ۷-۱۲) و بخشش موقعیت (Forgiveness of Situation) (گویه‌های ۱۳-۱۸) است. گویه‌ها روی یک مقیاس ۷ درجه‌ای از ۱ (تقریباً همیشه غلط) تا ۷ (تقریباً همیشه صحیح) رتبه‌بندی می‌شوند. نمره بخشش کلی از مجموع نمرات خرده‌مقیاس‌ها به‌دست می‌آید. گویه‌های ۲، ۴، ۶، ۷، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۵ و ۱۷ معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. تامپسون و دیگران (Thompson et al) (۲۰۰۵) در ۳ پژوهش متمایز، برای زیرمقیاس‌های بخشش خود، بخشش دیگران، بخشش موقعیت‌ها و مجموع بخشش، به‌طور میانگین ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۷۵، ۰/۷۸ و ۰/۷۹ و ۰/۸۶ را به‌دست آوردند، که حاکی از همسانی درونی خوب مقیاس است. ضرایب همبستگی آزمودنی‌ها برای سنجش پایایی بازآزمایی زیرمقیاس‌ها نیز محاسبه شد، که به‌طور میانگین برای بخشش خود و دیگران ۰/۳۲، خود و موقعیت‌ها ۰/۶۳ و دیگران و موقعیت‌ها ۰/۵۰ به‌دست آمد. همچنین نتایج بازآزمایی هر مقیاس در سطح  $P < ۰/۰۰۱$  معنادار بود، که نشانه پایایی بازآزمایی خوب مقیاس است. تامپسون و دیگران (Thompson et al, ۲۰۰۵) با اجرای هم‌زمان مقیاس بخشش هارتلند با مقیاس‌های دیگر نشان دادند که بخشش با انعطاف‌پذیری شناختی (۰/۳۱)، عاطفه مثبت (۰/۲۳)، نشخوار سبک‌های پاسخ (۰/۳۴)، عاطفه منفی (۰/۴۸)، انتقام (۰/۳۶) و افکار خودکار کینه‌توزانه (۰/۳۵) رابطه معنادار دارد. این نتایج روایی هم‌گرایی مقیاس بخشش هارتلند را تأیید می‌کند. آلفای کرونباخ پرسش‌نامه در پژوهشی داخلی برای زیرمقیاس‌های بخشش خود، بخشش دیگران، بخشش موقعیت‌ها و مجموع بخشش به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۷۱، ۰/۷۰ و ۰/۸۱ به‌دست آمد، که نشان‌دهنده همسانی درونی خوب مقیاس بود (کاشانکی، بشارت و رجیبیان، ۲۰۱۸). آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه در پژوهش حاضر برای کل مقیاس ۰/۷۳۹ به‌دست آمد، که رضایت‌بخش است.

در پژوهش حاضر برای توصیف متغیرهای کیفی از شاخص‌های فراوانی و درصد، و برای متغیرهای کمی از شاخص‌های میانگین و انحراف معیار استفاده شد. با توجه به نرمال بودن توزیع نمرات پرسش‌نامه‌ها، از تحلیل مدل‌سازی معادلات ساختاری و برای بررسی اثر میانجی در مدل از آزمون سوبل استفاده شد. جداول توصیفی توسط نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ و مدل‌سازی معادلات ساختاری نیز توسط نرم‌افزار AMOS نسخه ۲۱ تهیه و سطح معنی‌داری آماری در این مطالعه به میزان ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

### یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر با شرکت ۴۰۷ نفر اجرا شد، که شامل ۳۳۹ خانم (۸۳/۳٪) و ۶۸ آقا (۱۶/۷٪) با میانگین سنی ۲۳/۲۷ با انحراف معیار ۷/۴۱ در دامنه سنی ۱۸-۵۷ سال شرکت کردند. تحصیلات ۳۳۹ نفر (۸۳/۲٪) کارشناسی، ۶۳ نفر (۱۵/۵٪) کارشناسی ارشد و ۵ نفر (۱/۲٪) دکترا، و وضعیت تأهل ۳۲۰ نفر (۷۸/۶٪) مجرد و ۸۷ نفر (۲۱/۴٪) متأهل بود. در بین شرکت‌کنندگان ۳۶۲ نفر (۸۸/۹٪) بدون فرزند و ۴۵ نفر (۱۱/۱٪) دارای فرزند بودند (جدول ۱).

جدول ۱: خلاصه اطلاعات شرکت‌کنندگان

| جنسیت       | خانم             | فراوانی      |       |
|-------------|------------------|--------------|-------|
|             |                  | درصد         | تعداد |
| وضعیت تأهل  | آقا              | ۶۸           | ۱۶/۷  |
|             | مجرد             | ۳۲۰          | ۷۸/۶  |
| تحصیلات     | متأهل            | ۸۷           | ۲۱/۴  |
|             | کارشناسی         | ۳۳۹          | ۸۳/۳  |
|             | کارشناسی ارشد    | ۶۳           | ۱۵/۵  |
| تعداد فرزند | دکترا            | ۵            | ۱/۲   |
|             | بدون فرزند       | ۳۶۲          | ۸۸/۹  |
|             | یک فرزند         | ۱۵           | ۳/۶   |
|             | دو فرزند         | ۱۷           | ۴/۲   |
|             | سه فرزند و بیشتر | ۱۳           | ۳/۲   |
| میانگین     |                  | انحراف معیار | سن    |
| ۲۳/۲۷       |                  | ۷/۴۱         |       |

مطالعه حاضر نشان داد که بخشش بر روی سلامت روانی ( $P < ۰/۰۰۱$  و  $Beta = ۰/۳۷$ ) و دلبستگی به خدا ( $P < ۰/۰۰۱$  و  $Beta = ۰/۲۹$ ) و همچنین دلبستگی به خدا بر سلامت روانی ( $P = ۰/۰۰۶$  و  $Beta = ۰/۱۶$ ) اثر مثبت و معنی‌داری دارند. همچنین همبستگی معکوس و معنی‌دار بین سلامت روانی و افسردگی، اضطراب و استرس ( $P < ۰/۰۰۱$  و  $r = -۰/۸۹۱$ ) نیز دیده شد (جدول ۲ و نمودار ۱).

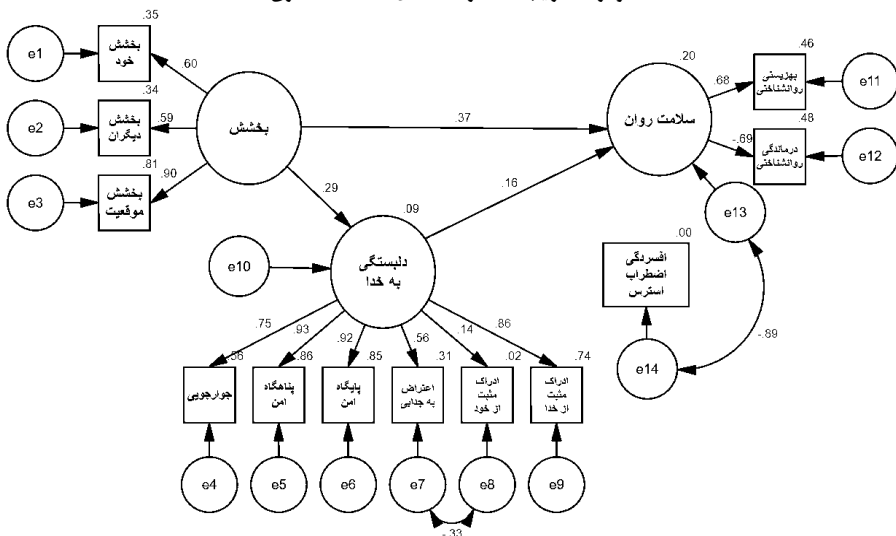
بررسی اثر میانجی دلبستگی به خدا بر رابطه بخشش و سلامت روانی ( $Sobel Test = ۲/۲۳$  و  $P = ۰/۰۲۵$ ) نشان داد که دلبستگی به خدا می‌تواند اثر میانجی معنی‌داری داشته باشد، اما با توجه به میزان اثر مستقیم بخشش بر سلامت روانی، اثر متغیر میانجی تنها ۱۱/۱٪ بر این رابطه مؤثر است (جدول ۲ و نمودار ۱). شاخص‌های ارزیابی مدل نیز نشان داد که مدل ساختاری برازش لازم برای هدف تعیین میانجیگری و پیش‌بینی را داراست.

## نقش میانجیگر دلبستگی به خدا در رابطه پُرشانی روان شناختی و ... ♦ ۱۰۵

جدول ۲: خلاصه نتایج معادلات ساختاری اولیه

| معنی داری<br>P-value                                                              | انحراف معیار<br>S.E. | ضریب مدل<br>B | ضریب استاندارد شده<br>Beta |                                    |
|-----------------------------------------------------------------------------------|----------------------|---------------|----------------------------|------------------------------------|
| <۰/۰۰۱                                                                            | ۰/۰۵                 | ۰/۲۰          | ۰/۲۹                       | دلبستگی به خدا → بخشش              |
| ۰/۰۰۶                                                                             | ۰/۱۶                 | ۰/۴۳          | ۰/۱۶                       | سلامت روانی → دلبستگی به خدا       |
| <۰/۰۰۱                                                                            | ۰/۱۳                 | ۰/۶۸          | ۰/۳۷                       | سلامت روانی → بخشش                 |
|                                                                                   |                      | ۱/۰۰          | ۰/۵۹                       | بخشش دیگران → بخشش                 |
| <۰/۰۰۱                                                                            | ۰/۱۰                 | ۰/۸۱          | ۰/۶۰                       | بخشش خود → بخشش                    |
| <۰/۰۰۱                                                                            | ۰/۱۷                 | ۱/۳۶          | ۰/۹۰                       | بخشش موقعیت → بخشش                 |
|                                                                                   |                      | ۱/۰۰          | ۰/۶۸                       | بهزیستی روان شناختی → سلامت روانی  |
| <۰/۰۰۱                                                                            | ۰/۱۲                 | -۱/۱۶         | -۰/۶۹                      | درماندگی روان شناختی → سلامت روانی |
|                                                                                   |                      | ۱/۰۰          | ۰/۷۵                       | جوارجویی → دلبستگی به خدا          |
| <۰/۰۰۱                                                                            | ۰/۱۰                 | ۱/۶۴          | ۰/۹۲                       | پایگاه امن → دلبستگی به خدا        |
| <۰/۰۰۱                                                                            | ۰/۰۴                 | ۰/۹۴          | ۰/۹۳                       | پناهگاه امن → دلبستگی به خدا       |
| <۰/۰۰۱                                                                            | ۰/۰۶                 | ۰/۵۱          | ۰/۵۶                       | اعتراض به جدایی → دلبستگی به خدا   |
| <۰/۰۰۱                                                                            | ۰/۱۱                 | ۰/۲۶          | ۰/۱۴                       | ادراک مثبت از خدا → دلبستگی به خدا |
| همبستگی اعتراض به جدایی با ادراک مثبت از خود: $P < ۰/۰۰۱$ و $-۰/۳۳۴$              |                      |               |                            |                                    |
| همبستگی افسردگی، اضطراب و استرس با سلامت روانی: $P < ۰/۰۰۱$ و $-۰/۸۹۱$            |                      |               |                            |                                    |
| Chi-Sq=25.748, df=16, P=0.057, Chi-sq/df=1.611, GFI=0.982, CFI=0.989, RMSEA=0.041 |                      |               |                            |                                    |

نمودار ۱: ضرایب استاندارد شده مدل معادلات ساختاری



بر اساس این مدل، میزان اثر مؤلفه بخشش موقعیت بیشترین تأثیر را بر متغیر بخشش دارد. همچنین پناهگاه امن و پایگاه امن بیشترین و ادراک مثبت از خود کمترین اثر را بر دلبستگی به خدا نشان دادند. مؤلفه درماندگی روان‌شناختی اثر معکوس و بهزیستی روان‌شناختی اثر مثبت و معنی‌داری بر سلامت روان را دارا بودند.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجیگر دلبستگی به خدا در رابطه پیرایشانی روان‌شناختی و سلامت روان‌شناختی با بخشش انجام شد. یافته‌ها نشان داد که بخشش بر روی سلامت روانی و دلبستگی به خدا و همچنین دلبستگی به خدا بر سلامت روانی اثر مثبت و معنی‌داری دارند. همچنین همبستگی معکوس و معنی‌دار بین سلامت روانی و افسردگی، اضطراب و استرس نیز دیده شد. بررسی اثر میانجی دلبستگی به خدا بر رابطه بخشش و سلامت روانی نشان داد که دلبستگی به خدا می‌تواند اثر میانجی معنی‌داری داشته باشد. شاخص‌های ارزیابی مدل نیز نشان داد که مدل ساختاری برازش لازم برای هدف تعیین میانجیگری و پیش‌بینی را داراست. بر اساس این مدل، میزان اثر مؤلفه بخشش موقعیت بیشترین تأثیر را بر متغیر بخشش دارد. همچنین پناهگاه امن و پایگاه امن بیشترین و ادراک مثبت از خود کمترین اثر را بر دلبستگی به خدا نشان دادند. مؤلفه درماندگی روان‌شناختی اثر معکوس و بهزیستی روان‌شناختی اثر مثبت و معنی‌داری بر سلامت روان را دارا هستند. همچنین یافته‌ها نشان داد که از بین خرده‌مقیاس‌های بخشش، بخشش موقعیت بیشترین تأثیر را بر متغیر بخشش دارد. همسو با یافته‌های پژوهش‌های پیشین و تعریف سازه سلامت روان، مؤلفه درماندگی روان‌شناختی اثری معکوس (Krause and Ellison, 2013) و بهزیستی روان‌شناختی اثری مثبت و معنی‌دار بر سازه مذکور دارد (Allemand et al, 2012).

مطالعه حاضر نشان می‌دهد که بخشش و دلبستگی به خدا به‌صورت متمایز، اثر مثبت و معنی‌داری بر روی سلامت روانی افراد دارند. همچنین همبستگی معکوس و معنی‌داری در رابطه سلامت روان و اضطراب، افسردگی و پیرایشانی دیده می‌شود. همسو با این یافته، نتایج مطالعات پیشین حاکی از ارتباط مثبت بین بخشش و معیارهای سلامت روان است (Lawler et al, 2006). همچنین کیم، هولت و هینی (Kim, Hulett, & Heiney) (۲۰۲۱) همسو با نتایج مطالعه حاضر نشان دادند که می‌توان با پرداختن به نیاز بخشش در روابط بین‌فردی به‌عنوان یک دغدغه معنوی برای افراد، سلامت روان را تقویت نمود. احیاکننده و مزیدی شرف‌آبادی (۲۰۱۶) نیز در مطالعه خود نشان داده‌اند که بین دلبستگی دانشجویان به خدا و سلامت روان و هدف در زندگی آنها رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

دلبستگی به خدا با افزایش خوش‌بینی و عزت نفس در طول زمان همراه است؛ لذا امنیت دلبستگی شخص به خدا که برای برخی از افراد به‌عنوان چهره اولیه دلبستگی عمل می‌کند، می‌تواند از مسیر این فرایند در بهزیستی روانی

مثبت سهیم باشد (Lee & Montelongo, 2016). همچنین دلبستگی به خدا می‌تواند با افزایش میزان شرکت افراد در مراسم مذهبی موجب افزایش خوش‌بینی و به تبع بهبود بهزیستی از مسیر دریافت حمایت‌های اجتماعی شود (Kent, Bradshaw & Uecker, 2017).

نتایج پژوهش حاضر حاکی از اثر میانجی معنی‌دار دلبستگی به خدا در رابطه سازه‌بخشش و مؤلفه‌های سلامت روان است. طبق یافته‌های پژوهش کنت و همکاران می‌توان گفت هنگامی که بخشش و دلبستگی به خدا در تعامل با یکدیگر قرار می‌گیرند، بهزیستی روانی را به صورت متفاوتی از طریق دو معیار متفاوت بخشش، پیش‌بینی می‌کنند (Kent, Bradshaw & Uecker, 2017). احساس بخشش توسط خدا و تغییر رفتار بخشش به سمت دیگران در نتیجه بخشیده شدن توسط خدا، تعامل احساس بخشیده شدن توسط خدا و بخشش بین‌فردی، با دلبستگی به خدا سطوح بالاتری از خوش‌بینی، عزت نفس و رضایتمندی از زندگی و به تبع بهزیستی روانی را پیش‌بینی می‌کند.

ممکن است احساس امنیت به خدا و باور به او در افرادی همراه با تنش باشد. همان‌گونه که در ابتدا ذکر شد، کیفیت دلبستگی منعکس‌کننده تجارب اولیه در کودکی است، که نحوه ارتباط اجتماعی افراد را حین حرکت در طول عمر شکل می‌دهد. مدل‌های کاری درونی نسبتاً پایداری که در اوایل کودکی ایجاد شده‌اند، چگونگی ارتباط افراد با خدا را نه بر اساس الهیات و اعتقادات، بلکه بر اساس تجارب اولیه معرفی می‌کنند (Graqvist & Kirkpatrick, 2013)؛ لذا افرادی هستند که در جوامع مذهبی جامعه‌پذیر شده، در فعالیت‌های مذهبی شرکت می‌کنند و خدا باور هستند، اما با این وجود دلبستگی‌شان به خدا نایمن است. نحوه عملکرد دلبستگی به خدا در طول عمر در حال حاضر شناخته شده نیست و نیازمند مطالعات طولی در این حوزه است، اما چیزی که مشخص است، احتمال تجربه ارتباطی نایمن با خدا علی‌رغم وجود خدا باوری در افراد است. وجود تعارض در باور به خدا و تجربه ارتباطی با او، امکان وجود تجارب ذهنی متعارض نسبت به بخشش را مطرح می‌کند (Kent, Bradshaw & Uecker, 2017).

طبق مدل فهر، گلفند و ناگ (Fehr, Gelfand & Nag) (۲۰۱۰) که متغیرهای تأثیرگذار در وقوع بخشش را ارائه می‌دهد، تأثیرات شناختی بر روی بخشش، به نگرش و افکار قربانی راجع به مجرم و واقعه، شامل مسئولیتی که قربانی به مجرم نسبت می‌دهد، شدت آسیب درک‌شده توسط قربانی و درجه نشخوار فکری قربانی مربوط می‌شود. تأثیرات عاطفی شامل خلق مثبت و منفی، همدلی (احساس گرمی و شفقت نسبت به دیگران) و خشم است. طبق شواهدی که فهر و همکاران ارائه کرده‌اند، هنگامی که قربانی جرم را شدید و عمدی می‌داند و در مورد آن نشخوار فکری می‌کند بخشش کمتری را گزارش می‌کند. هنگامی که خلق و خوی منفی و خشم را تجربه می‌کند، احتمال کمتر و وقتی احساس همدلی می‌کند، احتمال بیشتری برای

بخشش وجود دارد (تأثیرات عاطفی). لذا طبق این مدل می‌توان تبیین نمود که این مدل‌های کاری درونی تعمیم یافته‌اند که با اثرگذاری بر متغیرهای شناختی و عاطفی بخشش، آن را تسهیل نموده یا مانع آن می‌شوند (Fehr, Gelfand & Nag, 2010).

مطالعه حاضر با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود. الگوی مطالعه مقطعی پژوهش حاضر و مدل پژوهشی دلبستگی، استنباط علی از یافته‌ها را محدود می‌کند؛ همچنین بررسی روند تحولی سازه‌ها و ثبات آن در شرایط مختلف، نمایانگر لزوم تحقیقات طولی است؛ همچنین محدودیت‌های نمونه‌گیری همانند فقدان افراد زیر ۱۸ سال (نوجوان) در بین اعضای نمونه، فقدان نمونه‌گیری طبقه‌ای و...، تعمیم‌یافته‌ها به تمام طول عمر و تمام افراد جمعیت ایران را ناممکن می‌سازد. پژوهش‌های آینده با مقایسه سازه‌های متعامل در پژوهش حاضر، در بین جوامع مذهبی و غیرمذهبی، خداوور و ناباور، می‌تواند ما را در فهم بهتر ارتباط بخشش با معیارهای سلامت روان، از مسیر دلبستگی به خدا یاری رساند. می‌توان با تدوین برنامه‌های آموزشی والدگری ایمن، تدوین برنامه‌های حمایتی به جهت تسهیل ایمنی در پیوند با چهره‌های اصلی دلبستگی همانند خداوند و نهایتاً فرهنگ‌سازی و ارزش‌گذاری بر بخشش در رابطه بین فردی، به بهبود شاخص‌های سلامت روان در افراد جامعه کمک نمود.

- Ahyaya-Konandeh, M. & Mezidi Sharaf-Abadi, M. (2016). The relationship between attachment to God and mental health and purpose in the lives of male students. *Psychology and Religion*, 33(1), 69-84.
- Ainsworth, M. S. (1978). Attachment and other affectional bonds across the life cycle. In *Attachment Across the Life Cycle*. Edited by Parkes, C. M., Stevenson-Hinde, J. & Marris, P., New York: Routledge, 33-51.
- Ainsworth, M. S. (2015). Infant–Mother attachment. *American Psychologist*, 34(10), 932-937.
- Ainsworth, M. S., Blehar, M. C., Waters, E. & Wall, S. N. (2015). *Patterns of attachment: A psychological study of the strange situation*. New York, NY: Psychology Press, 55-73.
- Akhtar, S. & Barlow, J. (2018). Forgiveness therapy for the promotion of mental well-being: A systematic review and meta-analysis. *Trauma, Violence, and Abuse*, 19(1), 107-122.
- Allemand, M., Hill, p. L., Ghaemmaghani, P. & Martin, M. (2012). Forgiveness and subjective well-being in adulthood: The moderating role of future time perspective. *Journal of Research in personality*, 46(1), 32-39.
- Altmaier, M. E. (2019). Forgiveness: Promoting Positive Processes After Trauma. *Violence*, 19(1), 65-75.
- Besharat, M. A. (2009). Reliability and validity of the 28-question form of the mental health inventory in the Iranian population. *Scientific Journal of Forensic Medicine*, 54(2), 91-87.
- Birgeward, A. & Granqvist, P. (2004). The correspondence between attachment to parents and God: Three experiments using subliminal separation cues. *Pers Soc Psychol Bull*, 30(9), 1122-1135.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and Loss*. 2nd ed, New York: Basic Books, Original work published.
- Bradshaw, M., Ellison, C. G., & Marcum, J. P. (2010). Attachment to god, images of god, and psychological distress in a nation wide sample of Presbyterians. *International Journal for the Psychology of Religion*, 20(2), 130-147.
- Brennan, K. A., Clark, C. L., Shaver, P. R. (1998). Self-report measurement of adult attachment: an integrative overview in *Attachment Theory and Close Relationships*. New York: Guilford Press.
- Cassibba, R., Granqvist, P. & Costantini, A. (2013). Mothers' attachment security predicts their children's sense of God's closeness. *Attach Hum Dev*, 15(1), 51-64.
- Cherniak, A. D., Mikulincer, M., Saver, P. R. & Qranqvist, P. (2021). Attachment theory and religion. *Current Opinion in psychology*, 40(1), 126-130.
- Crawford, J. R., & Henry, J. D. (2003). The Depression Anxiety Stress Scales (DASS): Normative data and latent structure in a large non-clinical sample. *British journal of clinical psychology*, 42(2), 111-131.
- Davis, D. E., Hook, J. N. & Worthington, E. (2008). Relational spirituality and forgiveness: The roles of attachment to God, religious coping, and viewing the transgression as a desecration. *Journal of Psychology and Christianity*, 27(4), 293-301.
- Davis, E. B., Granqvist, P., & Sharp, C. A. (2018). Theistic relational spirituality: development, dynamics, health, and transformation. *Psychol Relig Spiritual*, 13(4), 401-415.
- Enright, R. D. & Fitzgibbons, R. P. (2000). *Helping clients forgive: An empirical guide for resolving anger and restoring hope*. American Psychological Association: Washington, D. C.
- Fathi, A., Hatami Roseneh, A. & Yarmohammadi, M. (2021). The role of fundamental and compensatory schemas in predicting self and other forgiveness. *Positive Psychology*, 3(27), 65-74.

- Fehr, R., Gelfand, M. J., & Nag, M. (2010). The road to forgiveness: A meta-analytic synthesis of its situational and dispositional correlates. *Psychological Bulletin*, 136(5), 894-914.
- Felman, A. & Melegrito, R. A. (2022). What is Mental health. *Medical News Today*, 2(3), 11-28.
- GhobariBonab, B. & HaddadiKoohsar, A. A. (2011). Attachment to God in the context of Islamic culture: theoretical foundations, construction and standardization of measurement tools. *Scientific-Research Quarterly of Psychological Methods and Models*, 1(4), 81-106.
- Granqvist, P. (2018). *Attachment in Religion and Spirituality: A Wider View*. New York: Guilford Press.
- Granqvist, P. & Kirkpatrick, L. A. (2013). Religion, spirituality, and attachment. *American Psychological Association*, 1(9) 139-155.
- Granqvist, P. & Kirkpatrick, L.A. (2016). Attachment and religious representations and behavior, In *Handbook of Attachment: Theory, Research and Clinical Applications*. edn 3, Edited by Shaver, P.R, New York: Guilford Press, 507-533.
- Greenwald, Y., Mikulincer, M., Granqvist, P. & Shaver, P. R. (2018). Apostasy and conversion: attachment orientations and individual differences in the process of religious change. *Psychol Relig Spiritual*, 13(4), 425-436.
- Griffin, B. J, Worthington, E. L., Lavelock, C. R., Wade, N. G. & Hoyt, W.T. (2015). Forgiveness and mental health. *Forgiveness and health*, 6(5), 77-90.
- Henderson, W. M. & Kent, B. V. (2021). Attachment to God and Psychological Distress: Evidence of a Curvilinear Relationship. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 61(1), 161-177.
- Hood, R. W., Hill, P. C. & Spilka, B. (2018). *The Psychology of Religion: An Empirical Approach*. New York: Guilford Publications.
- Jankowski, P. J. & Sandage, S. J. (2011). Meditative prayer, hope, adult attachment, and forgiveness: A proposed model. *Psychology of Religion and Spirituality*, 3(2), 115-131.
- Jiang, S. (2020). Psychological well-being and distress in adolescents: An investigation into associations with poverty, peer victimization, and self-esteem. *Children and Youth Services Review*, 111(3), 1-7.
- Johnson, S. C., Carol, S. D., Frances, S. C., Hilarie, L. S., Su-Jeong, O. k. & Barth, M. (2010). At the intersection of social and cognitive development: Internal working models of attachment in infancy. *Cognitive Science*, 34(5), 807-825.
- Kashanaki, H., Besharat, M. A., & Rajabian Tabesh, F. (2018). The Mediating Role of Forgiveness on the Relationship Between Dimensions of Perfectionism and Interpersonal Problems. *Journal of Developmental Psychology*, 15(57), 17-32.
- Kent, B. V., Bradshaw, M. & Uecker, E. (2017). Forgiveness, Attachment to God, and Mental Health Outcomes in Older U.S. Adults: A longitudinal Study. *The journal of Empirical practice*, 40(5), 456-479.
- Kimball, C. N., Boyatzis, C. J., Cook, K. V., Leonard, K. C. & Flanagan, K. S. (2013). Attachment to God: a qualitative exploration of emerging adults' spiritual relationship with God. *Journal of Psychol Theol*, 41(3), 175-188.
- Kim, J., Hulett, J. & Heiney, S. P. (2021). Forgiveness and Health outcomes in Cancer Survivorship: A scoping Review. *Journal of Cancer Nursing*, 44(4), 181-192.
- Kirkpatrick, L. A. (1998). God as a substitute attachment figure: a longitudinal study of adult attachment style and religious change in college students. *Pers Soc Psychol Bull*, 24(9), 22-32.
- Kirkpatrick, L .A. (2005). *Attachment, Evolution, and the Psychology of Religion*. New York: Guilford Press.

- Kirkpatrick, L. A. & Shaver, P. R. (1990). Attachment theory and religion: childhood attachments, religious beliefs, and conversion. *J Sci Study Relig*, 29(3), 315-334.
- Krause, N. & Ellison, C. G. (2013). Forgiveness by god, forgiveness of others, and psychological well-being in late life. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 42(1), 77-93.
- Lawler-Row, K. A., Piferi, R. L. (2006). The forgiving personality: Describing a life well lived? *Personality and Individual Differences*. 41(6), 1009-1020.
- Lawler-Row, K. A., Younger, J. W., Piferi, R. L. & Jones, W. H. (2006). The role of adult attachment style in forgiveness following an interpersonal offense. *Journal of Counseling & Development*, 84(4), 493-502.
- Lee, J. & Montelongo, R. (2016). Caregiving and care-receiving in transition to older adulthood: Integrating an attachment theory perspective. *Journal of Religion, Spirituality & Aging*, 28(3), 200-218.
- Leilan, M. P., Kheiri, Y., Babapour, J. (2015). Relationship between attachment to God and trust with psychological vulnerability of students with mediating on patience. *International Research Journal of Applied and Basic Sciences*, 9(9), 1568-1573.
- Leman, J., Hunter, W., Fergus, T. & Rowatt, W. (2018). Secure Attachment to God Uniquely Linked to Psychological Health in a National, Random Sample of American Adults. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 28(3), 162-173.
- Lopez, S. J., Pedrotti, J. T., Snyder, C. R. (2015). *Positive psychology: The scientific and practical explorations of human strengths*. (3rd ed). Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Lovibond, P. F. & Lovibond, S. H. (1995). The structure of negative emotional states: Comparison of the Depression Anxiety Stress Scales (DASS) with the Beck Depression and Anxiety Inventories. *Behaviour research and therapy*, 33(3), 335-343.
- McCullough, M. E. (2008). *Beyond revenge: The evolution of the forgiveness instinct*. San Francisco, CA: Jossey-Bass.
- Mikulincer, M. & Shaver, P. R. (2016). *Attachment in Adulthood: Structure, Dynamics, and Change*, ed2, New York: Guilford Press.
- Mirmehdi, R., Kamran, A., Moqtadaei, K. & Salamat, M. (2021). The role of spirituality and forgiveness in psychological symptoms of patients with coronary heart disease. *Positive Psychology*, 1(17), 17-27.
- Mullet, E., Barros, J., Frongia, L., Usai, V., Neto, F., Shafighi, S. R. (2003). Religious involvement and the forgiving personality. *Journal of Personality*, 71(1), 1-19.
- Nkara, F., Main, M., Hesse, E., Granqvist, P. (2018). Attachment to Deities in Light of Attachment to Parents: The Religious Attachment Interview. Unpublished Manuscript Sweden: Department of Psychology, Stockholm University.
- Payton, A. R. (2009). Mental health, mental illness, and psychological distress: Same continuum or distinct phenomena? *Journal of Health and Social Behavior*, 50(2), 213-227.
- Sahebi, Am, Asghari, M. J., & Salari, R. S. (2005). Validation of Depression Anxiety Stress Scale (DASS-21) for Iranian population. *Iranian Psychologist Quarterly*, 1(4), 36-54.
- Schjodt, U., Stodkilde-Jorgensen, H., Geertz, A. W. & Roepstorff, A. (2009). Highly religious participants recruit areas of social cognition in personal prayer. *Soc Cogn Affect Neurosci*, 4(2), 199-207.

- Schnitker, S. A., Porter, T. J., Emmons, R. A., Barrett, J. L. (2012). Attachment predicts adolescent conversions at Young Life religious summer camps. *Int J Psychol Relig*, 22(3), 198-215.
- Schonning, V., Gunnhild, J. H., Lief, E. A., Jens, C. S. (2020). Social media use and mental health and well-being among adolescents: a scoping review. *Frontiers in Psychology*, 11(14), 39-49.
- Seligman, M. P. (2017). The PERMA model: Your scientific theory of happiness. Downloaded from <https://positivepsychologyprogram.com/perma-model>.
- Suldo, S. M., Shaffer, E. J. (2008). Looking beyond psychopathology: The dual-factor model of mental health in youth. *School Psychology Review*, 37(1), 52-68.
- Thompson, L. Y., Snyder, C. R., Hoffman, L., Scott, T. M., Heather, N. R. & Laura, S. B. (2005). Dispositional Forgiveness of self, others, and situations. *Journal of Personality*, 73(2), 313-360.
- Wada, H. S. & Khalid, G. M. (2021). Mental health in Nigeria: A Neglected issue in Public Health. *The journal of Public Health in practice*, 2(10), 100-116.
- Worthington, E. L. (2005). More questions about forgiveness: Research agenda for 2005-2015. In Worthington EL (Ed.), *Handbook of forgiveness*, New York, NY: Brunner-Routledge, 557-574.
- Worthington, E. L., Griffin, B. J., Toussaint, L. L., Nonterah, C. W., Utsey, S. O. & Garthe, R.C. (2016). Forgiveness as a catalyst for psychological, physical, and spiritual resilience in disasters and crises. *Journal of Psychology and Theology*, 44(2), 152-165.

# Table of Contents

## **The Conceptual Model of Resilience in the Holy Quran / 7**

✎ *Seyyed Hassan Mobarez / Mohammad Sadegh Shojaei / Mohammad Ghorbanzadeh*

## **The Principles of Psychological Development Based on Transcendent Wisdom (Hikmat al-Muta‘āliyah) / 27**

✎ *Seyyed Hadi Sabouri / Mohammad Reza Ahmadi Mohammadabadi*

## **The Family Flexibility Model Based on Quranic Verses and Narrations / 43**

✎ *Amir Mahdizadeh / Mohammad Mehdi Safourayi Parizi / Hassan Taghian*

## **Explaining the Approach and Inhibition (Encouragement and Punishment) Program Model Based on Islamic Sources for God-Oriented Spiritual Parenting / 63**

✎ *Mohammad Hossein Haghshenas / Masoud Janbozorgi / Mostafa Arabpour*

## **Investigating the Role of Attachment to God in Depression, Anxiety, and Stress Symptoms of Hypertensive Patients / 81**

*Mahsa Mohammad Alizadeh / ✎ Ali Khademi*

## **The Mediating Role of Attachment to God in the Relationship of Psychological Distress and Psychological Well-Being with Forgiveness / 93**

✎ *Seydeh Asma Hosseini / Zeinab Ebn Ali*

*In the Name of Allah*

**Ravanshenasi va Din**

*A Quarterly Journal of Psychological inquiry*

Vol. 18, No. 1

Spring 2025

**Concessionary:** *Imam Khomeini Educational and Research Institute (IKI)*

**Manager:** *Rahim Narouyi Nosrati*

**Editor in chief:** *Mohammad Reza Ahmadi*

**Executive manager:** *Ali Agha-Mohammadi*

**Editorial Board:**

▣ **Hujjat-ul Islam Dr. Mohammad Reza Ahmadi:** *Associate Professor, IKI*

▣ **Hujjat-ul Islam Ali Reza Araf:** *Associate Professor, Research Institute of Hawza Wa Danishgah*

▣ **Dr. Qulam Ali Afruz:** *Professor, Tehran University*

▣ **Dr. Muhammad Karim Khoda panahi:** *Professor, Beheshti University*

▣ **Hujjat-ul Islam Dr. M. J. Zarean:** *Assistant Professor, Mustafa International University*

▣ **Hujjat-ul Islam Dr. Abas Ali Shamel:** *Assistant Professor, Mustafa International University*

▣ **Hujjat-ul Islam Seyyid Muhammad Qaravi:** *Assistant Professor, Research Institute of Hawza Wa Danishgah*

▣ **Dr. Ali Fathi Ashtiani:** *Professor, Baqiat Allah Medical University*

---

**Address:**

**IKI**

Jomhori Eslami Blvd  
Amin Blvd., Qum, Iran

**PO Box:** 37185-186

**Tel:** +982532113474

**Fax:** +982532934483

[www.iki.ac.ir](http://www.iki.ac.ir)

[www.nashriyat.ir](http://www.nashriyat.ir)